

نفوذ

فرهنگ و تمدن ایران و اسلام

در سرزمین هند و پاکستان

بقلم

مجید یکتائی



نقوذ

فرهنگ تمدن ایران و اسلام

سرزمین هند و پاکستان

بقلم :

مجید یکتانی

چاپ نخست - تهران ۱۳۵۳

از انتشارات



شرکت نبی اقبال و شرکا

حق چاپ محفوظ



کتابخانه مرکزی
Central Library
Tehran University



۱۲۴۲۳۳

D5274

۰۷۵۷۶

C.2

پیشگفتار

همبستگی تاریخی و فرهنگی میان دولت ایران و هند بروزگاران
پیش از تاریخ میرسد و هیچ دولتی در جهان تا این اندازه دیرینگی تاریخی و
بستگی نداشته اند.

باید گفت وقتی از گذشته تاریخی روابط ایران و هند سخن میگوئیم
غرض از هند سرزمین بزرگ و شبه قاره هند و پاکستان است بویژه آنکه
آثار باستانی پاکستان کهن ترین آثار پیدا شده در آن سرزمین است و روابط
ایران با سرزمین هند از راه هند غربی یا پاکستان بوده است.

بررسی بستگی های فرهنگی ایران و هند خود بخش مهمی از تاریخ
تمدن و فرهنگ جهان قدیم است که پژوهش در آن ما را به کهن ترین بستگی های
تاریخی رهنمون میشود.

روابط کهن مردم ایران و هند از روزگاری پیش از تاریخ شناخته
شده و از آنجا که تاریخ هند آغاز میشود این بستگی های فرهنگی در همه
شئون تمدن هند از زبان و دین و فلسفه و عرفان و تصوف و شعر و هنر و ساختمان
دیده میشود.

تاریخ همزیستی مردم ایران و هند آغاز تمدن آریائی است و جدائی آنها
خود بزرگترین رویداد اجتماعی تاریخ جهان کهن است که هنوز بدرستی درباره
آن پژوهش نشده است.

مورخان اتفاق دارند که باشندگان آریائی هند از سرزمین ایران سوی آندیار کوچ کرده‌اند و مردم اروپا شاخه‌ای از مردم آن سامان بوده‌اند که سوی غرب رو آورده‌اند ازینرو مردم ایران و هند تبار و نیای مردم اروپا بوده و ریشه‌های تمدن و فرهنگ اروپائی درین سرزمین بوده است منتهی بپیدایش مسیحیت در اروپا توجه مردم غرب به دین بیش از مفاخر نژادی و زبانی خویش شده است.

از پژوهش در سرزمین هند دیده میشود گذشته از بستگی‌هایی که میان دولت‌ها وجود داشته همواره کششی مردم سرزمین ایران را سوی آن دیار کشانده است :

ز شوق هند ز انسان چشم حسرت برقفا دارم
که روهم گر براه آرم نمی‌بینم مقابل را
رفتن آریائیها، سکاها، پهلوها، مسلمانها و پارسیان به سرزمین هند نشانه و نمونه این بستگی‌هاست که در شئون گوناگون مردم آن سرزمین آثار بسیار از خود برجا گذاشته است.

آشکارترین نمونه این بستگی و نزدیکی میان دولت نفوذ زبان فارسی در زبانهای هند و پاکستان است که با همه گسترش زبان انگلیسی هنوز همچنان برجاست. گذشته از نفوذ تمدن و فرهنگ ایران نفوذ دین اسلام در هند و پاکستان مانند بسیاری از دینهای دیگر از راه ایران و وسیله ایرانیان بوده است زبانی فقه اسلامی در هند نیز هنوز زبان فارسی است و کشور هند در دوران حکومت‌های اسلامی درخشان‌ترین دوران خود را گذرانده و زبان فارسی در آن دوران در سرزمین هند و پاکستان شکوفان بوده است.

از چند سال پیش دوست دانشمندم استاد محمد محمدی رئیس دانشکده الهیات با اهمیت این بخش از تمدن و فرهنگ مشترک ایران و هند و پاکستان توجه پیدا کرده در سال چهارم لیسانس آن دانشکده به نفوذ تمدن و فرهنگ

ایران و اسلام در شبه قاره هند و پاکستان درسی اختصاص داده‌اند و از سال ۱۳۴۹ در آن دانشکده تدریس نمودم و چون از مدتی پیش روی دلبستگی‌های دیرین سفری به سرزمین هند و پاکستان نمودم در آن دیار نیز در کتابخانه‌ها و دانشگاه‌ها و موزه‌ها از نزدیک بررسی و پژوهش پرداختم.

آنچه در کلاس درس گفته و تقریر داشته‌ام آقای هوشنگ امامی یکی از دانشجویان آنسال برشته تحریر آورده‌اند که پس از امتحان نظرا از نظر خوانندگان میگذرد و گمان میرود نمونه کوچکی است از آنچه در آینده در این زمینه وسیله دانشمندان پژوهش گردد و امید است بیش از پیش بر همبستگی‌های فرهنگی و دینی ایران با دولت بزرگ پاکستان و هند بیفزاید.

مجید یکتائی

موقعیت جغرافیائی هند و پاکستان

شبه جزیره هند یکی از سه شبه جزیره جنوبی آسیاست دوشبه جزیره دیگر یکی عربستان است در مغرب و دیگری هندوچین در مشرق.

وسعت خاک هند و پاکستان باندازه ایست که آنرا شبه قاره گفته اند. شبه جزیره هند همچون مثلی است که کوه های هیمالیا در شمال در قاعده مثلث قرار دارد و رأس آن دماغه کماری^۱ در اقیانوس هند پیش رفته است و از سه طرف آنرا آب گرفته است.

مدار راس السرطان از میان شبه جزیره هند میگذرد و از اینجهت نیمی از شبه جزیره در منطقه معتدله شمالی و نیمی در منطقه حاره قرار دارد و هند یکی از کشورهای گرمسیری جهانست. باید گفت غرب پاکستان بیشتر در بخش بلوچستان و حوزه رود سند قرار دارد که نام قدیم این رود رود مهران بوده و بآن جلگه سند گفته و مرکز آن بهمن آباد (منصوره) بوده. طول شبه جزیره هند از شمال بجنوب در حدود دوهزار میل و از شمال غربی بایران هزار و دویست میل است شبه قاره هند تا برمه ادامه دارد و از غرب بفلات ایران منتهی میشود که در شمال غربی از تنگه خیبر میگذرد و در جنوب آن از راه شترارهای بلوچستان

۱ - کماری نام هندی دماغه ایست نام انگلیسی آن Comarin است یا

بفلات می پیوندند. قله اورست بلندترین قله جهانست که در رشته کوه های هیمالیا واقعست و این کوه ها شبه قاره هند را از شمال محصور کرده است. میتوان سرزمین کشمیر را که در شمال واقعست از نظر جغرافیائی جزو فلات پامیر^۱ دانست. در شبه قاره هند دو حوزه رود گنگا و جمنا دو حوزه مقدس است که هندیان از دیرباز در کناره های این دو رود زیسته اند؛ شهر های مذهبی ساخته و اعمال دینی خود را در کناره های آن دو رود بجا آورده اند شهر های مهم بنارس، کالکته، داکا و غیره در کنار گنگ است و دهلی و اسدآباد و آگرا در در کنار جمناست همچنین دو رشته کوه از غرب بشرق شبه قاره کشیده شده که فلات دکن را از دشت رسوبی هند جدا نموده این دو رشته ارتفاعات در تاریخ هند اهمیت بسیار دارد زیرا چون يك سد طبیعی در برابر پیشرفت مردم آریائی و اقوام دیگر بوده است. در جنوب این رشته کوه است که مردم بومی قدیم هند دراوها زیست می کنند و غارهای معروف آجانتا و آلورا که در آن آثار دینی بودائی و هندو دیده می شود در دامنه جنوبی همین رشته کوههاست.

و اما در دامنه کوه های شمالی است که خردمندان و دانشوران هند باندیشه و ریاضت پرداخته و در زمینه دین داری از چند خدائی و بت پرستی به سه گانه پرستی دو گانه پرستی و وحدت وجودی و یگانه پرستی راه برده اند.

آئین هندو

آئین هندو را خاورشناسان^۲ سه دوره جدا گانه تقسیم میکنند:

۱ - ودائی.

۲ - برهمنائی.

۱ - ریشه پامیر را پای مهر یا پامهر یا بام مهر دانسته اند و فلات پامیر را

بام جهان نام نهاده اند.

کیش وداها و بیدها

کیش وداها از کهن ترین کیشهای جهانست . ودا مظهر نخستین قوم هندوست^۱ وریشه اصلی عقاید برهمنائی و هندوست و رسوم ودائی باقربانی و نثار سوما برای خدای آتش آگنی آغاز گشته . آثار ودائی مانند آثاراوستائی شامل علوم و دانش و آگاهی های بشری بوده در صورتی که کتابهای بنی اسرائیل بیشتر شامل قصص و امثال و تعلیمات دینی است . کتابهای ریگ ودا ، یاجورودا ، یاتهرودا و ساماودا از کتابهای دینی کهن وداها یا بیدهاست که در دست مانده و کهن ترین ، ادبیات این جهانست ریگ ودا پس از گذشت سه هزار سال آن با دقت بما رسیده است گذشته از بیدها حماسه راماین یا رامایانا و مهابهارت از آثار کهن است . براهماناها ، اوپانیشادها ، مانترا (سرودها) تفسیر وداهاست که محتوی عقاید دینی و فلسفی هندیان است . دوره برهمنائی دوره تکامل فلسفه و دین ودائی است در دوره ودائی نظام اندیشه ودائی برقرار شد . دوره هندوئی دوره انحطاطی است که بصورت پرستش ارباب انواع و خرافات جلوه گر شده است .

نام هند

سرزمین هند هندیان بهارت^۲ گفته اند و به بخش شمالی آن که آریاها مسکن داشته اند آریا ورتا یا اری ورت چون هندوها مانند ایرانیان خود را « اری » نامیده اند یعنی سرزمین آریاها و به بخش جنوبی دکشینا^۳ که بزبان

۱ - ودا بسنسکریت یعنی دانش و وداها چهار کتاب است: ریگ ودا ، ساماودا ، یاجورودا ، اتهرودا و مجموعه این نوشته های دینی چهار قسمت است: ۱ - سمهیتا ۲ - براهمانا ۳ - ارنیاگا ۴ - اوپانیشاد .

2 - Bharata 3 - Dakshina

سنسکریت یعنی جنوب و امروز بآن ناحیه دکن گویند که شامل ایالت اندراپرادیش^۱ بوده و مرکز آن حیدرآباد دکن است . اما نام هند يك نامی است که مسلمانان از سده چهارم هجری به بعد باین سرزمین داده اند و پیش از آن سرزمینهای دیگری در فلات ایران هند نامیده میشد مانند بخشی از خوزستان و بخشی از قندهار که هند سفید میگفتند .

نژادها

در سرزمین هند نژادهای گوناگون و بسیار زیست میکنند و گذشته از آن از بیشتر نژادهای جهان نمونه هایی در این سرزمین دیده میشود . نژادشناسان نژادهای ساکن هند را به پنج گروه بزرگ تقسیم میکنند:

۱ - نژاد آریائی^۲ دارای جمجمه و چهره کشیده و رنگ پوست روشنتر با موهای سیاه واز نژادهای دیگر بیشتر هستند و بیشتر ساکنان شمال هند می باشند .

۲ - نژاد دراویدها دارای قد متوسط پیشانی بلند بینی قلمی چانه پیش آمده لبهای کلفت موهای سیاه و پر پشت و پیچیده ، چهره تیره گون ساکنان قدیم سرزمین هند هستند و آنها را از نژاد مردم مدیترانه ای دانسته اند اما با آنان از حیث رنگ چهره و مو فرق دارند .

۳ - نژاد سیاه^۳ دارای قد کوتاه چهره تیره صورت پهن جمجمه گرد ولی بارنگهای افریقا اختلاف دارند (دراوها) هستند .

۴ - نژاد ویدید^۴ دارای قد کوتاه بدن قوی چهره گرد و کوچک و بینی های پهن بیشتر در مرکز و جنوب هند هستند .

۵ - مغولها که دارای اندام کوتاه چهره پهن استخوانهای گونه برآمده چشمها باریک پوست زرد رنگ .

1 - Indra Pradisha 2 - Indids 3 - Negritos 4 - Veddids

از آمیختگی این نژادهای دیگر نیز پدید آمده اند اما میتوان گفت نژادهای آریائی آمیختگی کمتری دارند .

نفوس هند و پاکستان

اکنون هندوستان بیش از ۵۵۰ میلیون جمعیت دارد و میتوان گفت در جهان از هر پنج نفر يك تن هندی است . پاکستان نیز دارای ۵۵ میلیون جمعیت است و بنگلادش یا بنگال دارای ۷۵ میلیون جمعیت است پاکستان پس از اندونزی روزی دومین کشور پر جمعیت اسلامی جهان بود در هند نیز حدود یکصد میلیون مسلمان هست و میتوان هند را از نظر کثرت نفوس مسلمان دارای اهمیت دانست .

زبانهای هند

در سرزمین هند و پاکستان در حدود ۱۵۶۲ زبان و گویش تشخیص داده اند طبق تحقیقات يك انگلیسی بنام «گریسن»^۱ در حدود سیصد زبان اصلی در شبه قاره وجود دارد و ازین جهت یکی از سرزمینهای شگفت آور جهان است در میان اینهمه زبان و گویشهای گوناگون در هند شانزده زبان رسمی شناخته شده است . در هندوستان و پاکستان سه گروه زبان تشخیص داده اند:

۱ - دراوری (باستانی) .

۲ - هند و آریائی باستانی (میانه ای) .

۳ - چینی تبتی که امروز در شمال خاوری شبه جزیره رایج است . اگر بخواهیم درباره این زبانها سخن بگوئیم کتابها باید نگاشت اما لازم است چند زبان را اندکی بشناسیم .

زبان سنسکریت زبانی است ریشه دار و نیرومند از گروه زبانهای هند

1 - Crerson.

و آریائی که امروز زبانی نیم مرده است و مایه دار اگرچه متکلمانی دارد ولی زبان مادری کسی نیست زبان سنسکریت مانند زبان فارسی باستان و زبان اوستائی که ریشه زبان فارسی میانه و فارسی امروز است ریشه زبانهای گروه هند و آریائی هند است و سی و پنج درصد واژه های فارسی را می توان با واژه های سنسکریت سنجد و از زبانهای پرمایه است برای تفکیک زبان سنسکریت از زبانهای ایرانی آنرا زبان هند و آریائی گفته اند . زبانهای هند و آریائی را چنین تقسیم میکنند :

۱ - زبانهای هند و آریائی میانه .

۲ - زبانهای هند و آریائی باستان .

الف : زبان سنسکریت و داهها .

ب : زبان سنسکریت باستان .

زبانهای هند و آریائی میانه را بزبانهای زیر تقسیم میکنند :

۱ - زبان پالی^۱ که متن کتابهای بودائی بآن زبان نوشته شده .

۲ - پراکریت^۲ که دارای گویشهایی است .

۳ - آپاب هرامشا^۳ .

۴ - او ه مگدهی که کتابهای کیش جین^۴ باین زبان است .

۵ - زبان سنگ نبشته های آشوکا که نزدیک به پالی است .

زبانهای هند و آریائی نوین را چنین تقسیم میکنند :

۱ - زبان بنگالی .

۲ - زبان هندی .

۳ - زبان گجراتی .

۴ - زبان مراتی^۵ .

۱ - پالی بمعنی متن کتاب .

2 - Prakrits 3 - Apabharamsha 4 - Jain 5 - Maratti.

۵ - زبان بهاری^۱.

۶ - زبان کشمیری.

۷ - زبان پنجابی.

۸ - اردو.

۹ - پشتو.

۱۰ - راجستانی.

رابطه هریک از این زبانها با زبان فارسی خود تاریخچه‌ای دارد چنانکه زبان سندی در روزگار گذشته از آمیختگی زبان سنسکریت و پراکریت پدید آمد و سپس فارسی و عربی در آن راه یافت.

در دوران اسلامی زبان رابط مردم هند فارسی و اردو بود حتی پیمانهایی که انگلیسها با نواب هندی بسته‌اند همه بزبان فارسی بوده سپس بانگلیسی ترجمه شده است و امروز زبان رابط نیز اردو و انگلیسی است. پایه زبان اردو از سده یازدهم میلادی گذاشته شده که سلسله‌ها و خاندانهای پادشاهان اسلامی در هند حکومت کردند. اردو از آمیختگی زبان فارسی و زبانهای هندی مانند پنجابی بتدریج درست شده دستور زبان اردو از زبان «سورسینی»^۲ گرفته شده و زبان برج بهاشا^۳ نیز در آن اثر داشته و واژه‌هایی از زبانهای دیگر هندی وسیله مأموران دولتی و مبلغان مسلمان که از دهلی به نقاط دیگر میرفته‌اند در آن راه یافته با این وجود زبان فارسی نسبت به اردو مانند زبان مادر است چنانکه شصت درصد واژه‌های اردو از فارسی است. تازمان سر سید احمد خان اردو دشوار و پیچیده بود اما از آن پس تا با امروز رو بسادگی می‌رود. زبان اردو بتدریج در قرنهای بعد کمال یافته دارای ادبیات غنی از نثر و نظم گشته است. کهنترین نثر بزبان اردو کتاب معراج العاشقین است که در سال ۱۴۰۳ میلادی

۱ - Behari

۲ - زبان دهلی و پیرامون آن.

۳ - زبان محلی آگرا و متھرا.

آنرا خواجه بنده نواز گیسو دراز که بسال ۱۴۲۴ در گذشت و مزار او در گل برکه نزدیک حیدرآباد دکن است نوشته است. نخستین کسیکه بزبان اردو شعر گفت خسرو دهلوی است که در سال (۱۲۵۳ تا ۱۳۲۵) میلادی میزیست پس از آن دیوان شعر از پادشاهان قطب شاهیان مانند محمد قلی قطب شاه باقی مانده است. قطب شاهیان پس از پادشاهان بهمنی دکن سلطنت کردند. قطب شاهیان پادشاهان شیعی بودند که در گل کنده در دکن حکومت داشتند و تاورنیه (در سال ۱۶۴۵ میلادی) جهانگرد که بدان شهر رفته از الماسهای گرانبها و جواهرات آنان سخن گفته. الماس میز بزرگ، الماس اورلیو، الماس نظام و الماس کوه نور همه از آنجا بود. عبدالله قطب شاه در هند از همه بیشتر جواهر داشت.

در زمان سلطان علاءالدین خلجی در قرن سیزدهم میلادی دکن زیر نفوذ مسلمانان درآمد و مسلمانان از دهلی بدان دیار رو آوردند و در نتیجه زبان اردو در آن سرزمین نیز انتشار یافت در زمان پادشاهان تیموری نیز زبان اردو در سراسر هند گسترش یافت زبانی که امروز زبان رابط صدها میلیون مردم مسلمان و هندوست.

در زمان پادشاهان تیموری زبان فارسی زبان رسمی و درباری بود زبان اردو نیز در دربار و حرم سرا رایج بود. شاهجهان زبان اردو را اردوی محلی نامید در زمان اورنگ زیب (۱۶۵۸ - ۱۷۰۷ میلادی) که سرزمین هند و پاکستان بصورت یک کشور بود اردو پیشرفت شایان نمود و عده‌ای از شاهزادگان بزبان اردو شعر گفته‌اند. بهادر شاه ظفر آخرین پادشاه دودمان تیموریان نیز بار دو شعر سروده است شاعرانی که بفارسی و اردو شعر سروده‌اند در هند و پاکستان بسیار بوده‌اند که تذکره‌هایی درباره احوال آنان چاپ شده شماره شاعران فارسی گو در تذکره‌ها نگنجد و چنین است کسانی که به اردو شعر گفته‌اند. پس از تسخیر استان بنگال و دکن و دهلی

سخندانان و سخنسرایان اردو زبان به شهر لکهنو که در شمال هند مرکز شاهان آود بود رو آوردند و آنجا مرکز تازه‌ای برای شعر و زبان اردو گشت.

بر اثر علاقه مسلمانان و هندوان بزبان فارسی در سده نوزدهم و بیستم در برابر زبان انگلیسی مقاومت بسیار شد و مسلمانان و هندوان نمیخواستند زبان انگلیسی را بپذیرند و چون پس از برافتادن حکومت‌های اسلامی زبان فارسی اعتبار درباری خود را از دست داد و با آن مبارزه شد کم کم فارسی متروک گشته و زبان انگلیسی جای آن را گرفت اما زبان اردو همچنان اشاعه داشت و با پیدایش شاعران و نویسندگان بزرگ، زبان اردو یک زبان غنی و عمومی شد. اسدالله غالب و محمد اقبال دو شاعر بزرگ و نامدار فارسی‌گوی هند و پاکستان هستند که بزبان اردو نیز شعر سروده‌اند و آنها شعر فارسی را بر شعر اردو ترجیح داده غالب گوید:

فارسی بین تا به بینی نقشهای رنگ رنگ

بگذر از مجموعه اردو که بیرنگ منست

واقبال شاعر نامدار فارسی را بر شعر هندی برتر دانسته و گوید:

گرچه هندی در عذوبت شکر است

طرز گفتار دری شیرینتر است

در دوران اسلامی در هندوستان گذشته از زبان اردو زبان فارسی رواج بسیار یافت از آغاز سده یازدهم میلادی فارسی زبانان در لاهور فرمانروائی یافتند و زبان فارسی زبان رسمی شد. و شاعران فارسی‌گوی چون مسعود سعد سلمان، ابوالفرج رونی، معزالدین غزنوی و عطای رازی در آسمان ادب هند درخشیدند.

گذشته ازین بسیاری از هندوان بوده‌اند که بفارسی شعر سروده‌اند مانند برهمن که شماره آنها بسیار است.

در آغاز سده هشتم هجری (سیزدهم میلادی) دهلی زیر نگین فارسی

زبانان در آمد و زبان فارسی در آندیار نیز زبان رسمی کشوری گشت و شاعران فارسی‌زبان مانند خسرو دهلوی، حسن سنجرى، فیضی فیاض (ملك الشعراى دربار اکبر شاه) ظفرخان احسن، سلیم تهرانی، غنی، فیاضی لاهیجی، سالک قزوینی، فانی و اصیل بسراپیدن شعر فارسی پرداختند در سال ۹۳۲ هجری که با بریان فرمانروائی یافتند شعر فارسی در دهلی رونق بیشتر یافت و پس از رفتن همایون^۱ از خدمت شاه طهماسب صفوی قزلباشها در هند مقام و منصبهای عالی یافتند و همراه آنان گروهی از شاعران نیز به هند رو آوردند در این زمان از قرن چهاردهم میلادی دهلی، لاهور، لکهنو، آگرا، گولکنده، گل برکه بیجاپور، احمدنگر، تته، جونپور، احمدآباد، بنگال و پنجاب و کشمیر و نقاط دیگر مرکز شکوفان شعر و ادب فارسی شد.

شاعران بزرگ نامداری چون عرفی شیرازی، نظیری نیشابوری، ظهوری ترشیزی، طالب آملی، کلیم همدانی، صائب تبریزی و جویا تبریزی به هندوستان رو آوردند، بطور کلی می‌توان شعر و شاعری را در هندوستان به سه دوره تقسیم کرد:

۱- پیش از غدر^۲ که شامل زمان حکومت فارسی‌زبانان از ابتدا تا انقراض سلطنت تیموریان میباشد.

۲- پس از غدر.

۳- پس از استقلال هند و پاکستان که در سال ۱۱۴۷ م صورت گرفت شعر در دوره حکومت شیعی اوده^۳ و پادشاهان بهمنی دکن و قطب

۱- همایون در سال ۹۳۷ تا ۹۶۳ هجری پادشاهی کرد.

۲- غدر بر وزن کمر بمعنی شورش است این شورش در سال ۱۸۵۷ م بر علیه استعمار انگلیسییان در هندوستان برپا شد.

۳- در شمال هند.

شاهیان که شیعی و فارسی زبان بودند و بابریان بدو زبان فارسی وارد بود و آنان بیشتر بزبان فارسی شعر میسرودند و به اردو از راه تفنن شعر میگفتند شعر فارسی در دهلی و لاهور و دکن همگام با اصفهان و شیراز و تبریز بود. بیشتر شاعران پیش از غدر به زبان فارسی شعر میسرودند. در زمان حکومت اود مرثیه گوئی در هند رواج یافت و شاعرانی چون میرخلیق میرمونس دبیر و انیس بمرثیه گوئی پرداختند.

در هند چندین تذکره مهم از شعرای فارسی انتشار یافته. در دوران نفوذ زبان انگلیسی پس از غدر در هند شاعرانی به دو زبان فارسی وارد و شعر گفتند اسدالله خان غالب و عبدالقادر گرامی و شبلی و اقبال و غیره از این گونه سراینده گان بشمار میروند.

اما در دوران رواج زبان انگلیسی جز تا گور و چند تن شاعر از هندی ها نمی بینم با انگلیسی شعر سروده باشند^۱.

تأیید از استقلال هند و پاکستان با همه مبارزه ای که بازبان فارسی و اردو میشد باز این دو زبان در هند نفوذ داشت بویژه زبان اردو زبان عمومی بود اما جواهر لال نهرو و باستانها خود مختاری و اجازه داد که در هر استان هند زبان محلی عمومی باشد و زبان هندی زبان دوم و زبان انگلیسی زبان سوم شد بنابراین برای زبان اردو و زبان فارسی دیگر محلی نماند که نسل جوان هند بدان زبانها پردازند معینا باز امروز زبان اردو مانند زبان انگلیسی در سراسر هند زبان متداول و رابط است و اما تعیین زبان رسمی برای کشور پاکستان دچار اشکال شده بود بدین معنی که زبان پاکستان شرقی بنگالی بود و زبان پاکستان غربی اردو و چون مرکز حکومت در پاکستان غربی بود دولت نظر

۱ - کتاب نوپردازی در نقد شعر و سخن منجی اثر نگارنده گفتار ششم در شعر فارسی در شبه قاره هند و پاکستان دیده شود.

داشت زبان اردو را زبان رسمی اعلام نماید ولی مردم پاکستان شرقی که ثروت و جمعیت آن بیش از پاکستان غربی بود بر اثر آنکه زبان اردو زبان پاکستان غربی است این امر را تحمیل میدانستند و حاضر شدند زبان رسمی حتی فارسی باشد وارد نباشد ازین جهت بیشتر مکاتبات بزبان انگلیسی است و وسیله ای شده که زبان انگلیسی بعنوان زبان رابط موقعیت ممتازی پیدا کند در فلاتی که در آن امروز اسلام آباد و راولپندی هست بجز زبان اردو زبان پوتوهاری رایج است که فارسی در آن زبان نیز نفوذ بسیار دارد. زبانهایی در جنوب هند نیز رایج است مانند: کناری تلگو، تامیل و ملیالم که بآنها کار نداریم.

دین در سرزمین هند و پاکستان

همانطور که از نظر زبان و نژادها هند و پاکستان سرزمین عجایب است و قابل مطالعه از نظر دین شناسی نیز سرزمینی است که مطالعه بسیار لازم دارد.

دین قدیم آریاییهای هند دین ودائی است که پیش از این اشاره مختصری بدان شد. این دین از کهنترین کیشهای جهان است که کتابها و سرودها و حماسه های پرارجی از آن برجا مانده است.

اقوام آریایی که از راه فلات ایران بهند رو آوردند در حدود هزاره دوم پس از میلاد بآن سرزمین رو آورده اند و هنگام کوچ کردن سرودهای دینی بیدها را میخواندند و سرودخوانان به سرزمین هند وارد شده اند. سرودهای ریگ ودا در نهایت لطافت در ستایش آفریننده و آفرینش و نیایش او و ستایش مظاهر طبیعت است.

در باره زمان وداها اختلاف نظر هست در اوستاد و کتابهای وداها هر دو آمده که آریاییهای اولیه ساکنان سرزمین ایران و یج بوده اند و از آنجا ب سرزمین هند کوچ کرده اند^۱ و مردم آن سرزمین را ب جنوب رانده اند این مردم دراوها بوده اند که بیشتر مورخان آنها را از نژاد غیر آریایی و وحشی و بی

۱ - تاریخ تمدن و فرهنگ از تقریرات در سال سوم دانشسرای عالی که جداگانه چاپ شده.

دفاع و بی قانون دانسته اند که کارشان دام پروری و گله داری بوده است ولی پژوهشهای ما نشان میدهد که آنها نیز شاخه ای از آریایی ها بوده اند که پیش از رفتن آریاییهای کنونی آنها نیز از راه قندهار و بلوچستان به هند رفته اند^۱.

از نامهای جنگجویان و دشمنان آریاییها و نام قهرمانان که در اوستا و وداها آمده چنان فهمیده میشود که زمان ادبیات ودائی و اوستائی فاصله ای با هم نداشته اند و از نظر زبان شناسی دو زبان بسیار بیکدیگر نزدیک هستند. سرودهای گاهانی اوستائی با سرودهای بیدها نیز همزمان می نماید این قراین بما نشان میدهد که مردم هندو ایران از دیرباز باهم بستگی های زبان و فرهنگ و دین و تمدن داشته اند.

آثاری از ادبیات وداها و اوپانیشادها در هند یافت شده که تا هشت قرن پیش از میلاد میرسد اما قدمت ریگ وداها از همه آثار بیدها قدیمتر است و بحدود هزاره دوم پیش از میلاد میرسد قدمت مهابهارتا^۲ و رامایانا^۳ نیز در

۱ - تاریخ تمدن و فرهنگ از تقریرات در سال سوم دانشسرای عالی.

۲ - مهابهارتا یا مهابهارت یعنی بهارت بزرگ رزمنامه بزرگ حماسی است منسوب به ویاس یا بیاس Vyas که میگویند بیدها را او گردآوری کرده است این اثر کهن ۱۰۷۰۰۰ دوبیتی است و بتدریج کامل شده. بهاراتا شامل داستانهای عشقی بسیار جالبی مانند شکنتلا و نل دمنتی بالغ بر صد هزار بیت میباشد که قسمتی از آنها بفارسی ترجمه شده است. مهابهارتا دارای هجده باب است و موضوع آن جنگ میان دو خاندان کورو و پاندو است.

اثر دیگر ویداس هری و مSHA Hari Vamsha است که هرینس یا اچارج پوراناهم گفته میشود شامل زندگینامه شری کرشنا است که در زمان اکبر شاه وسیله مولانا شیری با بنوشته نویسنده خلاصه التواریخ مولانا تبریزی) از زبان سنسکریت بفارسی برگردانده شده هری و مSHA شجره نامه پادشاهان و بزرگان هند باستان را دربر دارد.

۳ - رامایانا یا راماین کتاب مذهبی هندوهاست که دارای ۲۵ هزار اشلوک (هاشلوک ۶۵ حرف) است بدستور اکبر شاه این کتاب کهن را عبدالقادر بدایوانی بفارسی ترجمه کرد. علاوه بر او در حدود بیست نفر دیگر هم رامایانا را بفارسی برگردانیده اند.

این حدود است .

ادبیات وداها از ریگ وداها ، یاجورودا و ساماودا تشکیل میشود که ودانت برگزیده آنها در یک دفتر گرد آمده و اوپانیشادها تفسیرهای آنهاست برخی از سرورهای ودا در دست نیست و برخی از آنها بشکل دیگری در آمده است .

تحقیق درباره ادبیات اوستائی مربوط بزمان زرتشت است و ما میدانیم طبق آخرین حسابها زرتشت نیز در قرن هجدهم پیش از میلاد یا هزاره دوم پیش از میلاد زاده شده .

مهابهارتا و رامایانا و پورانها و ویدانت از کتابهای مقدس هندوها است .

در ریگ ودا که کهنترین وداهاست خدایان به کثرت در آسمان و زمین دیده میشوند .

این خدایان بچند گروه تقسیم میشوند : خدایان آسمان خدایان فضا (جو) خدایان زمین - خدایان بزرگتر - خدایان کوچکتر - خدایان دسته جمعی . ورونا خدای خدایان است و رونا و ایندرا مهمترین خدایان بوده و آگنی نیز از خدایان بزرگ می باشد .

در ریگ ودا بذات واحد باری بندرت بر میخوریم با اینهمه عقیده هندیان درباره خدا آنست که او ازلی وابدی است آغاز و انجامی ندارد و در کار خود توانا و حکیم و وحی و معنی و متقی و مدبر است و در ملکوت اعلی فرد و یگانه بوده و چیزی باو همانند نیست^۱ در این کتاب از خدایانی مانند ورونا ، ایندرا ، آگنی و گاروت مت^۲ ، اندرا^۳ ، رودرا ، میترا ، مروت ، سورج (خورشید) ، شودیوها ،

۱ - تحقیق ماللهند ابوریحان بیرونی ترجمه آقای دانا سرشت .

2 - Garutmat 3 - Indra

نوشتری ، اشوین ها ، باوایز ، سرسوتی^۱ ، بهرتی^۲ ، برهسپت^۳ پوشان^۴ ، سویتری^۵ ، پر جاپت^۶ ، بهگ^۷ ، وجات ویداس^۸ و غیره نام برده شده که برخی از آنها مهمتر و برخی کوچکتر ، برخی مرد و برخی زن هستند بطور کلی در آئین هند و خدایان نیکی بر بدی پیروزی می یابند .

خدایان دوره ودائی را سه دسته تقسیم میکنند که ایندرا و آگنی و سورج در اس هر دسته قرار دارند . گاهی ایندرا و آگنی را در رأس قرار میدهند .

بطور کلی آگنی را خدای زمین ایندرا خدای فضا و سورج را خدای آسمان میدانند و آن سه خدا هم شأن و برابرند .

آگنی نماینده عنصر آتش است و سه جنبه دارد ، زوال ناپذیر است و توانا و بخشنده است . اندرا خداوند رعد و برق و روابط جنسی است باران را او فرستد و با ابرها نبرد میکند در ریگ ودا بیشتر از آگنی و اندرا سخن رفته است .

این نکته شایان توجه است که در اوستا صدویک نام برای اهورامزدا می آورد که برخی از آن نامها با نام خدایان هندی قابل تطبیق است مانند اهورامزدا با آسورا یا میترا با میترا و وارونا و غیره .

کیش هندو

کیش هندو با فرهنگ هند آمیخته است و سایر ادیان و عقایدی که در هند هست در این کیش اثر گذاشته و بیشتر هندوان به بیدها کتابهای مقدس ودا عقیده دارند و گرچه در کیش هندو خدایان به کثرت است اما یک هندو میتواند به خدای یگانه یا چند خدا عقیده داشته باشد یا به خدایی عقیده نداشته باشد

۱ - Sarasvati زن برهما الهه دانش و موسیقی است و کتابی در دست دارد .

2 - Bharati 3 - Barhuspat 4 - Pushan 5 - Savitri

6 - Parjapat 7 - Bhaga 8 - Jatvidas.

کیش هندو باندازه‌ای پیچیده است که گاه درك آن برای هندوان هم خالی از اشکال نیست.

گاه در کیش هندو تضادهایی نیز دیده می‌شود مثلاً با آنکه بی‌آزاری و اصل عدم تشدد از اصول اخلاقی و دین هندوان است و جنگ و کشتار در آئین آنان منع شده دیده می‌شود که برای پرستشگاه هندو «مندر» قربانی‌های بسیاری میکنند کیش هندو از يك عقیده همه خدائی و وحدت وجودی برخوردار است با اینهمه از معتقدات و ادیان و اقوام مختلف نیز متأثر است.

نظام طبقاتی - امروز نظام طبقاتی جزو کیش و قوانین هندوان گشته بطوریکه اگر امروز کسی عقیده به يك خدا یا چندخدای هندو نداشته باشد آنقدر مهم نیست که رعایت نظام طبقاتی را ننماید. جامعه هندو بچهار طبقه تقسیم می‌شود این چهار طبقه باین شرح است:

۱ - برهمنان ، پیشوایان دین و روحانیان .

۲ - کشتربا^۱ فرمانروایان و سپاهیان که برهمنان مانند وزیران این طبقه هستند .

۳ - ویشا^۲ بازرگانان و پیشه‌وران و کشاورزان .

۴ - شودرا^۳ عامه مردم و خدمتگزاران .

طبقه دیگری زیر این چهار طبقه است که آنها را نجس‌ها گویند و امکان ترقی و تغییر طبقه برای آنها نیست. این طبقه از بسیاری از حقوق اجتماعی محرومند و جز کارهای پست و سنگین بکارهای دیگر دست نمی‌زنند .

در اوستا نیز از سه یا چهار طبقه نام برده می‌شود و این امر می‌رساند که از دیرباز نظام طبقاتی یکی از پایه‌های اجتماعات آریائی بوده است چهار طبقه قدیم ایرانی :

۱ - کشتربا چهارپایه کشتربا Kshatriyas بمعنی فرمانروا یا سپاهی

3 - Sudras 2 - Valsyas

۱ - مؤبدان (کاتوزیان) .

۲ - سپاهیان (نیساریان) .

۳ - دیران و دهقانان (نجیب‌زادگان) .

۴ - کشاورزان و پیشه‌وران .

بوده‌اند که در اوستا و شاهنامه^۱ آمده و طبیعی و ثعلبی و ابن‌اثیر نیز بدانها اشاره کرده‌اند. در کتابهای پهلوی اتورنن ، اره‌تیشاران و استریوشان و هوتخشان آمده است .

گذشته از هندوان اقوام و قبایل و ادیان دیگر که بهند آمده‌اند نیز کم‌وبیش به این نظام صنفی و طبقاتی عقیده پیدا کرده‌اند حتی مسلمانان .

عقیده به نظام طبقاتی در هند بسیار پیچیده و کهن است و اهمیت این طبقه‌بندی مافوق نظام اجتماعی و صنفی است .

تاریخ پیدایش طبقات در هند روشن نیست گروهی از مورخان شالده نظام طبقاتی هند را مربوط به زمانی میدانند که اقوام هند و ایرانی از یکدیگر جدا نشده بودند و هنوز آریائیها در فلات ایران بودند که دارای چنین عقایدی گشتند زیرا اساس عقیده به چهار پیشه^۲ در ایران کهن و چهار ورن^۳ یا چهار رنگ در کیش هند و از يك ریشه است .

گود (شاخه‌هایی) در هند به دسته‌هایی تقسیم می‌شود یا شاخه‌هایی پیدا کرده‌است چنانکه اکنون تا ۱۸۵۵ شعبه جزء طبقه براهمن است و طبقه‌های دیگر نیز هريك چندین هزار شعبه دارد .

بعقیده هندوان برهمنان از سر برهما (خدای آفریننده کائنات) آفریده شده و این امر نشانه قدرت فکری آنهاست طبقه کشتربا از بازوان برهما پیدا

۱ - در شاهنامه فردوسی آمده است که جمشید نخستین پادشاهی بود که مردم

را به چهار طبقه تقسیم نمود و حدود و ظایف هريك را تعیین کرد .

۲ - پیشترا Pishtra ۳ - Varna

شده و همپایه طبقه برهمن است طبقه بازرگانان و پیشه‌وران و طبقه کشاورزان از دست و پای برهما پدید آمده‌اند که توانا هستند.

طبقه براهمن در هند احترام و موقعیتی ممتاز دارند و بنا بر سنن و شعائر مذهبی تنها آنها هستند که کتابهای مقدس را درك میکنند و میتوانند توجه و لطف خداوند را بمردم جلب نمایند.

هر برهمن روحانی نیست اما هر روحانی باید از برهمنان باشد يك هندو از هر طبقه بایك طبقه پائین‌تر از خویش حشر و نشر نمیکند.

خارج از این طبقات طبقه نجس‌ها هستند که از بیشتر حقوق اجتماعی محرومند اما اگرچه امروز قانون اساسی هند را ابتکا^۱ یکی از طبقه نجس‌ها که تحصیلاتی عالی داشته نوشته و مجسمه او در شهر بمبئی برپاست نجس‌ها از حقوق مساوی عملاً برخوردار نیستند و بهمین جهت آنکه قانون اساسی هند را نوشت دريك روز بانطقى سیزده میلیون و نیم افراد نجس را بدین نشو و نما درآورد و گفت مذهبی که ما را نپذیرد ما از آن خواهیم برید.

اما بنا بر عقیده کیش هند و هر برهمنی باید چهار مرحله را بگذرانند که شرح هر يك از حوصله درس ما بیرون است علاوه بر آن هر برهمنی برای دانستن و فهم کتاب‌های بیدها باید علوم و دانگ^۲ بداند این علم شش است از این قرار:

۱ - علوم تجوید برای درست خواندن کتابهای دینی.

۲ - علم عروض و اوزان برای آهنگین خواندن سرودهای دینی.

۳ - دستور زبان برای درست خواندن نوشته‌های دینی.

۴ - شرح و تفسیر لغات مشکل بیدها.

۵ - علم ستاره‌شناسی و تقویم برای شناسائی زمان اجرای

تکالیف دینی.

۱ - Ambedkar ۲ - Vedangus را بیاموزند.

۶ - علم رسوم و آداب بیدها.

درباره کیش هندوان میتوان گفت هر هندو میتواند در میان خدایان بی‌شمار یکی را بردیگری برتری دهد. هندوان حیوانات و جانوران را نمی‌کشند و بویژه گاو را تقدیس میکنند و اگر از گرسنگی بمیرند گاو و گوشت حیوانات را نمی‌خورند ازینرو يك سوم حیوايات اهلی جهان در هند است. برخی مذهب های هندو مانند جین از خوردن چغندر و پیاز و سیب‌زمینی که زیر خاك است و آنها که رنگ قرمز دارد نیز پرهیز میکنند و حشرات را نمی‌کشند در عین حال کیش هند و کیشی است فلسفی و منطقی که دارای فلسفه عمیق است اما از نظر عوام کیشی است پراز خرافه و موهوم پرستی.

با اینهمه هندیان عقیده دارند خداوند يکتا فناپذیر بوده و او را آغاز و انجامی نیست و خداوند دانا و توانا و شنوا و بیناست و موزه و مبرا از گناه و عیب و نقص است و کسی همانند او نیست. در معابد هند و مجسمه‌های بسیار از خدایان که بشکل انسانها درآمده‌اند و حیواناتی چون فیل و میمون و غیره دیده میشود.

در هند ۱۴۰ میلیون گاو سرگردان وجود دارد و با کمی آب گاه میمون‌ها که بطور آزاد زندگی میکنند شیرهای آب را باز میکنند و باز میگذارند و کسی آنها را آزار نمیرساند.

روشنی بافتن و اظهار عقاید دیگر مطلبی نگفت و از آن پس بانطباق عقاید خویش در عمل پرداخت.

ظهور آئین بودا

ظهور آئین بودا^۱ و سبله گوتاما ساکیامونی یا شاهزاده سیدارتسا

۱ - بودا Boudha یا بنوشته شهرستانی در مال والنجل بده بزبانهای ایرانی یعنی روشنی یافته و بیدار شده و هر کس که بمقام فنای نفس رسد او را بودا گویند در کتابهای شرقی بود اسب و یوزاسف نیز آمده.

خرمندی که فلسفه عمیق و نوینی آورد در سده پنجم پیش از میلاد تأثیر عمیقی در حیات فلسفی و مذهبی و اجتماعی و سیاسی هند بخشید.

بودا شاهرزاده‌ای از خاندان سکاها بود که در شمال هند در دامنه‌های هیمالیا فرمانروایی داشتند. نیاکان بودا از شاکیاهای کاپیلاواستو بودند بودا در بیست و نه سالگی بزندگانی پشت پا زد و پنج سال در عزلت و انزوا بسر برد و در جنگل و کوهستانها باندیشه و تفکر پرداخت تا شبی روشنی یافت و از آن پس تا چهل سال براهنمایی پرداخت و در شمال شرق هند سفر کرده و براهنمایی مردم همت گماشت. بودا هشتاد سال زندگانی کرد

گرچه کیش هندو در آن زمان بیش از هزار سال در هندوستان ریشه و پیشینه داشت ظهور آئین بودا تأثیر عمیقی در کیش هندو بخشید. رقابت میان کیش هندو و آئین بودا پس از پادشاهی هارشا^۱ بقوت رسید با آنکه این فرمانروا خود بودایی بود ولی دلبستگی بسیار به دین و دائی داشت در زمان او شخصی بنام بانا^۲ بود که داستان قهرمانی او را در زندگینامه هاریشا چاریتا بنظم آورده که از ادبیات سرجسته و کهن هند است. و گرچه آئین بودائی نتوانست بسا کیش هندو رقابت کند و کیش هند و بر آن تفوق یافت ولی از نفوذ عمیق آن بی بهره نماند چنانکه بسیاری از خدایان هندو از مقام خود پائین آمدند و برخی خدایان تازه پیدا شد که معتقدان بسیار یافتند پس از این آمیختگی مهمترین خدایان هندو سه است:

۱ - برهما آفریدگار جهان.

۲ - ویشنو نگهبان و نگهدارنده جهان.

۳ - شیوا خداوند نابودکننده و خراب کننده.

ازینرو مجسمه های سه چهره در بیشتر پرستشگاههای هند مظهر این سه است.

Harasha - ۱ Bana - ۲

باید گفت در سراسر هندوستان تنها دو معبد برهما وجود دارد و بیشتر معابد مخصوص ویشنو (یشنو) و شیواست.

این خدایان مانند آدمیان دارای زن و فرزند هستند و گاه همسر آنها بصورت الهه‌ای پرستش میشود.

همسر برهما زنی است بنام سرسوتی^۱ که الهه دانش و موسیقی است و پدید آورنده خط شکل او را همچون زن زیبایی که کتابی در دست دارد و آلات موسیقی در کنار او ریخته است و پیرامنش گلهای سوسن آبی رنگ و مرغابی است تجسم میدهند.

اما همسر ویشنولکشمی الهه زیبایی و خوشبختی و ثروت است و او را همچون زنی با چهره زرین جواهرات و تزیین بسیار نشسته بر روی گل نشان میدهند.

زن شیوا نامهای مختلف دارد او الهه خرابی و خون آشام است که با قربانی بزم مراسم پرستش او را بجا می آورند یکی از نامهای او دورگاست^۲ که دارای چهار یا شش دست است و در هر دستی حربهای داشته و بر شیر یا پیری سوار است و دیوی زیر پای او جا دارد. شکل های مختلف از او نیز می سازند.

برخی خدایان دیگر هندو هست که آنها مانند رام و کرشن پادشاهانی نیکوکار بوده اند و رفته رفته بصورت خدایان درآمده اند.

در آئین بودا رنج بصورتی فلسفی و زیبا توصیف شده. بودا با قربانی برای پرستشگاهها مخالف بود امروز آئین بودا در هند چندان پیروانی ندارد اما در شمال هند در نپال و بتان و تبت و هند و چین و برمه و در چین و ژاپن و کشورهای دیگر از آسیا و اروپا پیروان بسیار دارد.

امروز در هندوستان از آئین بودائی آمیخته با هند و آثار گرانبهائی

Sarasvati - ۱ Durga - ۲

برجا مانده که در غارها و پرستشگاهها دیده میشود. آثار عظیم غارهای اجنتا^۱ الورا^۲ و الفانتا^۳ که بدست برهمنان و هندوها در کوهها کنده شده نشانه هنر و صنعت در قرنهای پنجم و ششم و هفتم میلادی است که همه جا خدایان هندو مانند ویشنو و شیوا و کرشنا در غارها از سنگ کنده شده و گاه مظهر لنگاکه اوهم نماینده آفرینش است حجاری شده است. در آغاز این غارها به ظاهر عزتگاه راهبان بودائی بوده تاریخ احداث آنها بدرستی معلوم نیست و حتی سالیان دراز در آن صخره ها سنگتراشی شده است و در دل کوههای سنگی پرستشگاهها و تالارهای بزرگ برای پرستش خدایان در آورده اند. در سنگتراشیها زندگانی آدمی را از ولادت تا دوران زندگی می نمایند در غار شماره یک آجاتا مجلس پولکسنی دویم^۴ مهاراجه دکن را نشان میدهد که سفیر ایران را با همراهان می پذیرد این سفیر از جانب خسرو پرویز ساسانی در سال ۶۲۵ میلادی به هند فرستاده شده بود. در مجلس دیگری همان سفیر و همراهان در بزم شاهانه نشسته اند که پوشاک آنها و جنگ افزار و وسایل آنها همه ایرانی است.

در غارهای الورا نزدیک خلد آباد دکن و الفانتا در جزیره مهارا پوری نزدیک بمبئی مجسمه های سنگی ویشنو و شیوا و لنگا دیده میشود این غارها از آثار مهم و دیدنی جهان است و نماینده اعتقاد دینی کسانی است که در دل کوه این صخره های عظیم را کنده و با ظرافت حجاری کرده اند.

در غارهایی که نزدیک بمبئی در دل کوه کنده شده بنام کارلا^۵ آثار هنری ایرانی دیده میشود. میتوان گفت دین هشتاد درصد مردم هند برهمنائی یا هندو است و پس از آن در هند شعبت میلیون مسلمان هستند بیش از پاکستان و بعد

۱ - غار Ajanta در شعبت میلی شهر اورنگ آباد دکن در دره مصفائی است.

۲ - Ellora نزدیک خلد آباد دکن.

۳ - Eléphantia در جزیره ای بنام مهارا پوری نزدیک بمبئی در اقیانوس

هند است. ۴ - Pulakesi ۵ - Karla.

سیکها هستند که آئین آنها تجدید نظری در کیش برهمنائی است و میتوان گفت دین آنها فلسفه ای ندارد و از دیانت اسلام نیز متأثر است. پیشوای آنها گرونانک است گرونانک در سال ۱۴۶۹ میلادی در نانکانا بجهان آمد و او را هندوان و مسلمانان و فارسی زبانان دوست میداشتند بفارسی هم شعر سروده است جانشینان او وه گرو بودند یعنی آموزگار کتاب آنها بگدها بنام «گرو گرنته» نامیده شد جهانگیر با او در افتاد و بآزار پیروان او پرداخت ازین زمان با مسلمانان سر ناساز گاری گذاشتند و بهنگام استقلال هند بر علیه مسلمانان کارهای انتقام جویانه کردند سیکها در اواخر سده هجدهم حکومتی در هند تشکیل دادند که زبان رسمی آنان فارسی بود. پیروان آنها پسانتر سیک^۱ نامند و پرستشگاه سیکها را گرو دوار یا گرو دواره گویند.

سیکها از مردم دیگر هند فعال تر هستند و با مسلمانان دشمنی دیرین دارند پس از آن پیروان مذهب جین هستند که پیرو مها ویرجیا هستند کیش جین مانند آئین بودائی از پانصد تا صد سال پیش از میلاد در هند پدید آمده و دوره پیدایش این دو آئین را عصر فلسفی گویند و این دو آئین در کیش هندو هردو اثر گذاشته است. کیش جین میان کیش هندو و بودائی است. پیروان کیش جین از کشتن گوشت و خوردن جانوران پرهیز دارند حتی حشرات را نمی کشند بزرگان مذهبی آنها لخت مادرزاد هستند و مرکز آنها در گجرات، کاتیاوار و سوداشترا بیشتر است. پس از این پیروان دین عیسی مسیح هستند که از دوران نفوذ پرتغالیها و انگلیسیها در هند پیدا شده پس از کیش ها و آئین های گفته شده میتوان پیروان دین زرتشت را نام برد که بیشتر آنها از پارسیان هستند که بیشتر از زمان ساسانیان به بعد به هند رفته اند و در شهرهای هند چندین آدریان دارند و مرکز آنها شهر نوساری و بمبئی و پونه و در شهرهای دیگر پراکنده هستند، شیواجی یکی از

۱ - سکه بمعنی شاگرد است.

سرداران اورنگ زیب بودند که پدرش سردار قطب شاهیان بود او با اورنگ زیب جنگید و استان بمبئی را از قلمرو او منتزع کرد نیاکان او از شاهزادگان ساسانی بودند که از جنگ شیرویه پسر خسرو پرویز گریخته و به هند رفتند پارسیان در شهرهای هند در تأسیس دانشگاه و دادگستری و کتابخانه‌ها و کارخانه‌ها و صنایع و غیره کمک بسیار کرده‌اند گذشته از دین زرتشتی در هند مذاهب بودائی و بودائی نو و قبیله‌ای و یهود و حتی ارمنی و فرقه‌های مختلف بسیار هستند که بیان همه آنها به تفصیل میکشد.

با اینهمه باید گفت مذاهب در هند بدو دسته تقسیم میشوند یکی خدائی^۱ که عقیده بوجود خدا دارند و دیگری بی‌خدائی^۲ که گذشته از عقاید مذهبی بسیاری از مشرب‌های فلسفی در میان این مذاهب دیده میشود که نمیخواهیم وارد آن مباحث شویم.

هند باستان

اقوام و فاتحانی که در گذشته سرزمین هند و پاکستان رو آورده‌اند

پیش از این گفته شد قدیمترین ساکنان هند دراوها بوده‌اند. تا چندی پیش گمان میرفت آنها از نژاد سیاه و غیر آریائی و فساد تمدن بوده‌اند اما پژوهشهای تازه در زمینه تمدن و فرهنگ و نژاد و زبان‌شناسی نشان میدهد که آنها نیز از راه فلات ایران و کناره‌های خلیج فارس و دریای پارس یا مکران روزگاری پیش که آن زمان هنوز معلوم نیست سرزمین پاکستان و هند رو آورده‌اند. گذشته تاریخی بما نشان میدهد که پیوسته مانند جریان آب که از فراز بسوی نشیب می‌گراید جریان اندیشه و افکار و جریانهای تاریخی همیشه از جانب فلات ایران بسوی شبه قاره هند جریان داشته است. چنانکه گذشته از دراوها و آریائیها و نژادی از مردم قفقاز و مدیترانه‌ای که بدانها کشور قافسی نیز میگویند سکاه، جاتها، ضطها همه از فلات ایران سوی هند رفته‌اند و شاید گروهی از نژاد زرد یا مغولها نیز از شمال یا از راه فلات بآن سرزمین رو آورده باشند.

از وقتی که کیش و دها و برهمنائی در هند راه یافت هندوها از کناره دو رود گنگا و جمنا دور نشده‌اند زیرا مطابق قانون مانوا^۱ که قدیمترین قوانین

هندوست و عقاید دینی هندوها مسافرت از سرزمین هند بخارج منع شده است و جنگ در کیش و آئین هندو حرام است علاوه بر این بعثت فراوانی نعمت در آن سرزمین مردم آن دیار نیازی بکوچ کردن بجایهای دیگر را نداشتند از این رو بیشتر فاتحان به سوی فلات هند رو آورده اند. هخامنشیان، اشکانیان، غزنویان، بایریان، غوریان، تیمور، افشار همه از سوی فلات ایران به هند رفته اند و هر يك مدت زمانی بر پاکستان غربی و بخشی از هند فرمانروایی داشته اند.

سلطان شهاب الدین محمد بن سام غوری در سده ششم هجری (دوازدهم میلادی) به هند رفت و پس از سلطان محمود غزنوی تیمور در آغاز سده نهم هجری (پانزدهم میلادی) به هند تاخت. باید گفت پس از مسلمانان که از راه دریا به هند رفتند در سال ۱۴۹۸ میلادی واسکودو گاما^۱ پرتغالی با عده ای به بندر کلی کوت^۲ وارد شدند از آن پس نخستین بار بازرگانان انگلیسی در سورت، گجرات پایگاههای یافتند و بر پرتغالیها پیروز شدند. پرتغالیها، هلندیها، فرانسویها، انگلیسیها نیز از راه دریا به هند راه یافتند.

سرزمین آریائیا :

درباره سرزمین اولیه آریائیها که از آنجا به هند رو آورده اند میان مورخان اختلاف است برخی این سرزمین را کناره های رود دانوب و مجارستان و کناره های دریای سیاه دانسته اند.

دکتر اشپیگل در دیباچه اوستا^۳ گوید سرزمین نخستین نژاد هند و ایران را در منتهای شرقی ایران در بخشی باید جست که از آنجا دو رود آمودریا و سیر دریا سرچشمه میگردد برخی عقیده دارند شاخه ایرانی و هندی در اروپا جدا شده اند و شاخه هندی از گذرگاه قفقاز و ایران به هند رسیده اند اما

۱- Vasco de Gama ۲- Calicut

۳- اوستا دفتر دوم صفحه ۱۰۶.

لوکمانیاتیلک^۱ نخستین مهد آریائیها را سرزمین قطب شمال دانسته است و عقیده دارد آریائیها از آنجا رو به ایران و هند آورده اند.

در اوستا و بیدها آمده است که نخستین ساکنان فلات ایران مردم آریائی بوده اند که سرزمین خود ایران ویج میگفتند و این مردم در کناره دریایچه خوارزم (اورال) و سرزمینهای خارجی دریطی مازندران یا خاوران بدامداری و کشاورزی اشتغال داشته اند و از آن حدود بجنوب سرازیر گشته و از راه خراسان و سیستان و بلوچستان سرزمین هند کوچ کرده اند. این مردم که با طبیعت سروکار داشته اند عوامل طبیعت را چون آفتاب و آسمان و آب و آتش و باران و رعد و برق ستایش میکردند و پورانها اشاره های بزرگ و دا نشان دهنده آن است. درودها و اپانیشادها و پورانها اشاره های بزرگ و دا نشان دهنده آن است. پس از آمدن آریائیها در هند اندیشه های فلسفی در دوره اپانیشادها پدید آمد و افکار فلسفی بر اساس معتقدات بودائی و جین و مهری و مانوی و اسلامی با عقاید برهمنائی و هندو آمیخته شد.

از مطالعه کتابهای هندی چنین بر می آید گو تا ما بودا در کاپیلا و ستو (در شمال هند) متولد گردیده و در شهر «گیا»^۲ زیر درختی بکشف رموز زندگی توفیق یافته وی اول در بنارس به تبلیغ دین خویش پرداخته است و پس از تقریباً سه قرن آشوکا پادشاه هندوستان دین بودائی را پذیرفت و در تبلیغ آن کوشید و سپس آئین بودائی در نواحی مختلف گسترش یافت.

اما میتوان گفت آئین بودائی نیز از کناره شرقی فلات از ناحیه قندهار به هند راه یافته است.

تمدن در سند

پیش از ورود آریاها به کرانه های سند ناگاهها^۳ بر بخش شمالی این

۱- Lokmanya Tilak ۲- Gaya ۳- Nagas

سرزمین فرمانروائی داشتند.

برخی از تاریخ نگاران عقیده دارند نام هنداز رود سند گرفته شده که بسنسکریت سیند و گفته می شده است، مامیدانیم که نام قدیم رود سند رود مهران^۱ بوده است و تا پیش از استقلال پاکستان سرزمین سند نیز جزو بلوچستان^۲ بوده است و مرکز بلوچستان کوئته بوده که اکنون در پاکستان است و امروز در پاکستان غربی است و با کشمیر هم مرز است؟ آثاری که چند سال است در دره مهران پیدا شده بنام تمدن سند^۳ کهن ترین تمدن سرزمین هند شناخته شده است.

کاوشهای باستان شناس انگلیسی سرجان مارشال^۴ در سند و پنجاب و در تاکسیلا و کاوشهای دکتر اسپونر در پاتالی پوترا پرده از روی گذشته تاریخی هند برداشت.

آثار باستانی که در کوت دیجی^۵ موهنجودارو^۶ و هاراپا^۷ و آنچه

۱ - در کتابهای جغرافیای قدیم رود مهران را در بخش بلوچستان ذکر کرده اند ابن خرداد بددر المسالك و الممالك چاپ بریل سال ۱۸۸۹ صفحه ۱۷۳ و تقویم البلدان ابی الفداء دیده شود.

۲ - در نقشه های قدیم گذشته بلوچستان ایران و بلوچستان انگلیس دیده می شد.

۳ - Indus Valley - ۴ - Sir John Marshall

۵ - Kot - Diji در کرانه شرقی رود مهران روبروی موهنجودارو در ۱۵ کیلومتری جنوب شهر خیرپور در نوامبر ۱۹۵۵ خاک برداری آغاز شد مجسمه های گلی و سنگی نیز در آن قلعه پیدا شد.

۶ - موهنجودارو Mohenjo - Daro یعنی شهر مردگان چون در آنجا گورهای بسیاری یافتند در کناره غربی رود مهران در بلوچستان است و نخستین بار سر مور تیمارویلر در سال ۱۹۲۲ میلادی در موهنجودارو کاوش کرد.

۷ - Harappa در پنجاب پاکستان غربی است.

در پنجاب و سودا شترا پیدا شده از تمدنی کهن حکایت میکند این تمدن را تمدن وادی هند نیز گفته اند. در این محل بیش از چهل شهر و قصبه و دهکده از زیر خاک پیدا شده که زندگانی شهر نشینی پیشرفته و تمدنی متری داشته اند. سنگ نبشته هایی که در موهنجودارو پیدا شده هنوز همه خوانده نشده است.

در سرزمین هند تمدنی کهن تر از این تمدن پیدا نشده و باید گفت این تمدن شباهت بسیار به تمدنهای آریائی فلات داشته و رابطه های نزدیک میان آنها پیدا کرده اند.

صنعت کوزه گری و سفال سازی در کت دیجی با آنکه قدیم تر بوده تکامل یافته اندک شباهتی با آثار موهنجودارو و هاراپا دارد و بیشتر به آثار پیدا شده در فلات ایران شباهت دارد سفال کت دیجی با چرخ ساخته می شده و لعاب خوب دارد.

با کاشهائی که وسیله سرارل اشتاین و کارلووسکی^۱ شده لوحه های گلی و سفالهای زردی یافته اند که با آنچه در سیلک کاشان و شوش یافت شده است شباهت و رابطه دارد و نشانه هایی از خط روی این لوحه ها دیده میشود گاوهای سفالی با دوشاخ و مهر و لولهایی که نقش آتشدان و حیوانات روی آنهاست شباهت با آثار سیلک و شوش دارد و گمان رفته است شاید مهر و لولها تقلیدی از مهر و لولهایی باشد که از شوش از راه دریا با آنجا راه یافته باشد.

در بهبهان سفالهایی همانند شوش از هزاره پنجم و ششم پیش از میلاد پیدا شده که آثار موهنجودارو و دره پنجاب با آنها شباهت دارد و رابطه این تمدنها را می رساند.

سفالهای سرخ که در دره مهران پیدا شده نشان دهنده رابطه تمدن این سرزمین با تمدن طبرستان در کناره های دریای مازندران است و همچنین

Lamberg Karlovsky - ۱

تمدن شهر سوخته زابل و تپه یحیی در کرمان و تمدن دشت لوت و آنچه بنام سومر^۱ و شوش در خوزستان نامیده میشود نشان دهنده این رابطه دیرین است. بااینهمه برخی از باستان شناسان گفته‌اند این آثار آریائی نیست و نظرهای دیگری نیز ابراز شده است که بیان آن موردی ندارد.

آثار دیگری از تمدن هند و آریائی در میسور و راجستان هند یافت شده که گویند از هزاره چهارم پیش از میلاد است ولی نتیجه این کاوشها هنوز منتشر نشده است.

دیگر تمدنهای هند :

سرزمین هند از لحاظ نژادها و زبانها و دینهای گوناگون قابل مطالعه است بلکه از نظر نفوذ تمدنهای مختلف نیز شایان دقت است. آثار برهمنائی و بودائی و تمدن اسلامی در هند بسیار است که همه از تمدنهای گفته شده متأخر است. کهن ترین آثاری که از نوع تمدنهای گفته شده در سرزمین هند یافت شده است، ستونها و سنگ نبشته‌هاییست از زمان آشوکا پادشاه بزرگ هند از ۲۵۰ سال پیش از میلاد که بزبان پالی و زبان خروشتی^۲ و خط دیوناگری نوشته شده است. شباهت بسیار میان این سنگ نبشته‌ها با سنگ نبشته های پادشاهان هخامنشی دیده میشود که غالب مورخان نوشته‌اند آشوکا از آنها پیروی کرده است.

بستگی تمدن و فرهنگ ایران و هند :

مورخان نوشته‌اند که کوروش کبیر در کنار رود مهران شهر بزرگی با

۱ - بهمنیده Wolley شباهت تمدن موهنجودارو و سومر بسیار است.

۲ - Kharoshti از زبانهای کهن ایرانی که آنرا هندیان از ایرانیان پیش از میلاد گرفته و در آن تغییراتی داده‌اند.

برج و باروی استوار بناکرد و گروهی از مردم را در آن مسکن داد تا نگهبان مرزهای خاوری ایران زمین باشند.

داریوش بزرگ در سال ۵۱۸ پیش از میلاد بهند رفت اما سایکس نوشته است که داریوش در ۵۱۲ از رود سند گذشت و بخشی از پنجاب را بشاهنشاهی ایران افزود. اهمیت ورود ایرانیان برای هند باندازه‌ای بود که آنرا مانند بعثت بودا مبداء تاریخ قرار دادند^۱ شاهنشاه در سده پنجم پیش از میلاد فرمان اکتشاف در رود مهران را صادر کرد تا ببیند آن رود بکدام دریا می‌پیوندد قرائن بسیار در تاکسیلا^۲، پشاور^۳ لاهور، ملتان و غیره از دوران حکومت هخامنشی دیده شده. شهر تاکسیلا خود مرکز بزرگ يك استان هخامنشی بوده. نوشته‌اند پادشاهان خاندان موريا (گپتا) پیروی از شاهنشاهان هخامنشی در زادروز خود سر خویش را برسم شاهی می‌شستند و در تالار صد ستون جشن بر پا میکردند و بمران و بزرگان کشور خلعت میدادند^۴.

در کاوشهایی که در بلت پاکستان شده است آثار هخامنشی پیدا شده است و بنسبت اسمیت در تاریخ هند مینویسد امپراتوران کوپته بسیاری از رسوم

۱ - تاریخ ایران دفتر ۱ صفحه ۱۶۹ چاپ ۱۹۲۱.

۲ - Taxila تاکشیل در ادبیات سنسکریت تاکشاسیلا Takshasila

از مراکز مهم علمی و ادبی هند باستان تا چند قرن در استیلای ایرانیان بوده و بعد تغییر رنگ ایرانی داده است. در تاکسیلا خرابه‌های يك آتشکده کهن پیدا شده. در چهل کیلومتری راولپندی است و معبد جهان دیاله که آتشکده است از بناهای مهم در آنجا است.

۳ - نام فارسی میانه آن Puruschapura.

۴ - نقل از روابط فرهنگی هند با ایران ساسانی نوشته دکتر هادی حسن دفتر

چهارم صفحه ۴۳.

و آئین هخامنشیان را پیروی میکردند^۱.

نفوذ ایران نه تنها در رسوم درباری و تشریفات پادشاهی بلکه در همه مظاهر تمدن هند مورثی آشکار است معماری و هنر مردم مورثی نیز تقلیدی از معماری و هنر هخامنشی است برای آنکه در جهان قدیم تمدن ایران يك تمدن محدود منطقه ای نبوده است بلکه يك تمدن جهانی بوده^۲.

دکتر ا. اسپونر کارشناس باستانشناسی هند پس از کاوش در آثار برجها مانده کاخهای خاندان موری در پاتالی پوترا نزدیک پته همانندی بسیار میان آن آثار با کاخهای تخت جمشید یافته و نظرات خویش را در این باره در مجله آسیائی پادشاهی انگلستان بچاپ رساند و ثابت کرد که نفوذ تمدن ایران در پیدایش خاندان موری و بلکه کیش بودا يك نفوذ عمیق و سازنده بوده.

برخی از خاورشناسان مانند وادل موریها را از شاخاها یا سکاها دانسته اند و برخی از دانشمندان چون اسپیگل عقیده دارند که پیش از آن بآئین زرتشتی یا مغان بوده اند.

در زمان اشکانیان نیز کشمیر و پنجاب و حوزه رود مهران قلمرو اشکانی بود و فرمانروایان بلوچستان و مهران و کاتیاوار که شهر بنام داشتند از پادشاهان ایرانی فرمان میبردند مهرداد یکم تا رود هیداسپ (جیلیم) را در هند گشود در کاتیاوار و گجرات و مالوه آثار اشکانی و ساسانی پیدا شده است گرچه بسیاری از آثار اشکانی و ساسانی در هند از میان رفته است یا آنها را مسکوت میگذارند. در کاوشهای بهنپور نزدیک بندر کراچی سکه های اشکانی و ظرفهایی از آن زمان پیدا شده در نقاط مختلف هند شمالی آثار مهری و گاهی آمیخته با بودائی دیده میشود. ماننی در سده سوم میلادی از راه پاکستان

۱ - Vincent A. Smith: The Early of India' Oxford 1904 P 129

۲ - پرفسور اسمیت، آشوکا صفحه ۱۴۱.

امروز یا بلوچستان به تبت و چین رفت او و پیروانش در آن حدود آثاری برج گذاشته اند و دین ماننی را اشاعه دادند. تعدادی سنگ نبشته در جنوب هندوستان ب زبان فارسی میانه پیدا شده که نفوذ زبان و فرهنگ اشکانی و ساسانی را تاجنوب هند میرساند^۱.

در سنگ نبشته پایکولی در مرز ایران و عراق هر تسفلد خاورشناس آلمانی استنباط کرد که در تاجگذاری نرسی (۲۵۳-۲۹۳ میلادی) شتر بهای (شهرب) سکائی کاتیاوار شرکت داشته اند.

در برخی از سکه ها که در هندوستان یافت شده از سده هفتم تا دوازدهم میلادی پوشاک راجگال هند همانند پوشاک اشکانی و ساسانی است پس از آن مدتها بخشهای پنجاب و کشمیر و بلوچستان ضمیمه ایران بوده است و رابطه نزدیک میان ایران و هند از دیرباز برقرار بود.

هیچ دو ملتی مسانند ایران و مردم پاک و هند رابطه نزدیک و دیرین نداشته اند. جواهر لال نهرو در کتابی که بعنوان کشف هند^۲ نوشته می نویسد:

« در میان نژادها و ملت های بسیار که با هندوستان رابطه داشته اند و در تمدن و فرهنگ هند نفوذ داشته اند قدیمتر و مداوم تر از همه ایرانی ها بوده اند ».

از روزگاری پیش از زمان کورش بزرگ تا به امروز میتوانیم این رابطه نزدیک را میان دولت به بینیم این رابطه نزدیک میان نژاد دولت و میان زبان

۱ - کتاب ا. س. برنل درباره سنگ نبشته های پهلوئی در جنوب هند که در

سال ۱۸۷۴ میلادی در بنگلر چاپ شده است.

۲ - Discovery of India, London 1946 در صفحه ۱۳۷.

اوستائی و فارسی باستان باسنسکریت و اردو و میان کیش هندو و دین زرتشتی دیده میشود.

درباره ستونها و سنگ نبشته‌هایی که آشوکا در اکناف هند برپاداشته و روی آن دستورها و وصایائی نگاشته و در کوه‌های گایا در استان بهار سنگ نبشته‌هایی مانند سنگ نبشته بغستان یا بیستون یافته‌اند. رابطه تمدن هخامنشی با هند بسیارست چنانکه در کناره‌های گنگ در تختگاه موریان^۱ هنرمندان ایرانی به هندیان هنر می‌آموختند و در شهر پاتلی پوترا^۲ آثار معماری همانند کاخ‌های هخامنشی چون کاخ صد ستون و آپادانا از زیر خاک درآورده‌اند که نشان‌دهنده پیروی معماری و حجاری هند از سبک هخامنشی است که از زمان پادشاهان موریان پیدا شده است. آثار بسیاری از تمدن و فرهنگ و معماری و نقاشی و شعر و ادب و دین و هنر ایرانی با هندی آمیخته است که در گوشه و کنار هند و پاکستان دیده میشود که بچند نمونه کوچک آن اشاره میکنم.

سرستونهای کاخ آشوکا و فرمانهای^۳ او تقلیدی از سرستونهای تخت جمشید است که بشکل گاو زانوزده با این تفاوت که سرستونهای آشوکا شیر و اسب و فیل است، تحول معماری هند بابکار بردن سنگ به پیروی از معماری هخامنشی از زمان نیای آشوکا آغاز شده است^۴ همچنین فوشر^۵ هنرشناس که در نفوذ فرهنگ و هنر ایران در معماری هند پژوهش کرده عقیده دارد در دوران موریائی گروهی از هنرمندان ایرانی بهند رفته‌اند.

۱ - Mauryans

۲ - Pataliputra در جای شهر کنونی پتنا پایتخت چاندرا گوپتای موریان.

۳ - Edicts of Ashoka

۴ - History of Fine art in India and Cylon, by Smith

۵ - Foucher

در کاخ راشتراپاتی با هاوان که در کاخ تالار آشوکا هست تصاویر زیبا و جالب ایرانی دیده میشود مانند تصویری از نظامی شاعر نامدار و دختر خانم ایرانی و فتحعلیشاه قاجار و دور و بر تالارهای این کاخ اشعاری بفارسی نوشته است. در نقشهای کاخ مجالس بزم از خمسه نظامی انتخاب شده. کاخهای نظام حیدرآباد در دکن اکنون گردشگاه عمومی گشته و کاخها و باغهای مهاراجه‌ها و راجه‌ها همه بدست دولت افتاده است.

قلعه سرخ قلعه بزرگی است در دهلی که با سنگ سرخ ساخته شده درباره زیبایی و عظمت این قلعه گفته‌اند: اگر فردوس در روی زمین است

همین است و همین است و همین است

در این قلعه بود که نادرشاه افشار تاج خویش را بر سر محمدشاه آخرین پادشاه تیموری هند می‌گذارد و تاج محمد شاه را بر سر خود نهاد. در شهر میتورا که زادگاه کرشناست پرستشگاه‌های بسیار با مجسمه‌ها دیده میشود و شهرهای بنارس و هری دوار و الله‌آباد نیز شهرهای مقدس هستند که در آنجا هندوان اعمال دینی بجا می‌آورند.

شهر دهلی روی هفت شهر قدیمی بنا شده و در: مهرولی که بختیار کاکی در آنجا بود، تغلق‌آباد، قلعه کهنه، شاه جهان‌آباد که از آن دیوار و دروازه‌ای مانده و نجفگر که آنرا یکی از امرای محمدشاه بنا نمود و اما شهر بمبئی از دهلی بیشتر جمعیت دارد و بمبئی را عروس هند گویند و بیشتر پارسیان در آن بندرگاه هستند در نزدیک شهر بمبئی لوناوالا است. در کار لاغاری بودائی بنا شده که روی لوحه‌ای دولت نوشته این تالار را درغار يك ایرانی هزار سال پیش کنده است.

۱ - Mathura

شهرهای مهم دیگر هند که در آن آثار باستانی بسیار است حیدرآباد دکن است که آثار ایرانی و اسلامی در آن بسیار است و آگرا که در آن آثار اسلامی تاج محل است و همچنین از نظر تاریخ اسلامی و فرهنگ ایرانی شهرهای زیر دارای اهمیتند که دارای آثار تاریخی میباشند :

جونپور : لکهنو (یو. پی) احمدآباد (گجرات) احمدنگر، بیجاپور، گلبرگه (در جنوب هند) بهوال (مدهبودیش) ، لاهور، ملتان (پاکستان) داکا (در بنگال شرقی) و غیره ...

تاریخ هند و پاکستان

بطور خلاصه تاریخ هندوستان را میتوان به ادوار زیر تقسیم کرد^۱ :

۱- دوره پیش از تاریخ که از ظهور آدم تا ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد

مسیح ادامه داشته و شامل دوران سنگ و فلز می باشد. در بعضی از گورهای کهن برخی از آثار آن دوره پیدا شد و همچنین در بعضی صخره ها و غارها نشانه ای از تمدن بشر اولیه دیده شده است .

۲- دوره تمدن دره سند

(دره مهران)^۲ تا ۳۵۰۰

۲۰۰۰ پیش از میلاد)

تمدن بسیار درخشانی در شهرهای کاوش شده بنام کوت دیچی و موهنجو دارو و هارپا و غیره کشف گردیده این تمدن مربوط به قومی آریائی و شاید دراوها بوده در زمان تمدن دره سند مردم در شهرسازی، کشاورزی و ساختن وسایل

۱- قسمتی از این بخش از کتاب تاریخشناسی یا نقدی بر تاریخ و تاریخنگاری از مجید یکتائی برگزیده شده است .

۲- در سده دوم هجری مهران و بلوچستان را بلادالهند نامیده اند .

حمل و نقل، استعمال طلا و نقره و برنج، نساجی، اسلحه‌سازی، ظرف‌سازی، خط و زبان و غیره به پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نایل آمده بودند این تمدن در میان تمدنهای باستانی دره نیل و میان رودان؛ دجله و فرات و دره کارون اهمیت بسزائی دارد.

آریائی‌ها در هندوستان تمدن آریائی تشکیل دادند. کتابهایی بنسکریت^۱ نوشته شد و ادبیات گرانمایی در آن زمان پدید آمد. حماسه های ملی مانند مهابهاراتا، رامایانا یادگاری از آن زمان است.

اقوام و قبایل مختلفی از خارج سرزمین هندوستان رو آورده و در آنجا سکنی گزیدند. حکومت‌ها سلطنتهای کوچک و بزرگ تشکیل شد. مذاهب بزرگ بودائی و جینی بوجود آمد و پس از درخشش رو بزوال نهادند.

ورود مسلمانان به هندوستان و تأسیس سلطنتهای اسلامی. حکومت مسلمانان پایان پذیرفت و حکومت انگلستان برقرار شد.

بسط حکومت انگلستان برچیده شد و

۳ - دوره مهاجرت آریائی و گسترش تمدن آنها هزاره دوم تا سده ششم پیش از میلاد.

۴ - دوره تاریخ باستان (سده ششم پیش از میلاد تا قرن هفتم میلاد)

۵ - دوران قرون وسطی (قرن هفتم تا قرن هجدهم میلادی)

۶ - دوره حکومت انگلستان سده نوزدهم تا نیمه قرن بیستم

۷ - دوره استقلال

۱ - زبان سنسکریت یعنی زبان پاکیزه و منقح ادبی و درست و فصیح. زبان پرکرت زبان عامیانه و در حال تغییر است.

هندوستان بدو کشور مستقل بنام بهارت و پاکستان تقسیم گردید.

مورخان غربی نوشته‌اند که در حدود دو هزار سال پیش از زادروز مسیح که تاریخ آن درست معلوم نیست آریائیهای ودائی از کناره شمال شرقی فلات ایران از کرانه‌های ورارود (خوارزم و سغد) رو به جنوب آورده و از خراسان بزرگ و سیستان گذشته از راه بلوچستان یا مکران برای جستن چراگاه های تازه سرود خوانان رو به هند آورده‌اند.

من گمان میکنم که این رویداد در حدود سده هجدهم پیش از زادروز مسیح رخ داده باشد یا علت این کوچ کردن شاید اختلاف دینی با ساکنان فلات ایران بوده که در همان زمان زرتشت سپیتمان دین خود را آشکار ساخت و گشتاسب کیانی را بدین مزدیسنی در آورد از این رو با گرویدن گشتاسب بدین بهی پیروان وداها از کناره شرقی فلات رو به دیار هند نهادند.

دوران ودائی را در هند بنام سده ریگ ودانامند. ریگ‌ودا، یاجورودا و ساماودا از کتاب‌های دینی کهن ودائی است که امروز بطور پراکنده در دست است و از نظر دینی و تفکر هنوز از بهترین اندیشه‌ها و فلسفه‌های نبوغ بشری است.

آریائی‌های ودائی در شمال هندوستان تا خلیج بنگال پراکنده شده و در این سرزمین سکنی کردند و چون بیشتر در بخش شمالی هند اقامت کردند این بخش را آریاورتا یا آریاورته (سرزمین آریائی‌ها) نام نهادند.

سرودهای دینی وداها^۱ و مباحث دینی.

۱ - Vedas ودا ابوریحان بیرونی هندشناس قدیم وداها را بیدها خوانده وید وید بمعنی دانش است.

اپانیشادها^۱ و پورانها از کهن‌ترین ادبیات دینی جهانست که بیشتر با مبنای علمی و طبیعی نیز تطبیق می‌کند این سرودها یا بهتر بگوئیم حماسه‌ها و رزمنامه‌ها همزمان سرودهای گاهانی مزدیستی بوده یا اندکی از آنها جلوتر است^۲.

از سنجش میان سرودهای گاهانی و ویدها نام برخی دشمنان آریائیها و پهلوانان و کسانی در آنها دیده میشود که یکسان است. مشابهات زبان شناسی نیز موجب شده که بسیاری از دانشمندان آنها را همزمان بدانند

حماسه دینی مهابهاراتا^۳ کهنترین مجموعه شعری جهان است که تنها سرودهای گاهانی زرتشت را همزمان یا کهنتر از آن دانسته‌اند. در این کتاب

۱ - Upanishades (Upanisads) تفسیر چهاروداست که شماره این تفسیرها بگفته‌کسان مختلف متفاوت است پنجاه‌په نیشادرا بفارسی داراشکوه پسر شاهجهان از سنسکریت ترجمه کرده که نخستین بار در سال ۱۹۱۲ درجیپور (راجستان - هند) چاپ شد هیوم استاد دانشگاه علوم الهی نیویورک نیز سیزده اپانیشاد را با انگلیسی ترجمه کرده است هیوم استاد پیشین دانشکده علوم دینی نیویورک بود در سال ۱۹۲۱. بار دوم اپانیشادهای ترجمه شده بوسیله داراشکوه بکوشش دکتر تاراچند و جلال نائینی زیر عنوان سراکبر در تهران انتشار یافت.

۲ - دکتر گلدنر Dr Geldner میگوید زبان باستانی‌ترین بخش اوستا یا کاتها با کهنترین سرودهای ودای هندوان برابر است نقل از فرهنگنامه بریتانیکا دفتر ششم صفحه ۶۵۳.

۳ - مها یعنی بزرگ بهاراتا نام هنداست یعنی هند مهتر امادر اینجا بهامهاراتا شخصیت داستانی پیدا کرده و منظور صورت یا مثنوی حماسی داستانی و بزرگترین جنگ میان فرزندان بهارات است. این منظومه از دیرباز تا سده سوم پیش از زاد روز مسیح بوسیله کسان مختلف سروده شده است و مهمترین داستان حماسی جنگ میان دو خانواده کورو و پاندور است.

داستانهای گوناگونی آمده از جمله داستان شکنتلا^۱ و نل دمنی^۲ و سخنان فیلسوفانه سری کرشنا بنام بهگود گیتا^۳ که در زمان پیدایش آن کسی بنام ویدویاس متن اصلی آنرا بزبان سنسکریت سروده است. کرشنا پادشاهی بود که بیایه تقدس رسید او خردمندی بود و در کتاب گیتا از چهار هزار سال پیش از جنگ کورو و پاند و حکایت میکند. کرشنا با پاندوها بود و با هردودسته رفیق بود کوروها حاضر به صلح نبودند و ارجون اراده جنگ داشت کرشنا میکوشید میان آنها سازش دهد. فلسفه یوگ در گیتا از کرشناست؛ به موجب این فلسفه با کار و کوشش باید خدا را شناخت. دین کرشنا یک دین هندوست اپانیشادها بعد از آن نوشته شده است.

کرشنا پادشاهی صاحب دل بود کتاب گیتا را او نوشته گیتا از چهار هزار سال پیش درباره جنگ کورو و پاندو بوده.

در کتابهای کهن سنسکریت مهابهاراتا و رامایانا اشاره‌هایی بایران و ایرانیان شده است.

در مهابهاراتا همسر دهرت راشتر بنام گانداری دختر پادشاه گندارا (قندهار) بوده در این اثر یودهشتر کاخ بزرگی ساخته که نام سازنده آنرا مایاداناوا گفته‌اند این شخص ماگی^۴ بود یعنی ایرانی.

۱ - Sakuntala شکنتلا یا انگشتر گمشده درام معروف شاعر بزرگ هند باستان کالیداس است.

۲ - Nala Damayanti

۳ - Bhagavad Gita یعنی بهترین نغمه و سرود زیرا گیتا بمعنی سرود یا نغمه است برای شناسائی فلسفه یوگ و یوگا کتاب شناساهائی راه و روش علم و فلسفه از مجید یکتائی دیده شود.

۴ - مغ

در مهابهاراتا نام مردمی آمده که در نواحی شمال غرب هند حکومت داشتند از جمله پهلو و پارسیکا که پارتین و پارسی بودند.

در مهابهاراتا آمده که برادر یودهشتر فرمان یافت به جهانگیری پردازد او مردمی را در نواحی غربی و شمالی هند فرمان آورد که در میان آنها پهلوها هم بودند یعنی پارتین؛ در مهابهاراتا آمده بهنگام آغاز جنگ بزرگ میان پاندوها و کوروها پادشاه در اوهایودشتر اصلاح دید از سکاها و پهلوها نیز یاری جوید در رامایانا آمده مادر بهاراتا بنام کیکئی دختر اشوایتی شاه کیکیا بود که در شمال پنجاب هم مرز ایران فرمانروائی داشت.

راماین یا رامایانا اثر والمیک^۱ شامل سخنان منظوم حماسی و دینی و ملی هندوان در حدود چهل هزار بیت است که در آن داستان شیرین زندگانی شاهزادگان راجا «دسرت» پادشاهان شمال هند بنامهای رام چندر و لکشمن و بهرت و سیتا (همسر رام چندر) و جنگ رام چندر با راوانا فرمانروای لنکا (سیلان) گنجانده شده است از این کتاب ترجمه منظوم و ترجمه بسیار شده است و میتوان این کتاب را از نخستین کتابهای تاریخ هند دانست.

نزدیکی بسیار میان کتابهای ودا و اوستا دیده میشود گذشته از آنکه میان سخنان و گفته‌ها و جمله‌بندیها و اوزان شعری نیز میان آنها همانندی و مشابهت بسیارست رسمهای دینی و روایات کهن و داستانها هم شباهت بسیار دارند و در بیشتر کتابها این همانندی پیدا میشود در کتاب کالیداس بنام^۲ رگه و مسمه^۳ آمده است که پادشاه رگه و هنگامیکه به جهانگیری پرداخت بلشکریان سواره پارسیکا حمله برد و پارسی‌های ریشدار را کشت. کالیداس مینویسد:

۱ - کی Kai واژه ایرانی است.

۲ - Valmiki.

۳ - Kalidasa شاعر و نویسنده بزرگ هند.

۴ - Raghu Vamsa.

زنان ایرانی زیبا بودند و از مستی شراب چهره‌های گلگون داشتند در بهوشمیه پوراننا^۱ سخن از هجده تن ماگ^۲ برهن آمده که آنها آتش پرست و پارسی بودند و از ایران به هند رفتند ماگی‌ها در ملتان سکنی گزیدند و سپس در هند با دیگر مردم در آمیختند...

پادشاه هرش و روهن و نیاکان آنها از دودمان ماگ براهمنها و زردشتی بودند. کالیداس در یک نمایشنامه اشاره میکند که پارسیک (ایرانی‌ها) تا جنوب سند مرز فرمانروائی چندرگوپتا حکومت داشتند.

بنا بر نوشته ویشاگدتا^۳ نگارنده داستان مدارا راکشاسا^۴ بسنسکریت برای روی کار آمدن سلطنت موریاسپاهیان ایران یاری کردند. مردم هند سرزمین هند را بهارت ورش^۵ نامیده‌اند و نام کنونی هند بهارت است.

هنگامیکه آریائیهای وداها از راه جنوبی فلات ایران روبه هند آوردند نخست در شمال هند سکنی گزیدند و ساکنان محلی هند را بطرف جنوب راندند.

تا چندی پیش گمان میرفت ساکنان اصلی سرزمین هند در اوها بوده‌اند که بهنگام رو آوردن آریائیها از فلات ایران بدان سرزمین آنها بجنوب شبه جزیره هند رانده شده‌اند و هزاران سال در آن سرزمین از هرگونه آمیختگی و آمیزش با نژادهای دیگر برکنار مانده‌اند.

پژوهشهای نوین نشان داده است که در اوها نیز یکی از شاخه‌های مردم آریائی میباشند که با آریائیها تفاوتی اندک دارند ازینرو شاید پیش از

۱ - Bhavshya Purana.

۲ - مغ.

۳ - Vishakhadatta.

۴ - Mudraraksasa.

۵ - Bharata Varsha این سرزمین از جنوب تا دماغه کامورین اقیانوس هند گسترش دارد و از شرق از خلیج بنگال تا کناره‌های پنجاب.

ساکنان اصلی هند سیاه پوستانی بوده اند که پراکنده شده و از آنها آثار و تمدنی برجا نمانده است.

زبان شناسی نیز بمانشان میدهد که دراوها با مردم آریائی فلات ایران بستگی نزدیک داشته اند زیرا زبان آنها در ساختمان و واژه های ابتدائی همانند زبانهای ایرانی و حتی فارسی دری است. زبان آنها را همانند گویش جدگالی^۱ در بلوچستان و گویش براهوئی^۲ بلوچی در کلات و زابل و خاش دانسته اند. براهوئی ها را البرز کوهی نیز نامیده اند چون سرزمین اصلی آنها دامنه های البرز بوده و از آنجا به بلوچستان رفته اند. برخی دیگر از مورخان براهوئی ها را از سکاهای دانسته اند و برخی دیگر آنها را از تاتارها^۳ و زبان براهوئی را یکی از شاخه های دراویدی دانسته اند! آقای علی اصغر حکمت مینویسد:

« زبان فارسی نه تنها درالسنه شمالی هندوستان که منشعب از سنسکریت است تأثیر فراوان داشته است و با آن زبانها آمیخته شده بلکه السنه جنوبی هند دراویدیان نیز لغات و اصطلاحات و تعبیّرات فارسی را بسیار متضمن است^۴ »

در جای دیگر همین کتاب مینویسد:

« در اواسط اراضی مرتفعه بلوچستان گروهی را پیدا کرده اند که بلهجه ای از ریشه دراویدیان یعنی مانند زبانهای جنوب هندوستان تکلم میکنند و آنها را طایفه براهوئی میگویند و خان کلات هم خود « بهمان لهجه سخن میگوید »^۵

۱ - گال در گویش محلی بلوچستان و در گویش لری و غیره نشانه جمع است و ممکنست نام کولی نیز از گالی منسوب به جدگالی گرفته شده باشد.

۲ - Brahui

۳ - المسالك والممالك اصطخری چاپ قاهره ۱۹۶۱ میلادی دیده شود.

۴ - در کتاب سرزمین هند صفحه ۳۴

۵ - در کتاب سرزمین هند صفحه ۳۷

بستگی دراوها با مردم بلوچستان و سیستان از جهت نژادی و زبانی این نظر را بما میدهد که امکان دارد آنها نیز مانند آریائیهای ودا روزگاری پیش از آنها از راه سیستان و بلوچستان از فلات ایران به هندوستان رو آورده باشد بویژه آنکه در وداها و اوستا هر دو از آنها بیدی یاد شده است.

میان دراوها و جاتها که در شمال هند پراکنده اند و از نظر سیمای خوش روتر هستند و بیشتر بدین سیکها در آمده اند شباهتی هست که امکان دارد آن دوتیره از يك نژاد باشند.

جاتها را در کتابهای قدیم مسالك^۱ بنام زطها ضبط کرده اند که زط معرب جت و جات است. در برخی از این کتابها آمده که مرکز آنها شهر هنديجان بوده و در همان کتاب های مسالك نام هنديجان را شهر زط هم ضبط کرده اند.

بلاذری^۲ ساکنان اندغار یا اندکار را در اصل سندی دانسته که خانه بدوش بوده و بیشتر در کناره های خلیج فارس زیست میکردند و جات کولیها را گفته و شیکها را سییح و ازین گروه دانسته اند.

در گذشته کار این جاتها بیشتر آهنگری بوده و در این هنر کار آمد بوده اند و شمشیرهای خوب می ساختند و شمشیرهای منسوب بهند ساخت آنها بوده است.

جاتها اکنون در هندوستان نیز بیشترند و بسا سیکها نیز آمیخته اند.

۱ - در المسالك ابن خردادبه و در المسالك والممالك اصطخری و کتاب قدامة بن جعفر بنام الخراج وصناعة الکتابه در بخش دیوان برید.

۲ - احمد بن یحیی بلاذری از نویسندگان ایرانی که در بغداد میزیست صاحب فتوح البلدان که فتوحات معجزه آسائی بعرب نسبت داده است و کتاب خود را برای خوشایند خلیفه عباس روی دشمنی با ایرانیان نوشته و خود مردی معتاد به بلاذری بود که سرانجام دیوانه شد ازینرو او را بلاذری و بغدادی گفته اند.

آقای عباس مهرین که سالها در هندوستان بسر برده و استاد دانشگاه میسور بوده اند از قول سایکس میآورند :

« کولیهای (کولی) کنونی که در ایران دیده میشوند باید از نژاد « لوریها » باشند اتفاقاً کولی و کاول با کابل هم آواز است^۲ اینها باید « گروهی از پنجاب باشند که بنام جات^۳ یا بعرینی زط نامیده میشدند و آواره میزیستند... آنان را بهندی غربتی و کاولی مینامند اکنون هم « در هند بهمان شکل آوارگی زندگی میکنند و به لهجه ای از زبان « فارسی سخن میگویند... در اروپا آنها را جیسی^۴ مینامند^۵ . با آنچه در بالا با شواهد تاریخی گفته شد این تعبیر درست نیست .

گذشته از این نزدیکی های نژادی و تاریخی زبان سنسکریت که ادبیات بودائی بدان زبان است و زبان پالی که زبان عامیانه شده منشعب از سنسکریت است که ادبیات بودائی بدان زبان است بازبان پارسی باستان که از آن چند صد واژه در سنگ نبشته ها بیش نمانده و زبان اوستائی که زبان دین مزدیسنی است مانند چهار خواهر و خویشانند نزدیک هستند .

در آثار برهمنائی که در هند مانده است از آنچه در ادبیات ودائی گفته شد و برخی آثار باستانی مانند آثار غار مهارا پوری و غیره تاریخ گذشته هند روشن نمیشود اما قدیم ترین سندها که درباره تاریخ هند در آن سرزمین میتوان یافت از مآخذ بودائی است .

۱ - این نام را آقای مهرین توضیح نداده اند ولی در اصل لولی است و همانست که در فارسی لولی و لولوش و لولی بکار میرود و چون کولیا رقص میکردند آنها را لولی نیز گفته اند .

۲ - چنانکه زیر صفحه پیش گفته شد بیشتر گمان میرود که لولی ها نام خود را از گالی و جد گالی گرفته باشند .

Jat - ۳ Gipsy - ۴

۵ - در کتاب ایران نامه یا کارنامه ایرانیان در عصر ساسانیان صفحه ۱۳۳ .

تاریخ و ادبیات بودائی نیز از ادبیات پرمایه دینی جهان است که بیشتر بزبان پالی است . آثار تری پیتکا^۱ نشان دهنده این ادبیات است ...

در هندوستان پیش از زمان آشوکا^۲ پادشاه بزرگ و نامدار هند و خاندان موریای^۳ تاریخی در دست نیست و تاریخ قدیم هند کم و بیش از همین مآخذ شناخته شده است .

دین بودائی نیز از راه کناره شرقی فلات ایران به هندوستان راه یافته است . در بخش شمالی هند آثار مقدس و نفایس و مجسمه سازی و پرستشگاههای قدیمی نایاب است و شاید این امر بر اثر رفتن مسلمانان از راه ایران بهند مانند سلطان محمود غزنوی و غوریان بوده که در محو این آثار بعنوان بت پرستی کوشیده اند .

دین بودائی نیز امروز در هندوستان نفوذی ندارد و بیشتر در دامنه های کوه هیمالیا و هندوچین پیروان آن دیده میشوند .

در غارهای بزرگ اچانتا^۴ و آلورا^۵ آثار مهم بودائی است که

1 - Tripitakas

۲ - Asoka (۲۷۳ تا ۲۳۲ پیش از میلاد) پادشاه نامدار هند .

۳ - Mourya

۴ - Ajanra غارهای بزرگی که در سنگ کنده شده در جنوب هند در صد کیلومتری اورنگ آباد دکن از سده ششم و هفتم میلادی تعداد این غارها ۲۹ تا است که برخی از نقش ها آن بسده دوم پیش از میلاد منسوبست این غارها در یک دوره هزار ساله پدید آمده و نقش های دیگر بچشم میخورند .

۵ - Alora غارهای بودائی ۲۳ کیلومتری اورنگ آباد در دامنه کوهی که آرامگاه اورنگ زیب نیز در آنجاست این پرستشگاههای بودائی از سده ششم تا نهم زادروز مسیح ساخته شده و از نظر نقاشی اهمیت بسزائی دارد در نقش های آنجا داستانهای مهابهارت و شکل خدایان برهمنائی و آثار بودائی نیز هست .

در آنها نیز هنر ایرانی دیده میشود. در غار اجانتا نقش سفارت شاهنشاهی ایران دیده میشود که از دربار شاهنشاه خسرو پرویز در سده هفتم میلادی به هند رفته است و همچنین شاهزادگان ایرانی در بزم بحضور راجه دیده می شوند.

مقصود آنکه این آثار از سده ششم میلادی جلوتر نیست اما ستونهای سنگی که در نقاط مختلف هندوستان از آشوکا از سده سوم پیش از میلاد پیدا شده بهترین اسنادی است که از تاریخ گذشته هند در دست است.

اسلام در سرزمین هند و پاکستان

مقدمه

در اوایل سده هفتم میلادی و مقارن ظهور اسلام بواسطه جنگهای چندصد ساله ایران و روم وضع شاهنشاهی ساسانی و امپراطوری روم دچار اغتشاش و آشفتگی شد.

اختلاف طبقات و جنگهایی که پس از خسرو پرویز پیش آمد و برادر کشی های شایع و جانیشینان و اوضاع آشفته و نابسامانی در ایران پدید آورده بود.

در این زمان روی بشارتهای گذشته مردم انتظار ظهور و ایجاد يك دولت شرقی^۱ داشتند ازین جهت بمحض ظهور حضرت رسول اکرم اسلام در شرق و غرب انتشار یافت و زمینه مساعدی داشت بخصوص در غرب ایران که بیشتر مردم به کیش مهر بودند و در بسیاری از نقاط با مقاومت روبرو نشد و دسته دسته مردم بدیانت حقه اسلام گرویدند.

در همین موقع بود که پیغمبران دروغین چون اسودالعنسی (عبهاسه)

۱ - آثار الباقیه ابوریحان بیرونی دیده شود که خلافت عباسی را در آن دولت شرقی دانسته است.

ملقب به ذی الحمار در صنعا و مسیلمه کذاب و طلیحه در نقاط مختلف حجاز و نجد از طایفه بنی اسد و کنده خروج کردند عهله یمن را گرفت و تانزدیک طایف پیش آمد و اگر ایرانیان مقیم یمن او را نکشته بودند امکان داشت حجاز را بگیرد.

نشانه های دیگری در کتابها چون شکاف برداشتن ایوان کسری و فرو نشستن دریاچه ساوه هست که نشان دهنده انتظار ظهور است.

پیشرفت اسلام در ایران نیز بصورت انقلاب داخلی و انتظار بود و باید گفت در باره فتوحات و غزوات بنیادگذاران فقه شیعی مانند محمد بن یعقوب کلینی^۱ و ابن بابویه شیخ صدوق^۲ و ابوجعفر محمد شیخ طوسی^۳ و محقق اول و محقق ثانی هیچکدام روایات مربوط به فتوح و مغازی را قبول ندارند و آنها عقیده دارند این روایت ها بفرمان منصور دوانقی و خلیفه گان بعد از او برای شرعی قلمداد کردن مالیات گیری آنها ساخته شده است این عنوانهای شرعی مفتوح العنوه^۴ احیاء موات^۵ انفال^۶ و صلحیه و مانند آن همه کلاه شرعی بوده و حتی برخی از علمای اهل تسنن نیز این روایات را صحیح نمیدانند. فتوحات و جنگهای قادسیه و جلولاء و نهاوند نیز دو بیست سال بعد ساخته و نوشته شده است. میدانیم که غزوه اگر بدون اجازه امام مفترض الطاعه باشد درست

۱ - در گذشته بسال ۳۲۸ هجری برابر ۹۴۱ میلادی.

۲ - در گذشته بسال ۳۸۱ هجری برابر ۱۰۱۱ میلادی نویسنده کتاب الکافی و من لایحضره الفقیه.

۳ - در گذشته بسال ۴۱۱ هجری برابر ۱۰۲۲ میلادی نویسنده تهذیب الاحکام والاحتیاج و الاختلاف من الاخبار.

۴ - سرزمینی را که بعنف گرفته باشند.

۵ - نقد سرزمینی است که بی جنگ به بیت المال رسیده باشد و خراج زمینهایی که مردمش کوچیده باشند صلحیه گفته اند.

نیست و وجه شرعی ندارد و ملاک حکم شرع نیست. ازینرو غزوات سلطان محمود در هند مطابق فتاوی شیعیان، غزوات و فتوحات شرعی نیست. باری روی همین انتظار بود که اسلام در سغد و خوارزم بزودی انتشار یافت و بلخ قبه الاسلام لقب یافت و نویسندگان حدیث در صدر اسلام همه اهل این منطقه بودند و ابن اسحق و هشام کلبی را که معاصر منصور دوانقی بوده اند و سلسله روایات مربوط به فتوحات و مغازی بیشتر باین دو تن می پیوندند متروک الحدیث شمرده اند. و احمد بن بلخی بلادزی بغدادی نیز کتاب فتوح البلدان را برای خوشایند متوکل عباسی بضدیت ایرانیان نوشته است و با مقایسه فصلبندی دیگر کتابهایی که در باره فتوح نوشته شده معلوم میشود تاجه اندازه این کتابها از روش خاصی پیروی میکرده اند.

حکومت‌های اسلامی در هند

پیش از رفتن مسلمانان سرزمین هند و پاکستان فن تاریخ نویسی در آن سرزمین مرسوم نبوده است. مسلمانانی بوده‌اند که برای هند تاریخ‌های متعدد بفارسی و اردو و عربی نوشته‌اند^۱ تمدن و فرهنگ ایران و اسلام در سرزمین هند نفوذ عمیق داشته و از هر جهت شایان مطالعه است.

درباره تاریخ هند و چگونگی انتشار دین اسلام در شبهه قاره هند باید گفت که دین اسلام نیز از سوی ایران در هند راه یافت و در سده اول هجری مسلمانان از راه دریا بارهاتا دهانه رود سند پیش رفتند و فرمانروای سند را شکست دادند میتوان گفت دین اسلام نخست وسیله گروهی از شیرازی‌ها از راه دریا و خشکی (بلوچستان) وسیله محمد بن قاسم بن محمد بن ابی عقیل ثقفی پسر عمویا پسر برادر حجاج که سرداری هفده ساله و داماد حجاج بن یوسف ثقفی بود در سال ۹۱ هجری (برابر ۷۱۱ میلادی) در زمان حکومت حجاج بن یوسف ثقفی والی عراق صورت گرفت و چندی بعد مهلب ابن ابی صفره از راه خیبریه پیشاور تاخت. نخست مسلمانان در حدود دویست سال در نواحی مهران تا ملتان حکومت داشتند تا یعقوب لیث سیستانی کابل را گرفت و نخستین

۱ - Influence of Islam on Indian Culture از تارا چند دیده شود.

امیر مسلمان بر کابل گماشت. یعقوب لیث نخستین فرمانروای مسلمان سند بود و زبان فارسی را در آن دیار رواج داد. البتکین یکی از غلامان سامانیان بود که سلسله غزنوی را برپا کردند که گرچه پدر محمود از غلامان ترك بود ولی آنها يك سلسله ایرانی و مسلمان بودند محمود غزنوی در سال ۳۱۲ هجری (۱۰۰۱ میلادی) بنام جهاد و غزوه به هند تاخت و هجده بار به هند لشکر کشید و سفر کرد در جنگ‌های محمود و سفرهای او بهند سیزده بار ابوریحان بیرونی همراه او بوده است از بنرو تاریخی برای هند نوشته است که از مآخذ مهم است.

از سال ۳۶۷ ه غزنویان (امیر ناصر الدین سبکتکین) بهند رو آوردند. سلسله غزنویان از سال ۹۹۷ میلادی تا ۱۱۸۷ در لاهور حکومت کردند و از آن زمان مسلمانان در کنار هندوان در هندوستان زندگی کرده‌اند و گاه اختلاف‌های شدید داشته‌اند. در واقع اسلام و زبان و فرهنگ فارسی همراه لشکر کشی محمود به هند به لاهور و مولتان رسید و در هند گسترش یافت. در زمان غزنویان لاهور و مولتان قبه الاسلام شد.

سه تن آخرین خاندان غزنوی که در هند حکومت کردند بهرام شاه خسرو شاه و خسرو ملک در شهر لاهور مرکز قدیمی پنجاب فرمانروایی داشته‌اند شهاب الدین غوری که از سرزمین غور از خراسان بزرگ برخاست به حکومت غزنویان پایان داد و خسرو ملک در سال ۱۱۸۶ میلادی کشته شد سرداران غوری نیز مدتی در هند حکومت کردند (۵۷۳-۶۱۲ هجری برابر ۱۱۷۸-۱۲۱۵ میلادی) ناصر الدین قباچه ممدوح محمد عوفی و منهاج سراج در ملتان و مهران حکمرانی داشتند و اختیار الدین خلجی در بنگال و قطب الدین ایبک در دهلی حکومت اسلامی را بنا نهادند همراهان محمود غزنوی و محمد غوری و بابریان همه فارسی زبان و مسلمان بودند و زبان فارسی و دین اسلام را در سرزمین هند گسترش دادند زبان فارسی در عهد خلجی، تغلق، لودی و سوری‌ها توسعه بسیار یافت. حکومت اسلامی در دهلی در سال ۱۲۰۶ میلادی بوسیله

قطب‌الدین ایک تأسیس یافت و تا سال ۱۸۵۷ میلادی دوام داشت و دهلی پایتخت پادشاهان اسلامی هند شد. قطب‌الدین بختیار کاکی از مردم اوش نزدیک اندجان و رارود (ماوراءالنهر) بود که در زمان شمس‌الدین التمش در دهلی سکونت گرفت و حکومت اسلامی قطب‌شاهیان را برپا داشت. خانواده‌هایی که در هند مرکزی هندوستان حکومت کردند عبارتند از:

خانواده ممالیک

(خانندان غلامان) در سال ۵۸۹ هجری یا (۱۲۰۶ تا ۱۲۹۰ م). قطب‌الدین ایک از غلامان غوریان دهلی را گشود و از آن پس حکومت‌های اسلامی یکی پس از دیگری برپا شد شمس‌الدین التمش و غیاث‌الدین بلبن از مشاهیر حکمرانان این خانواده بشمار می‌روند و آنان توانستند همه بخش شمالی هندوستان را به حکومت خویش ضمیمه نمایند.

خانواده خلجیان

(۱۲۹۰ تا ۱۳۲۰ میلادی) جلال‌الدین خلجی و علاء‌الدین خلجی از مشاهیر پادشاهان این خانواده بشمارند و در زمان جلال‌الدین خلجی دکن (جنوب هند) نیز جزو قلمرو سلطنت اسلامی گردید.

خانواده تغلقیان

(۱۳۲۰ تا ۱۴۱۳ میلادی) غیاث‌الدین تغلق محمد تغلق و فیروز تغلق در میان افراد این خانواده اهمیت بسزائی دارند. در زمان حکومت محمد تغلق خطه سلطنت به حکومت‌های کوچک تقسیم شد مانند جونپور، مالوه، گلبرگه، گجرات. ابن بطوطه در زمان محمد تغلق به هندوستان رفته بود و هشت سال در هند سیاحت میکرد تغلق آباد پس از دهلی دومین شهر اسلامی هند شد که در سال ۱۲۲۵ هجری تغلقیان آن شهر را برپا داشتند.

در سال ۶۹۲ هجری علاء‌الدین خلجی به هند رفت و گجرات و دکن را گرفت و خاندان بهمنی را پدید آورد.

خانواده بهمنی

بهمنی‌ها سرزمین وسیعی در هند زیرنگین داشتند مرکز آنان بیدر بود و ۱۸ تن پادشاه از این خانواده از سال ۱۳۴۷ تا ۱۵۲۷ میلادی در دکن حکومت کردند مؤسس سلسله سلاطین بهمنی در دکن حسن گانگو بهمنی میباشد وی نوکر برهمن منجمی بود و بحال فقر زندگی میکرد در زمان سلطنت محمد تغلق در دستگاه او داخل شد و در سال ۱۳۴۷ سلطنت معروف به بهمنی را در گلبرگه تشکیل داد و سلسله را بنام ارباب خود برهمن گذاشت و او را وزیر خویش نمود قلمرو آن در شمال تابرارو در جنوب تا رود کریشنا رسید در سال ۱۳۴۷ پایتخت در گلبرگه بود در سال ۱۴۲۲ پایتخت به بیدر منتقل گردید و در ۱۵۲۰ خاندان بهمنی پراکنده شد و از این خاندان دو خاندان بنام عادلشاهی در بیجاپور و خاندان احمد نظام شاهی در احمدنگر ایجاد گشت. محمود شاه بهمنی در ۱۵۸۰ میلادی درگذشت.

خانواده سادات

(۱۴۱۳ - ۱۴۵۱ م) این سلطنت به دهلی و نواحی نزدیک آن محدود بود و بدست بهلول لودی حاکم لاهور پایان رسید.

خانواده لودیان

(۱۴۵۱ - ۱۵۲۶ میلادی) ظهیرالدین بابر پادشاهی خاندان لودیان را پایان داد!

قطب شاهیان

در سال ۱۵۸۰ میلادی قلی قطب شاه از بازماندگان قراقوینلوها در

گولکنده خود مختاری برپا کرد و خاندانی ادب پرور و ثروتمند بودند و گاه با لودیان و گاه با بابریان درافتادند.

خانواده بابریان

در سده هشتم هجری تیمور به هند رو آورد و تا دهلی پیش رفت اما جانشینان او تا بنگال را گرفته و تا سال ۱۲۷۲ هجری پادشاهی کردند. ظهیرالدین بابر بیاری شاه اسمعیل صفوی از گزند شیک از یک رهایی یافت و با پشتیبانی شاه اسمعیل قدرت یافت و در ۹۳۲ هـ دهلی را گرفت.

در ۸۸۸ هجری (۱۵۲۶ - ۱۸۵۷ م) حکومت تیموریان یا بابریان که بغلط آنهارا مغول خوانده اند تشکیل شد. شش پادشاه بزرگ بنام ظهیرالدین محمد بابر، همایون، اکبر شاه، جهانگیر، شاه جهان و اورنگ زیب^۱ تا سال ۱۷۰۷ میلادی و پس از آن تا ۱۸۵۷ م پادشاهان متعدد کوچک در هندوستان حکومت کردند و گاه سرداران آنان خراسانی بودند این خاندان در بزرگشت دانشمندان و نوازش سخنوران پارسی گوی و هنرمندان نهایت کوشش را بعمل آوردند و در گسترش و پیشرفت زبان فارسی و فرهنگ ایران و دین اسلام در هندوستان خدمات بسیار شایان توجهی انجام دادند.

تمدن اسلامی ایرانی را اکبر شاه و جهانگیر شاه با وج عظمت رساندند بسیاری از ساختمانها در هند و پاکستان از زمان بابریان است جهانگیر در یازدهمین سال جلوس خود جشن نوروز را برپا داشت و این موضوع در تروک جهانگیری آمده است نور جهان ملکه جهانگیر یک خانم ایرانی بود که جشن نوروز را برپا میداشت و در هند محبوبیت بسیار یافت و اورنگ زیب

۱ - تا چند سال پیش در هند ایرانی یا افغانی مسلمان را مغول میگفتند ازینرو تمدن و فرهنگ ایرانی بابریان را مغولی گفته اند.

اسلام را گسترش داده در زمان بابریان حکومت اسلامی هند دوران درخشانی میگذراند.

در زمان جهانگیر نماینده انگلیس بنام جیمس اول به هند آمد و دو سال انتظار ملاقات پادشاه را کشید جهانگیر بعنوان نماینده یک جزیره کوچک دور افتاده او را نپذیرفت. همزمان با سلاطین بزرگ بابری در جنوب هند بویژه سه خانواده سلطنتی ایرانی حکومت داشتند و در سرپرستی از پارس گویان و عارفان ایرانی از هیچگونه کوشش دریغ نورزیدند آنها عبارت بودند از: قطب شاهیان در گولکنده (۱۵۱۲ تا ۱۶۸۷ م) عادل شاهیان در بیجاپور (۱۴۹۰ تا ۱۶۵۷ م) نظام شاهیان در احمدنگر (۱۴۹۰ تا ۱۶۳۳ میلادی) خاندانهای دیگری مانند بهمنی ها برید شاهیان و خاندان سوری و پادشاهان شرقی جنپور و خاندان بیرم، پادشاهان گجرات عماد شاهیان و غیره. نیز مشوق زبان و ادبیات فارسی بودند با رفتن تیموریان از راه فلات بهند و لشکرکشی نادر شاه تادهلی در سال ۱۱۵۱ هجری برابر ۱۷۳۹ میلادی بسیاری از فنون و علوم ایرانی و زبان فارسی در هند راه یافت در باره لشکرکشی نادر شاه به هند باید گفت نادر شاه در تعقیب سرکشان بود و سفیرانی به هند فرستاد که پناهندگان را تحویل دهند و سفیران او اعنائی نشد نادر بالشکریان خویش از راه تنگ خیبر رو بهند آورد محمد شاه گمان نمیکرد تنگ خیبر قابل عبور باشد و دوری راه اجازه دهد که نادر از خراسان بدان سرزمین لشکر کشد ازینرو هر چه باو میگفتند نادر در راه است او میگفت «هنوز دهلی دور است» تا نادر بدلهلی رسید و این سخن ضرب المثل شده است. انگلیسها در سال ۱۷۵۷ م با سراج الدوله جنگیدند و کلکته را در بنگال گرفتند و آخرین پادشاه میسور تیپو سلطان پسر محمد علی شیعی مرد دلیری بود که تا بودن او انگلیسها در هند پیشرفتی نداشتند ازینرو پس از درگذشت او که آخرین تاجدار

مسلمان در هند همزمان فتحعلیشاه بود انگلیسها سوی شمال پیشرفت کرده و پس از جنگهای بسیار با مسلمانان در سال ۱۸۵۷ میلادی بهادرشاه ظفر را دستگیر کرده و به رانگون برمه تبعید کردند. غوریان بویژ تیموریان و حکمرانان لکهنو شیعی و فارسی زبان بودند. خانواده های مملوک و خلجیان و تغلقیان و لودیان زبان اردو را در دهلی رایج کردند زبان اردو چنانکه گفته شد مدنی پیش در دهلی از آمیختگی زبان فارسی و زبان برج بهاشا (زبان محلی آگرا و متھرا) پدید آمد و واژه هایی از زبان پراکراتها در آن راه یافت.

شالده زبان اردو در سده یازدهم میلادی ریخته شد و تا سده پانزدهم کمال یافت و نخست بزبان اردو شکسته یا فارسی شکسته میگفتند. در دوران حکومت اسلامی در هند و پاکستان زبان رسمی زبان اردو شد به زبان هندی بزبان اردو ریخته و هندوستانی گویند و بهترین زبان اردو زبان مردم دهلی و لکهنو است که بدان اردوی معلی گویند خسرو دهلوی نخستین شاعر بزرگ اردو سرای هند و نخستین کتاب شعر بزبان اردو از محمد قلی قطب شاه است.

در دوران حکومت اسلامی که در حدود یک هزار سال در هند ادامه داشت زبان و ادبیات فارسی نیز بآیین اسلام گسترش بسیار یافت و در دربارهای دهلی، لکهنو، گولکنده (حیدرآباد) جونپور (شیراز هند) احمدآباد، احمد نگر بیجاپور، بهوبال و سوناگر (در پاکستان شرقی) زبان فارسی رسمی و متداول بود.

زبانهای هندی مانند اردو هندی، بنگالی، پنجابی، سندھی، کشمیری پشتو هندی، دکنی، گجراتی، مراھتی، بهاری، تامیل، کناری، کشمیری، مالایالم و مانند آن همه از زبان فارسی بهره بسیار برده اند با آنکه زبان تامیل، تیلکو، کناری، و مالایالم از گروه زبانها دراوی و از زبانهای رسمی هند است باز در همه زبانهای هند از بیست تا پنجاه درصد واژه های فارسی راه

پافته است مثلاً سی درصد واژه های زبان مرھتی از زبانهای جنوبی هند فارسی است و رسم الخط این زبان از خط دیوناگری گرفته شده است که مشتق از خط سنسکریت است و از چپ بر راست نوشته میشود ولی بهنگامیکه زبان فارسی زبان رسمی هند بود مرھتی نیز مانند بسیاری از زبانهای هندی بخط فارسی نوشته میشد و زبان کونکنی که گویشی از آن زبانست هنوز بخط فارسی نوشته میشود. خط نستعلیق خط مسلمانان هند و زبان اردو شد و خط نسخ خط زبان سندھی.

تاریخ حکومت مسلمانان فارسی زبان از حکومت های درخشان تاریخ هند است که انگلیسیها آن را برانداختند. بسیاری از کتابهای تاریخی هند هنگامیکه بزبان انگلیسی برگشته شد در این زمینه تحریف شده است.^۱

رابرت اورم^۲ وقایع نگار شرکت هند شرقی تاریخی در باره وقایع دوران مغول! در هند نوشت. فرانسیس گلاد وین داو^۳ تاریخ هندوستان را نوشت و تاریخ فرشته را ترجمه کرد.

ج اسکات^۴ و ه. و. ن. سی تارت^۵ عالمگیرنامه را در کلکته منتشر کرد و **سرویلیام اوزلی^۶ و سرجان ملکم^۷** که روی همان نظر های پیش گفته تاریخی برای ایران نوشت و بالاخره **د. و. د. پرایس^۸ د. شی^۹ و س. استوارت^{۱۰}** و غیره که بیشتر آنان کارمند هند شرقی بوده اند مانند سرویلیام -

۱ - برای آگاهی بیشتر تاریخهای گرانبهای مانند چچ نامه، تاریخ فیروزشاهی، طایقات ناصری، تزلک بابری، شاهجهان نامه، منتخب التواریخ، اکبرنامه، آئین اکبری، تاریخ فرشته، سیر المتأخرین، تاریخ الفی، و غیره که بزبان فارسی و اردو نوشته شده دیده شود این کتابها نیز در دوران فرمانروائی انگلیس در هند تحریف و بزبان انگلیسی ترجمه و چاپ شده است.

- | | | |
|----------------------|-------------------|-------------------|
| J. Scott - ۴ | A. Dow - ۳ | Robert Orme - ۲ |
| Sira. J. Malcolm - ۷ | Sir W. Useley - ۶ | H. Vensittart - ۵ |
| C. Stewart - ۱۰ | D. Shea - ۹ | V. D. Price - ۸ |

جونز از جمله سرایلیت^۱ و داوسون^۲ از کتاب های تاریخ فارسی هند کتابی برای تاریخ دوران اسلامی هند^۳ گردآوری کرده اند و آنها را برای آشنائی انگلیسی زبانان در هشت دفتر به چاپ رساندند^۴ اما در همه این کتابها ایلیت و دیگران کوشیده اند بدیها و زیانهای حکومت نافرجام مسلمانان را در هند نشان دهند. و دوره رواج زبان و ادبیات فارسی را دوران تیره و تاریک هندوستان بنمایند تا دوران حکومت استعماری انگلستان چهره نماید و نقش حکومت اندنی نایب السلطنه هند پربهره و فریبنده و درخشان جلوه نماید.

خدمتی که سرهنری ایلیت و داوسن از این راه بتاریخ دورای استعمار حکومت انگلستان در هند نموده اند نمونه روشنی از تاریخ های دیگرست که پیروان غرب و کلیسا و یونان زدگان برای ایران نیز نوشته اند.

يك هدف نوشتن این تاریخ ها رفتن اسکندر بآن سرزمینهاست. چنانکه دریغ بود که اسکندر به مصر و ایران و خراسان بزرگ تا و را رود (ماوراءالنهر) و افغانستان رفته باشد اما به هندوستان نرفته باشد ازینرو

۱ - Si. H. M. Elliot کتاب تاریخ را او جمع آوری کرد و پس از مرگش داوسون بنام تاریخ هندوستان منتشر نمود و اظهار نظر کرده است که موافق گفتار مورخین آن سرزمین است (۱۸۶۶ - ۱۸۷۷ م).

۲ - Prof J. Dowson

۳ - Bibliographical Index to the Historians of Muslim India

۴ - History of India as told by its Historians تیموریان را در هند با شتهای مغولان گویند تیمور اهل خوارزم و شهر سبز یا شهرک کش نزدیک سمرقند و ایرانی خونی غوار و مغربی بود که خود را جانشین دولت چنگیز میدانست برای آنکه ترس و هراس ایجاد کند. سلسله او را در تاجیکستان خاندان میرزایان گویند و گورکانی بدان سبب به وی گفته اند که گورکان به ترکی یعنی داماد. اوفارسی سخن میگفت و بفارسی از او و دیر او شرف الدین علی یزدی آثاری برجاست مادر او گوهرشاد و نوه اش شاهرخ بود.

بسیاری از مورخان اسکندر را به هند برده اند و برای این منظور کتاب های تاریخ نوشته اند و میدانیم همه جا اسکندر با شهرهای یونانی و تمدن یونان می رود!

اگر زندگانی اسکندر در اتر بود او را به چین و ژاپن نیز میبردند تا تمدن آن سرزمین های شرقی را نیز منبعث از غرب بدانند و جانشینانی مانند سلوکی ها که در ایران ساخته اند برای اسکندر در آن سرزمینها نیز بر میگزیدند در صورتیکه از این جانشینان در کتابهای معتبر شرقی نامی نیست.

در هندوستان هیچ اثری از اسکندر پیدا نشده و تنها رفتن اسکندر بهند يك ادعای واهی داستانسرایان یونان است آقای حکمت مینویسد:

« در آثار هندوستان اثری از تاریخ حمله اسکندر بدست نیست تنها مورخان یونانی اند که سرگذشت حمله او را ثابت کرده اند. »^۱

بهنگام چاپ و انتشار نخستین کتاب از سلسله کتابهای ایلیت و داوسن دانشمند انگلیسی بنام ریورتی از روش نادرست و مغرضانه نامبردگان انتقاد سخت نمود و سر ولزلی هیگ^۲ نیز در اثر تألیفی خویش که بنام « تاریخ هند از کمبریج »^۳ نوشته است و آن نیز از جهاتی شباهت انتقاد است از استفاده از کتابهای نامبردگان اجتناب ورزیده و بساخذ اصلی فارسی تاریخ هند رجوع کرده است.

برای روشنفکران هند نیز آثار ایلیت و داوسن و نظایر آن مورد بی اعتنائی قرار گرفت و نویسندگان بنام همزمان هند که تاریخ معاصر هند را پس از استقلال نوشته اند: دکتر تارا چند، و تریاتی، بینی.

۱ - در کتاب سرزمین هند صفحه ۱۹.

۲ - Sir Wolsley Hague

۳ - Cambridge History of India

پرشاد ، قانونگو، بنارسی پرشاد ، سکینه ، پینیکار و دیگران که همه هندی هستند در فهم و ادراک گذشته تاریخ هند در زمان حکومت اسلامی تیزبینی و عدالت و انصاف را از دست نهاده و از ایلیت و داوسن و مانند آنها پیروی نکرده اند .

خدمتی که هنری ایلیت و پرفسور داوسن بکتابهای تاریخ فارسی انجام داده اند همان مسخ کردن قیافه حقیقی تاریخ هند و مورخان ایرانی اسلامی بوده است و روشی است که بیشتر مورخان فرنگ درباره تاریخ شرق بکار برده اند . . .

چنانکه در دیباچه کتاب تاریخ ایلیت و داوسن مطالب جالبی دیده میشود که خود بهترین سندگویای سوءنیت و بداندیشی اربابان اقتدار و حکومت صاحبان درهند است و آن مطالب بطور نمونه :

« . . . اکنون رعایای ما خواهند دانست که حکومت ما چقدر نرم و همراه و باانصاف است و چه منافع بزرگی از این سو عایدشان شده است .

« اکنون کارمندان اداری ما که از کمال آزادی شخصی برخوردارند خواهند توانست بخوبی پی ببرند که تاجه اندازه رعایت حقوقی که هیچگاه بعنوان افراد ملت ما برای آنها حاصل نبود بآنان تفویض شده است و با در نظر گرفتن مزایا و خوبی های حکومت انگلستان باید کارمندان دولت کنونی از زمزمه ناراحتی یا وطن دوستی دست بکشند و قدر عافیتی را که دارند درست بفهمند . . . »

« آنگاه این مورخان دلسوز که اصلاً نتوانسته اند دوران تمدن اسلامی و رواج ادبیات و زبان فارسی را در هندوستان درک کنند به مورخان هند طعنه میزنند و آنان را بر علیه

« مسلمانان می شورانند در صورتیکه مورخان هند نیز غالباً تاریخ های خود را با بسم الله و توحید و نعت رسول مسلمانان آغاز کرده اند .

« اکنون که دوران تسلط مسلمانان بر هند سپری شده باز « مورخان بی غرض هند از روایات نویسندگان اسلامی خود را بی نیاز نمیدانند . »^۱

همچنین بطور نمونه یکی از افتخارات هند تاج محل است و یکی از نیکنامان تاریخ شاهجهان و یک زن نامدار جهان آرا است .

در تاریخ تاج محل از مستر هیول نوشته شده که نقشه تاج محل بوسیله هنرمندان ایتالیائی^۲ کشیده شده ! و همان هنرمندان تزیینات آن را درست کرده اند .

ولی در کتاب معین الآثار^۳ که به انگلیسی هم ترجمه شده این ادعا رد شده است .

در سال ۱۹۳۱ میلادی کتابی بنام « شاهزاده خانم جهان آرا »^۴ در لندن چاپ شد که نویسنده ادعا کرده است در ضمن بازدید از قلعه آگرا در برج ثمن از زیر سنگی اسناد و کاغذهائی بدست آورده که دست نویس جهان آرا بوده است و جهان آرا آنها را در زمان زندانی بودن شاهجهان در آن قلعه که خود او هم با پادشاه در آنجا زندانی بوده است نوشته .

۱ - نقل از ثقافت پاکستان نگارش شیخ محمد اکرام قسمت « ورثه ادبی فارسی »

۲ - The Taj and its environment

۳ - معین الآثار تألیف مولوی معین الدین احمد که با انگلیسی نیز ترجمه شده و در سال ۱۹۲۸ میلادی چاپ شده است .

۴ - Mogul Princess Jahan Ara by Andrea Butenschen چاپ لندن ۱۹۳۱ میلادی چنانکه گفته شد نسبت مغول به ایرانیان نیز از آن غرضهاست که خواسته اند دوران درخشان تمدن اسلامی و فرهنگ ایرانی هند را به مغول نسبت دهند .

بسیار خوب تا اینجا این سخن ادعایی را میتوان پذیرفت اما نتیجه آنکه دختر شاهجهان زن هوسبازی بوده و در پرده باراجگان هند و (راجپوت) روابط نامشروع داشته و عشق ورزی میکرد است همچنین نوشته شده که پوشاک اوساری بود و او خدایان هندوان را میپرستید!...

و مانند این سخنان که خواسته اند زن نیکنامی را در تاریخ هند بدنام نمایند در صورتیکه جهان آرا نزد مردم هند و پاکستان از برجسته ترین زنان دانشمند و پاکدامن و شاعر شناخته شده و او در تصوف نیز مطالعات عمیق داشته و کتابی بنام مونس الارواح نوشته است از اینگونه سخنان درباره تاریخ گذشته پاکستان و هند یا کشورهای دیگر و شخصیت های تاریخی بسیار ساخته و پرداخته اند.

درباره حکومت اسلام در سرزمین هند و پاکستان مطالبی ناگفته ماند. بهنگامیکه مسلمان در هندوستان حکومت یافتند در سده ششم تا هفتم میلادی، راجپوت ها در هندوستان حکومت داشتند و مسلمانان با جنگ کشور آنانرا از دستشان در آوردند.

گذشته از سلسله های نامبرده که گفتیم از هندوان و مسلمان در هند حکومت کردند پیشتر از حمله محمود غزنوی، اسمعیلیان در اچه و ملتان و لاهور نفوذ و حکومت داشتند باید گفت اچه یکی از مراکز زرتشتیان و پارسیان هند نیز بوده است.

آثار حکومت های اسلامی در هند

ناصرالدین سبکتکین غزنوی در سال ۳۴۹ هجری قمری به سرزمین شمالی هند تاخت و سلطان محمود غزنوی در سده چهارم هجری چند بار رو بهند آورد و بخشی از پنجاب و مهران را گرفت در نتیجه این تاخت و تازها پادشاهان خاندان راجپوت ناتوان شدند و دویست سال پس از آن سلطان شهاب الدین محمد غوری بشمال هند تاخت و آخرین پادشاه راجپوت را مغلوب نموده تا قنوج را گرفت.

قطب الدین ایبک یکی از سرداران ترک نژاد و مسلمان بود که در رکاب سلطان شهاب الدین غوری بهند رفت و شهرهای دهلی، اجمیر، بنارس را تا دره گنگ از چنگ راجپوتها و راجه ها در آورد و چنانکه گفته شد نخستین حکومت مسلمانان را بنام سلاطین ممالیک در هند برپا داشت.

قطب الدین ایبک در هند بآبادی پرداخت از جمله مسجد قبة الاسلام در دهلی از یادگارهای اوست که پس از وی التتمش داماد او بتوسعه آن پرداخت همچنین قطب منار منار بزرگی از سنگ سرخ یادگار اوست که در نهایت زیبایی در نزدیکی دهلی هنوز برجاست.

در میان پادشاهان ممالیک غیاث الدین بلبن پادشاهی توانا بود که تا بنگال را بتصرف مسلمانان در آورد او همزمان چنگیز بود. بنگال در ۱۲۵۱ میلادی زیر نفوذ مسلمانان درآمد در زمان بلن بسیاری از امرای مسلمان از ایران و افغانستان و ماوراءالنهر بدربار او پناه بردند او ممدوح خسرو دهلوی بود پس از ممالیک خاندانهای خلجیه، تغلقیه، سادات ولودیه در شمال هند در حدود دو قرن و نیم بتناوب، حکومت کردند خاندان خلجیه قلمرو حکومت خود را تا گجرات توسعه دادند. فیرو شاه یکی از پادشاهان تغلقیه سراسر هندوستان بجز بنگال را زیر فرمان آورد و شهر فیروزآباد را در نزدیک دهلی ساخت و مساجد و آثار بسیار از او باقی است.

امیر تیمور در آخر قرن هشتم بهند تاخت و تادهلی پیشرفت و در آن دیار نیز بخرابی و قتل و غارت پرداخت و پس از او جانشینان او در هند حکومت کردند در سال ۹۳۲ هجری قمری ظهیرالدین بابر تیموری با لشکریان بسیار از افغانستان بهند تاخت و آخرین بازمانده لودیان ابراهیم لودی را برانداخت.

سلطنت بهمنی بوسیله حسن گنگو بنیاد نهاده شد و در حدود دویست سال زمینه پیشرفت زبان و فرهنگ و عرفان ایران فراهم شد و دانشمندان و شاعران ایرانی بسیار بدکن دعوت شدند - گلبرگه پایتخت بهمنیان بود و مرکز زبان و فرهنگ ایران و اسلامی شد پس از انقراض بهمنیان جنوب هند به پنج کشور تقسیم شد که سه خاندان آنها بنام نظام شاهیان قطب شاهیان در شهرهای احمدنگر، گولکنده و بیجاپور بزبان و هنر و فرهنگ ایران خدمت بسیار کردند.

از سال ۳۴۹ تا ۹۳۱ هجری قمری سی و دو خاندان مسلمان فارسی زبان در دکن در گولکنده^۱ گلبرگه و دهلی، پنجاب، بهار، بیجاپور، احمدنگر

۱ - گل بزبان اردو بمعنی گرد (شهر) وکنده بمعنی استخر است.

و بنگال حکومت کردند که برخی از آنان ایرانی نژاد و بیشتر شیعی بودند جانشینان بابر سیصد و پنجاه سال در شمال هند فرمانروائی کردند خاندان او را بغلط مغول و گورکانی گویند.

بک علت این اشتباه آنست که در استان بهار به جنگجویان افغانی مغول میگفتند و این اشتباه را مورخان اروپائی متوجه نشده اند کورکان نیز ترکی یعنی داماد، و چون تیمور دختری از امیر حسین گرفته بود داماد او شد باو کورکان گفته اند که مربوط به قبیله یامحلی نیست چون تیمور از مردم ایرانی شهر سبز یا شهرکش در پیرامون سمرقند بود. در میان سپاهیان بابر ترك و تاتارهای سغد و خوارزم و افغانی ها شرکت داشتند. بابریان تا سال ۱۹۷۴ در حدود ۳۴۲ سال در هند فرمانروائی کردند از رویدادهای زمان آنها همایون دویمین پادشاه بابری در سال ۹۴۹ هجری قمری از فریدخان معروف به شیرخان سوری که کابل را گرفته بود شکست یافت و از تاج و تخت برکنار شده با گروهی از همراهان بدربار شاه طهماسب صفوی پناه برد پدر عبدالکریم خان خانات شاعر فارسی گو نیز از همراهان همایون بود پادشاه صفوی با آنکه بسیار ممسک بود مدتی از همایون و همراهان نگهداری کرد و در سال ۹۵۱ گروهی از سپاهیان قزلباش همراه او ساخت همایون باسی هزار سپاه شیرخان را از کابل و قندهار براند و با او چند سال نبرد کرد تا در ۹۶۲ هجری از راه پشاور بهند رو آورد و در دهلی بر تخت نشست.

دولت بابری در زمان اکبر پسر همایون باوج عظمت و ترقی رسید اکبر در افغانستان با صفویان چندبار برخورد کرد او پنجاه سال سلطنت نمود و از قندهار تا داکا در بنگال شرقی و از کشمیر تا احمدنگر در جنوب در قلمرو او بود. در زمان اکبر چهار طایفه اهل سنت و مؤبدان زرتشتی و علمای هند و مسیحی و یهود در مجلسی که هر شب جمعه در حضور او تشکیل میشد به

۱ - احسن التواریخ روملو صفحه ۳۰۸.

مباحثه و مناظره می پرداختند و برای اینکار در فتحپور صنفه سنگی مخصوصی ساخته بود که خود در میان نشسته و ناظر مباحثات آنان بود اکبر دستور بزرگ پارسیمان مهرجی رانا و علمای اسلامی را دعوت کرد که با یکدیگر مباحثه نمایند در نتیجه این مباحثات علمای اهل سنت یکدیگر را در حضور او لعن کردند، از این کار اکبر نادم شد دستور مهرجی رانا به نوسازی رفت و در آن دیار اعیاد و جشنهای زرتشتی را بر قرار ساخت و اعیاد اسلامی را منسوخ داشت اکبر پرداخت جزیره را از هندوان برانداخت و خود از دین اسلام و هندو و زرتشتی بیاری شیخ ابوالفضل دین تازه ای بعنوان «دین الهی» عرضه داشت.

باید گفت تا دوره بابریان مذهب اسلام در شمال هند بروش حنفی مشهور باهل رأی و اجتهاد بود و در زمان اکبر چنانکه اشاره شد وضع دیگر پیش آمد.

در زمان جهانگیر در مساجد دکن شیعیان بنام شاه عباس کبیر خطبه می خواندند و او را خلیفه و شاه بزرگ اسلامی وقت می دانستند این موضوع موجب رنجش جهانگیر و پادشاهان بابری و مسلمانان دیگر هند شده در زمان شاه جهان تاج محل در آگرا ساخته شد که معماران ایرانی در ساختن آن هنرنمایی کرده اند.

در زمان بابریان شاعران بسیار بدان دیار رو آوردند ظهوری ترشیزی، نظیری نیشابوری و عرفی شیرازی از آن جمله بودند کلیم در دربار شاه جهان بود هنگام بازگشت بایران میگوید:

بایران میروم نالان کلیم از شوق همراهمان

پسای دیگران همچون جرس طی کرده منزلها

ز شوق هند ز انسان چشم حسرت برقفا دارم

که روهم گر براه آرم نمی بینم مقابل را

باغهای شالیمار لاهور در جهان بنام است این باغها را در سال

۱۶۲۷ میلادی شاه جهان ساخته است که در فاصله پنج میلی دیوار کهنه شهر لاهور است آبرسانی این باغها وسیله يك ایرانی درست شده است در این باغها حوضها و فواره ها و آبشارهای زیبا جلوی کاخها و تخت مرمر پادشاهان بابری بسیار زیبا است. شبنم زیب النسا شاهزاده خانم شاعر در کنار آبشارهای شالیمار تا صبح بسر کرده گریسته و شعر ساخته از جمله این دوبیتی خطاب با آبشار گفته:

ای آبشار نوحه گر از بهر چیستی

چین بر جبین فکنده در اندوه کیستی

آیا چه درد بود که چون ما تمام شب

سر را بسنگ میزدی و میگریستی

این يك نمونه از اشاعه زبان و ادب فارسی در آن سرزمین است.

دربار شاهان بابری از همایون و اکبر و جهانگیر و شاه جهان و اورنگ زیب مرکز شعر و ادب فارسی بود و ملك الشعراهایی چون فیضی فیاضی شاعرانی را از ایران به هند دعوت میکردند. حکومت مسلمانان در کشمیر نیز از سده چهاردهم میلادی وسیله شاه میر آغاز شد این حکومت از سال ۱۳۳۹ تا ۱۵۵۲ میلادی با مجاهدات عرفا و مبلغان ایرانی پیشرفت بسیار کرد. در کشمیر آثاری از نفوذ تمدن و فرهنگ ایران پیش از ورود اسلام دیده میشود مانند واژه هائی از زبان فارسی در زبان کشمیری. آن زبان یکی از شاخه های زبان سنسکریت است و نظم شاهنامه بدان زبان بنام است.

لال شهباز قلندر و جام نظام الدین و مخدوم بلال تتوی شاعران بزرگ هند هستند که بفارسی شعر سروده اند و از شاعران کشمیر نیز هستند که بفارسی شعر سروده باشند یا شاهنامه سنسکریت سروده اند.

کلن بهت از درباریان فرمانروایان کشمیر با الهام از شاهنامه فردوسی سال ۱۱۴۹ تاریخ کشمیر را از آغاز تا زمان جی سنگه بنظم آورد بنام راج ترنگی یعنی شاهنامه و این نخستین تاریخ در هند بزبان سنسکریت است.

خانقاهها و مساجد و سنگتراشی‌ها و معماریهای از آثار ایرانیان پیرامون
سرینگر پایتخت کشمیر هنوز برجاست و این گفته حافظ :

شعر حافظ شیراز می‌رقصد و می‌نازند

سپه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی

نشانه پیشرفت فرهنگ و زبان فارسی در آن سرزمین است.

پادشاهان خانواده شاهمیر همه فرهنگ دوست و فرهنگ‌پرور بوده
و زبان فارسی و شاعران و عارفان ایرانی را تشویق میکردند چنانکه زبان و
فرهنگ فارسی جایگزین زبان سنسکریت و فرهنگ هندی شد و زبان فارسی
دیرزمانی زبان رسمی و درباری گشت و کشمیر یکی از مراکز اسلامی شد ،
سلطان زین العابدین بفارسی شعر میگفت و دو کتاب نثر بفارسی نگاشته است.
باید گفت در کشمیر محلی است بنام مزار عیسی و گروهی عقیده دارند که مرشد
عیسی در کشمیر هند بوده و چون عیسی را بقتل رساندند بهند آمد و مرشد او وی
را درمان نموده باز بجهان بازگشت .

ملك كافير در سال ۱۳۱۰ میلادی و محمد بن تغلق در سال ۱۳۲۷ میلادی
راجه‌های هند را در اوایل سده چهاردهم از جنوب و شرق هند برانداختند و
بنگال زیر سلطه پادشاهان دهلی درآمد و گرچه در آغاز زیر نفوذ پادشاهان
دهلی بودند ولی در اواسط سده چهاردهم میلادی در زمان فرمانروائی محمد
بن تغلق دعوی استقلال کرد . اسکندر شاه و پسرش سلطان غیاث الدین که با
حافظ روابط ادبی داشت حکومت مستقل یافتند . جانشینان تغلقیان در جونپور
حکومت سلاطین شرقی را تشکیل دادند در زمان این خاندان زبان و ادبیات
فارسی در جونپور رونق بسیار یافت تا آنجا که جونپور را شیراز هند نامیدند
مساجد و مدارس بسیار از آن دوره برجا مانده است . همچنین در اواسط سده
چهاردهم میلادی در دکن نیز خاندانهای پادشاهان شیعی بهمنی و نظام‌شاهی و عماد
شاهی و بریدشاهی و عادل شاهی و قطب‌شاهی حکومت کردند که همه مشوق زبان

و ادبیات فارسی بوده با پادشاهان صفوی روابط نیکو داشتند .

از دوران فرمانروایی مسلمانان در سراسر هند آثار و بناهای باارزش
و بسیار برجا مانده است . هزاران مسجد و امام‌باره (حسینیه) و مقبره و مدرسه
هنوز برجاست . در لاهور که مرکز قدیم پنجاب است مسجد بزرگ مسلمانان
را اکبر شاه ساخت و قلعه بزرگ لاهور نیز از بناهای اوست در لاهور باغهای
معروف شالیمار را شاه جهان پادشاه دیگر اسلامی بآبروی در چهل هکتار زمین
برپا داشت . آرامگاه ابوالحسن علی هجویری که زمان غزنویان به هند رفت در
لاهور است . شاهی قلعه لاهور از ساختمانهای شگفت‌آور جهانست این
قلعه نزدیک شاهی مسجد و آرامگاه اقبال لاهوری شاعر نامد است در شاهی
قلعه لاهور کاخهای پادشاهان ، کتابخانه ، مسجد بزرگ و کوچک ، گرمابه ،
زادخانه ، خوابگاه ، پاسدارخانه ، آبدارخانه دیوان خاص و عام همه در
۱۴۵۱۸۰ مترمربع مساحت برپا شد .

قسمتی از این قلعه را نخست برای دختر زیبای راجه رام چندرجی
بنام (لد) ساخته‌اند زمان او را هزاره پیش از میلاد نوشته‌اند در سال ۵۴۱۶: ق
سلطان محمود بدان قلعه راه یافت و آنجا را پادگان سپاهیان خود کرد و پس از
او شهاب‌الدین غوری بر آن قلعه دست یافت ساختمان کنونی قلعه از اکبر شاه
پادشاه بآبروی مسلمان است ، جهانگیر کاخ کوچک دیگری ساخت و در زمان
شاه جهان کاخ آئینه و ساختمانهای دیگر ساخته شد پس از او اورنگ‌زیب
به کاشی‌کاری و آرایش کاخ پرداخت در زمان حکومت انگلیسیها آنجا بدست
آنان افتاد و رو بخرابی رفت گذشته از آثار معماری ایرانی که در ساختمانهای
آن دیده میشود در موزه شاهی قلعه کتاب‌های خطی و مذهب زیبای فارسی
وارد و مرقعات و تابلوهای نقاشی و مینیاتور وجود دارد و قصایدی بفارسی
بر تابلوها نوشته شده است .

شاهی مسجد بزرگ لاهور هفتصد سال پیش ساخته شده این مسجد

را شاه جهان ساخته است و اورنگ زیب آنرا تمام کرده .

دستار حضرت علی «ع» و دستار امام حسین «ع» کلاه منسوب به حضرت امام حسین «ع» علم منسوب به حضرت حسین بن علی «ع» در آنجا است .

در دهلی مسجد بزرگ مسلمانان را بنام مسجد جامع دهلی شاه جهان ساخت که سازنده آن يك معمار ایرانی بود گور او در کنار مسجد هنوز بر جاست مسجد دهلی و مسجد لاهور از بزرگترین مسجدهای جهانست . بنای مسجد دهلی هشتاد سال طول کشید و ساختمان آن از زمان شاه جهان آغاز شد و گویند پس از بیت المقدس دومین مسجد بزرگ جهانست این مسجد از سنگ سرخ بر بلندی ساخته شده و ده هزار نمازگزار میتوانند در آن در يك زمان نماز بگذارند .

مسجد سونهری در دهلی نیز مسجد بزرگی است که در آن مسجد نادر شاه برسدگی امور اشتغال داشت که باو تیراندازی شد قلعه سرخ در دهلی یکی از آثار بزرگ اسلامی است که در آنجا نیز نادر شاه با محمد شاه آخرین پادشاه بابرین رو برو شد و بر سر او تاج گذاشت در قلعه سرخ مسجد کوچکی است بنام مسجد مروارید (موتی مسجد) با سنگ مرمر که از شاهکارهای ظریف معماری است . مدرسه کاشف العلوم ، مدرسه قوالها ، تکیه نظام الدین - اولیا ، مزار نظام الدین اولیا و خسرو دهاوی و اسدالله غالب و مزار خواجه قطب الدین بختیار کاکی از پیشوایان صوفیه مزار شیخ برهان الدین بلخی و مزار سرمد کاشی عارف بزرگ همه در دهلی است و مزار معین الدین چشتی پیشوای بزرگ فرقه چشتیه معروف به سلطان الهند غریب نواز سنجری (سگری) در اجمیر است و مزار قاضی نورالله شوشتری محدث شیعی در آگرا زیارتگاه شیعیان هند است و مزار شیخ بهاء الدین زکریا مولتانی استاد عراقی از سلسله سهروردیه در مولتان و مزار میر سید علی همدانی ملقب به علی ثانی در کشمیر است ، مزار سید غلامعلی آزاد بلگرامی و حسن دهلوی در خلد آباد دکن و آرامگاه

خاندان اکبری و آرامگاه همایون در دهلی است و آرامگاه شاه جهان در تاج محل آگرا همه زیارتگاه مسلمانان و جهانگران است گذشته از این در بنگال ، مالوه ، جونپور ، گجرات ، اوچ ، لاهور ، حیدرآباد دکن ، بمبئی ، کراچی و غیره آثار دوران اسلامی فراوان است .

در دوران اسلامی بسیاری از هندیان و مهاراجه ها نیز مسلمان و شیعی بودند و گاه حدیث نبوی : حسین منی و ان من حسینی روی پرچم های اسلامی نقش بود . مهاراجه جی پور نقش و نام حسین علیه السلام بر دوش میگذاشت تزیینها در تکایا برپا میداشتند و در مساجد نماز جماعت خوانده و در امام باره ها عزاداری میکردند . در هر شهر يك کربلا و نجف و در برخی شهرها کعبه هائی برای زیارتگاه درست کرده بودند . در مولتان بقعه ای برای شمس تبریزی و بقعه ای برای بایزید بسطامی برپا شده بود .

در سراسر هند و پاکستان آثار معماری ایرانی و هندی که در دوره حکومت های اسلامی پدید آمده درخشش بسیار دارد .

شیعی ها به فرقه های اسمعیلی بوهره ، خوجه و غیره تقسیم میشوند اکنون بیش از دویست هزار بوهره هستند و خوجه ها (اسمعیلیه) که اختلاف جزئی با بوهره ها دارند به يك میلیون میرسند در میان اسمعیلی ها شیعه و سنی نیز هست بوهره ها شش امامی بوده و بیشتر نزدیک به اسمعیلی و هندو هستند اسمعیلی ها در شمال کشمیر در هونزا بیشتر هستند و در بمبئی و کراچی نیز پراکنده بوده و پیش ازین در اچ و ملتان بودند که در آنجا نواب اسمعیلی بر چند صد هزار اسمعیلی حکومت داشت .

کتابخانه شاه گردیزی در ملتان نسخه‌های خطی فارسی و عربی هست.

در هندوستان

۱- کتابخانه خدابخش در پتنه بیش از پنجاه هزار نسخه خطی کتابهای فارسی و عربی دارد فهرست کتابهای خطی فارسی و عربی این کتابخانه درسی و دو جلد چاپ شده است.

خدابخش یکی از مسلمانان هند بوده که در زمان او ادبیات فارسی بسیار رایج بود. خدابخش کتابخانه و ساختمان آنرا بملت واگذار کرد و دولت هند بتوسعه آن پرداخت.

۲- کتابخانه آصفیه در دکن که در حکومت نظام حیدر آباد وسیله عثمان آصف‌جاه برپا شده است فهرست نسخه‌های خطی فارسی این کتابخانه چاپ شده است که دو جلد آنرا دیده‌ام.

۳- کتابخانه دانشکده پزشکی هند در حدود دو هزار نسخه خطی پزشکی ایرانی دارد که در حیدرآباد دکن است.

۴- کتابخانه دانشگاه علیگر- دانشگاه اسلامی علیگره در جنوب شرقی دهلی است دارای کتابهای خطی فارسی و عربی بسیار است.

۵- کتابخانه رضا- در رامپور با ساختمان و اقامتگاه برای دانش پژوهان بملت واگذار شده است دارای کتابهای خطی فارسی بسیار است.

۶- کتابخانه ملا فیروز و کاما در بمبئی دارای کتابهای گرانبهای خطی فارسی و عربی است از جمله نسخه خطی کهن برز و نامه در این کتابخانه هست.

۷- کتابخانه مدرس دارای کتابهای فارسی و نسخه اصلی دینکرد به پهلوی و برز و نامه و تاریخ مسعودی خطی است.

۸- کتابخانه آسیائی بنگال در کلکته دارای کتابهای خطی ایرانی و فارسی و عربی است.

کتابخانه‌های هند و پاکستان

بزرگترین گنجینه کتابهای فارسی و عربی ایرانی خارج از ایران در هند و پاکستان بوده است.

در هند و پاکستان کتابخانه‌های بسیار هست اما آنچه مورد نظر ماست کتابخانه‌هاییست که در آنها بیشتر نسخه‌های خطی کتابهای فارسی و دست‌نویسهای عربی است که نویسندگان ایرانی در دوران اسلامی نگاشته‌اند که در زیر بچند کتابخانه اشاره میکنم:

در پاکستان

۱- در کتابخانه موزه ملی پاکستان در کراچی دست‌نویسهای فارسی و عربی نفیسی دید. میشود.

۲- در کتابخانه دانشگاه لاهور نیز نسخه‌های خطی فارسی و عربی هست.

۳- کتابخانه گنج بخش در راولپندی نسخه‌های کهن فارسی و عربی دارد.

در کتابخانه موزه پشاور و کتابخانه دانشگاه آن شهر. کتابخان عمومی پنجاب (لاهور) در کتابخانه قلعه شاهی لاهور. کتابخانه دانشگاه حیدرآباد سند و کتابخانه لیاقت علیخان در کتابخانه انجمن شرقی اردو

۹ - کتابخانه ملی الله آباد دارای کتابهای خطی فارسی و عربی است.

۱۰ - کتابخانه دانشگاه سری نگر (کشمیر) نیز دارای کتابهای فارسی

و عربی است.

۱۱ - کتابخانه مهرجی رانا در نوساری دارای کتابهای ایرانی خطی

اوستائی و پهلوی و فارسی است. و در هند و پاکستان و افغانستان نسخه های

خطی کهن از کتابهای ایرانی از فارسی و عربی بسیار است من دريك خانه در

حیدرآباد دکن چندین هزار نسخه کتاب خطی بفارسی دیدم که همه آنها را

جانور خورده بود و صفحات کتابها مانند تور مشبك شده بود.

زبان و ادبیات فارسی

تا اینجا درباره نفوذ زبان فارسی و فرهنگ ایران در سرزمین هند بطور پراکنده سخن گفتیم اکنون میتوان گفت زبان فارسی با جهانگشائیهای محمود غزنوی گسترش یافت زیرا همراهان و سپاهیان محمود به هند از فارسی زبانان بودند. در سده دوازدهم میلادی زبان فارسی بدینوسیله به هند غربی یا پاکستان امروز راه یافت.

در سال ۱۱۶۲ میلادی غوریان بغزنین رو آوردند و بازماندگان غزنوی از غزنین گریخته آنان نیز به لاهور^۱ و پنجاب فرار کردند چنانکه لاهور يك مركز زبان فارسی و فرهنگ و ادب ایرانی گشت ازینرو گفته شد به لاهور غزنین كوچك گفته اند. از این زمان زبان فارسی در زبانهای محلی و گویشهای هندی و زبانهای دراوها نیز نفوذ کرده است و از زبان فارسی واژه های بسیار در آن زبانها راه یافت.

چون غوریان در غزنین استوار گشتند به لاهور رو آوردند و بازماندگان غزنوی را در آن سامان در سال ۱۱۸۶ م سرکوب کردند فرمانروائی غوریان در سرزمین هند دیری نپائید و بادرگذشت سلطان معزالدین محمد پسر بهاءالدین سام غوری فرمانروائی آنان نیز در سال ۱۲۰۶ برچیده شد.

پادشاهان هند چه غزنوی و چه غوری و چه مماليك، خلجیان، تغلقیان

۱ - لاهور در گذشته يك مركز مهرپرستی بوده است.

بهمنی‌ها، سادات، لودیان، قطب‌شاهیان و بابریان همه مسلمان بودند و بزبان فارسی سخن میگفتند و دربار آنها مجمع شاعران فارسی‌گو و صوفیان و عارفان ایرانی بوده است چنانکه در زمان سعدی و حافظ شعر آنان در دورترین نقاط هند شیوع داشته است که حافظ گفته :

شکرشکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که بینگاله میرود
در تاریخ تحفة السلاطین و سراج التواریخ در شرح حال حسن بهمنی آمده که در مدرسه بوستان سعدی میخواند و در آن وقت از زمان سعدی پنجاه سال بیش نمیگذشته است.

بسیاری از پادشاهان و فرمانروایان هند بزبان فارسی شعر سروده‌اند و شاعران بزرگ بسیار در هند بفارسی شعر گفته‌اند.
در بسیاری از کاخها و مساجد و مقابر هند الواح و کتیبه‌هایی بزبان فارسی نوشته شده که بسیاری از آنها هنوز برجاست.
در هندوستان چاپخانه‌های بسیار برای چاپ کتابهای فارسی بوده و شاید صنعت چاپ از هند بایران آمده باشد.

اکنون در بیشتر دانشگاههای هند کرسی زبان و ادبیات فارسی و یا ایران‌شناسی وجود دارد مانند دانشگاه بزرگ اسلامی علیگر، دانشگاه دهلی، دانشگاه بمبئی، دانشگاه لکهنو، دانشگاه بنارس - دانشگاه حیدرآباد و غیره. و رسم قوالی در میان صوفیه هند هنوز برجاست که در مراسم عرس مشایخ با ساز و آواز شعرهای فارسی مانند مثنوی‌های مولوی و خسرو دهلوی را میخوانند اگرچه خواننده فارسی نداند باز این سرودها بفارسی است.

برخی شاعران فارسی‌گوی هند و پاکستان

نخستین شاعر پارسیگوی هند که در باب‌الالباب چند بیت از او آمده ابو عبد الله روزبه پسر عبد الله لاهوری بود.

ابوالفرج رونی و مسعود سعد سلمان از پیشوایان شعر فارسی در هند

و پاکستان هستند. در زمان آنها باندازه‌ای زبان فارسی در لاهور سخنور داشت که لاهور را غزنین کوچک می‌نامیدند.

مسعود سعد سلمان (۴۳۹ - ۵۱۵ هجری) از قصیده‌سرایان بزرگ زبان فارسی است او از مداحان پادشاهان غزنوی در هند بود و مدتها در زندان بسربرد و حبسیات خود را در زندان سروده است. ابوالفرج رونی نخستین شاعر بزرگ فارسی‌گوی هند پیش از او بود.

خسرو دهلوی (۶۵۱ - ۷۴۵ هجری) از شاعران بزرگ مثنوی‌سرای است او به فارسی و اردو و عربی شعر دازد در موسیقی و عرفان دست داشت.

حسن دهلوی (۶۵۳ - ۷۳۸ هجری) نجم‌الدین حسن سعدی هند لقب یافت.

فیضی فیاضی (۹۵۴ - ۱۰۰۴ هجری) ملك الشعراى دربار جلال‌الدین اکبر شاه بود او مرد قلم و شمشیر بود خمه‌ای چون نظامی ساخته است فیضی عرفی را بهند دعوت کرد و مدتی میهماندار او بود.
غنی کشمیری (محمد طاهر) (در سال ۱۰۷۹ هجری درگذشت) او باکلیم و صائب همزمان بود گفته‌های او بیشتر اخلاقی است.

پیدل (۱۰۵۴ - ۱۱۳۳ هجری) میرزا عبدالقادر عظیم‌آبادی از شاعران بزرگ فارسی‌گوی است که در هندوستان و پاکستان و افغانستان بیشتر از ایران شهرت دارد از پیشوایان سبک هندی است. دیوان او بزرگترین دیوان شعر فارسی است.

غالب (در سال ۱۲۱۲ - ۱۲۸۵ هجری) اسدالله لقب او نجم‌الدوله و دبیر‌الملک نظام جنگ بهادر بود دو سال پیش برای صدمین سال او در بیشتر کشورها مراسمی برپا شد.

غالب آخرین ملك الشعرای دربار تیموری هند بود آثار گرانبهای
به نثر فارسی و اردو دارد.

غالب دلبستگی خاص بزبان فارسی و سرزمین ایران داشت و آرزو
داشت در اصفهان زندگی کند چنانکه گفته:

غالب از آب و هوای هند بسمل گشت نطق
خیز تا خود را با صفاهان و شیراز افکنیم

غالب از هندوستان بگریز فرصت مفت تست
در نجف مردن خوش است و در صفاهان زیستن

بود غالب عندلیبی از گلستان عجم
من ز غفلت طوطی هندوستان نامیدمش

اگر چه زاده هندی فروغ چشم مست
ز خساک پاک بخارا و کابل و تبریز

اقبال لاهوری (۱۸۷۳-۱۹۳۸ میلادی) دکتر محمد فیاض^۱ و دانشمند
و شاعر ملی پاکستان و هند اشعار فارسی نغز و نغیسی دارد و با يك دید جهانی
علاقه داشت کشورهای مسلمان و فارسی زبان بهم بستگی بیشتر داشته باشند و
او از پیشوایان استقلال پاکستان بود و یکی از شاعران بزرگ جهان است.
اقبال بانگلیسی هم شعر سروده است.

يك نمونه از گفته های آتشین اقبال لاهوری:

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما
ای جوانان عجم جان من و جان شما

۱ - رساله دکتری اقبال درباره ارتقای مابعدالطبیعه در ایران بود.

غوطه هازد در ضمیر زندگی اندیشه ام
تا بدست آورده ام افکار پنهان شما
فکر رنگینم کند نذر تهی دستان شرق
پساره لعلی که دارم از بدخشان شما
حلقه گرد من زبید ای پیکران آب و گل
آتشی در سینه دارم از نیاکان شما

پارسی گوینان دیگری چون امیر فخرالدین عمید سنائی، جمال الدین
احمد نسوی، شاه شرف بوعلی قلندر، بیرم خان، عرفی، منیر لاهوری، محمد
حزین، گلشن دهلوی، آرزو، شیفته، ظفر علی ظفر، عبدالمجید سالک، عطاء الله
شاه ندیم بخاری، مولانا مرتضی احمد میکش، علامه شرقی و دیگران بوده اند.
بسیاری از شاعران ایران بوده اند که رو بدربار پادشاهان هند نهاده اند که
بیرخی از آنها پیش ازین اشاره شد.

تذکره‌های فارسی در هند و پاکستان

- بسیاری از تذکره‌های معتبر فارسی در سرزمین هند نوشته شده است که اکنون بشرح برخی از آنها میپردازیم:
- ۱ - لباب الالباب نورالدین محمد عوفی بخارایی که در حدود سال ۶۴۰ هجری درگذشت شامل دو جلد عوفی آثار دیگری چون جوامع الحکایات و غیره دارد.
 - ۲ - روضة السلاطین تألیف سلطان محمد متخلص به فخری است که تذکره پادشاهانی است که شعر سروده‌اند تذکره دیگری بنام جواهر المعجایب نیز از اوست.
 - ۳ - نفایس السائر از میر علاء الدوله متخلص به کامی قزوینی همزمان اکبر شاه که در سال ۹۸۳ هجری نگاشته است.
 - ۴ - تذکره هفت اقلیم از تذکره‌های بنام است از امین بن احمد رازی که بسال ۱۰۰۲ هـ نگاشته است که ضمن ذکر اقالیم و بلاد احوال ۱۷۶۰ شاعر و عارف و بزرگانی را که شعر گفته‌اند نوشته.
 - ۵ - خلاصة الاشعار و زبدة الافکار از تقی الدین محمد کاشی که در پنج مجلد نگاشته و به ابراهیم عادل شاه دوم پادشاه بیجا پور تقدیم داشته.
 - ۶ - تذکره میخانه از عبدالنبی فخر الزمانی قزوینی از تذکره‌های مهم

است که شامل شرح حال ۹۰ تن از شاعرانی است که ساقی نامه نوشته‌اند.

۷ - کلمات الشعرا از محمد افضل سرخوش شامل شرح حال دویست شاعر زمان جهانگیر.

- ۸ - ید بیضا از میر غلام علی آزاد بلگرامی که بسال ۱۲۰۰ درگذشت دو تذکره دیگر یکی بنام سرو آزاد و دیگری خزانه عامره شامل شرح حال ۵۴۲ شاعر ازوست که هر سه از تذکره‌های مهم است.
- ۹ - مقالات الشعراء از میر غلام علی مشیر قانع تتوی است که بسال ۱۱۷۴ هجری نگاشته شامل شرح حال ۷۱۹ شاعر است.
- ۱۰ - مجمع النفایس از شیخ سراج الدین علی متخلص به آرزو که بسال ۱۱۶۹ هجری درگذشت اثر او از بهترین تذکره‌های شعراست.
- ۱۱ - تذکرة المعاصرين از شیخ محمد علی حزین شامل شرح حال یکصد تن از شعرا و نویسندگان و دانشمندان و بزرگان اصفهان که همزمان مؤلف بوده‌اند.
- ۱۲ - خلاصة الافکار از ابوطالب اصفهانی که بسال ۱۳۲۰ هجری در لکهنو درگذشت که آثار متعدد بزبانهای فرانسه، انگلیسی و آلمانی دارد.
- ۱۳ - صحف ابراهیم از علی ابراهیم خلیل خان بسال ۱۲۰۵ هجری نگاشته شامل شرح حال ۳۲۷۸ شاعر از بزرگترین تذکره‌هاست.
- ۱۴ - مخزن الغرائب از شیخ احمد علی هاشمی که بسال ۱۲۱۸ هجری نگاشته تذکره بزرگیست شامل حال ۳۲۷۸ شاعر فارسی گو.
- ۱۵ - نتایج الافکار از محمد قدرت الله گوپاموی متخلص به قدرت که بسال ۱۲۵۶ هجری نگاشته است.
- ۱۶ - هفت آسمان از احمد علی متخلص به احمد که بسال ۱۲۹۰ هجری درگذشت درباره مثنوی گویان فارسی نگاشته است.

۱۷ - شمع انجمن از نواب صدیق حسن خان بسال ۱۳۵۷ هجری شامل شرح حال ۹۷۸ شاعر فارسی گو است .

۱۸ - روز روشن از محمد گوپاموی متخلص به صبا که بسال ۱۲۹۶ هجری نگاشته شامل شرح حال ۲۴۱۵ شاعر است .

۱۹ - شعر العجم از شبلی نعمانی که آنرا فخر داعی گیلانی بفارسی ترجمه کرده از تذکرة های مهم شعر فارسی است نویسنده شعر فارسی را به سه دوره بخش کرده و در هر دوره شعر و شاعری را حلاجی نموده و شعر شاعران بزرگ و نامدار را باهم سنجیده است .

۲۰ - سخنوران ایران در عصر حاضر از دکتر محمد اسحق رئیس پیشین بخش فارسی و عربی دانشگاه کلکته کتابهای لغت و فرهنگ فارسی در دو جلد انتشار یافته است .

اکنون باید گفت در هندوستان فرهنگها و کتابهای لغت بسیار تالیف و انتشار یافته است که آنها نیز از مآخذ مهم زبان فارسی بوده و حائز اهمیت است و به برخی از آن آثار اشاره میکنم .

فرهنگها و کتابهای لغت فارسی در هند و پاکستان

در سرزمین هند فرهنگهای بسیار برای زبان فارسی تدوین شده است که برخی از آنها ارزش بسیار داشته و از مآخذ مهم زبان فارسی است که چند نمونه آنها بیان میشود :

۱ - فرهنگ قوامی از محمد فخرالدین مبارک شاه غزنوی که نخستین فرهنگ فارسی در هند بوده و در زمان علاءالدین محمد شاه خلجی (۶۹۵ - ۷۱۵ هجری) نگاشته شده است .

۲ - مؤبد الفضلا از مولانا محمد بن الاء دهلوی که بسال ۹۲۵ هجری تألیف شده .

۳ - مدارا لافاضل از الله داد فیضی در سه جلد در زمان اکبر شاه بسال ۱۰۵۱ هجری تألیف شد .

۴ - فرهنگ جهانگیری از جمال الدین حسین انجویکی از فرهنگهای معتبر و بزرگ فارسی است که در سال ۱۰۱۷ بانجام رسید .

۵ - برهان قاطع از محمد حسین بن خلف تبریزی متخلص به برهان که بسال ۱۰۶۲ هجری در زمان قطب شاهیان در دکن تألیف شد با آنکه مختصر است از فرهنگهای معتبر فارسی است .

۶ - فرهنگ رشیدی از ملا محمد عبدالرشید تقوی در زمان شاهجهان

تألیف شده و یکی از فرهنگ‌های معروف فارسی است.

۷ - کشف اللغات از عبدالرحیم بن احمد سوبهاری که در اوایل قرن دهم هجری تألیف شده فرهنگ بزرگی است شامل لغات و اصطلاحات صوفیه.

۸ - سراج اللغات از سراج الدین علیخان آرزو بسال ۱۱۴۷ هجری تألیف شده و از فرهنگ‌های معروف و معتبر است.

۹ - چراغ هدایت از سراج الدین علیخان آرزو شامل لغات مرکب و اصطلاحات.

۱۰ - بهار عجم از لاله تیک چند بهار که بسال ۱۱۶۲ هجری تألیف شده.

۱۱ - مصطلحات الشعرا از مل دارسته سیالکوتی شامل اصطلاحات فارسی.

۱۲ - مجموعه مرادفات از منشی محمد پادشاه متخلص به شاد صاحب فرهنگ آنندراج.

۱۳ - هفت قلزم از غازی الدین حیدر پادشاه آود در چندین جلد.

۱۴ آنندراج از منشی محمد پادشاه متخلص به شاد که بسال ۱۳۵۶ هجری تألیف شده یکی از فرهنگ‌های بزرگ و مهم فارسی است.

۱۵ - شمس اللغات که نویسنده خود را معرفی نکرده از فرهنگ‌های مهم و معروف فارسی است.

۱۶ - ارمغان آصفی از محمد عبدالغنی خان بسال ۱۲۹۲ هجری در هشت جلد در شهر آگرا منتشر شد.

۱۷ - خزانه اللغات از نواب شاه جهان بیگم فرمانروای بهوپال در این فرهنگ واژه‌ها به شش زبان معنی شده است بسال ۱۳۵۴ هجری در دو جلد در شهر بهوپال بچاپ رسید.

۱۸ - غیاث اللغات از محمد غیاث الدین رام پوری فرهنگ متداول در هند است.

۱۹ - آصف اللغات از نواب عزیز جنگ بهادر (ولا) که بسال ۱۳۴۳ درگذشت فرهنگ بزرگی است که تا حرف جیم آن در هفده جلد و در ۱۵۳۵۵ صفحه در حیدرآباد دکن در چاپخانه نظام چاپ شده است که در حدود ۵۵ جلد میشود.

۲۰ - فرهنگ نظام از سید محمد علی داعی الاسلام که از سال ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۸ هجری در پنج جلد در ۲۴۷۹ صفحه در حیدرآباد دکن بچاپ رسیده است. فرهنگ‌های دیگر بسیار هست از جمله لغت فارسی که فرهنگی است منظوم فارسی به سنسکریت که فرمان اکبر شاه وسیله کرشناداس گرد آمده است.

رسوم و آداب ایرانی در هند و پاکستان

گذشته از زبان و نقاشی و معماری بسیاری از رسوم و آداب و سنت های ایرانی در زندگانی مردم هند و پاکستان راه یافته است که هر يك جداگانه شایان بررسی است. میتوان گفت برادران پاکستانی، از حیث زندگی و ساختمان روحی ازین حیث شباهت بیشتری به برادران ایرانی خود پیدا کرده اند.

تاریخ در دوران اسلامی

میتوان گفت پیش از دوران اسلامی تاریخی از هند در دست نیست و مسلمانان بودند که برای هند تاریخ نوشته‌اند این تاریخ‌ها به فارسی، اردو، عربی، سنسکریت و گاه مانند شاهنامه به شعر گفته شده است. اکنون از چند تاریخ بنام نام میبریم:

۱ - چچنامه^۱ یا فتحنامه هند از علی بن حامد ابوبکر کوفی بسال ۶۱۳ هجری کتاب منهاج المسالك را از عربی به فارسی ترجمه کرد نویسنده کتاب عربی معلوم نیست و این نخستین کتابی است که در هند شناخته شده که در تاریخ فارسی نگارش یافته.

۲ - تاریخ معصومی از محمد معصوم که بسال ۹۷۷ هجری درگذشت شامل تاریخ سند.

۳ - طبقات ناصری از منهاج الدین عثمان سراج الدین معروف بقاضی منهاج سراج جورجانی.

۴ - تاریخ فیروز شاهی از ضیاء الدین برمی که بسال ۷۵۸ هجری چون تکمله طبقات ناصری تدوین شده این تاریخ را سیرة السلاطین نیز گویند.

۵ - فتوح السلاطین از مولانا عصامی که بسال ۷۵۱ هجری در دولت.

۱ - بزبان اردو به تاریخ چچنامه گویند یعنی یکی بود و یکی نبود نامه.

آباد دکن در زمان سلطان علاء الدین بهمنی از پادشاهان آن سلسله بنظم آمده شامل دوازده هزار بیت.

۶ - منتخب التواریخ از عبدالقادر بدایونی در زمان اکبر شاه بابر دربار پادشاهان و علما و شاعران نوشته شده است.

۷ - تاریخ الفی بدستور اکبر شاه هزار سال از هجرت گذشته تاریخ عظمت اسلام وسیله هفت دانشمند بزرگ اسلامی بنام نقیب خان حکیم همایون فتح الله شیرازی، حاج ابراهیم سرهندی، ملا عبدالقادر بدایونی، حکیم علی و میرزا نظام الدین احمد در چهار مجلد از آغاز اسلام تا زمان اکبر شاه نوشته شده.

۸ - اکبرنامه از ابوالفضل علامی از وزیران اکبر شاه در دو جلد که آئین اکبری جلد سوم آنست.

۹ - طبقات اکبری از خواجه نظام الدین احمد دربار تاریخ اسلام سال ۱۰۵۳ هجری نوشته شده است.

۱۰ - تاریخ فرشته از ابوالقاسم هندو شاه فرشته از درباریان سلطان ابراهیم عادل شاه دوم پادشاه احمد نگر تاریخ فرشته را نورسنامه و تاریخ گلشنی نیز گویند.

تاریخ‌ها و تروکات بسیار در دوران اسلامی در هند و پاکستان نوشته شده که چند اثر مهم آن گفته شد.

۳ - تاریخ هرودوت .

۴ - سکه‌های پیدا شده .

۵ - نوشته‌های پهلوی و پارسی .

اگرچه روشن نیست منظور هرودوت از هند این سرزمین باشد یا سرزمین دیگر آثار دیگری از نفوذ تمدن و فرهنگ ایرانی در آثاری که از خاندان موریای برجا مانده نیز هست که خود بهترین گواه این نظر است .

در نوشته‌های هندی در رویدادهای دوران خاندان موریای که از سال ۳۲۳ پیش از میلاد وسیله چند راگوپتا^۱ بنیادگذار خاندان موریایی برپا شد سخنان بسیار هست . دکتر اسپونر انگلیسی که کاوشهای پاتالی پوترا^۲ پایتخت آشوکا را در پتنه کنونی بسرمایه تانا از پارسیان انجام داد عقیده دارد چند راگوپتا ایرانی وزرشتی بود و پس از اسکندر مقدونی بتشکیل سلطنتی در شمال غربی هند پرداخت که کابل و شهرهای جنوبی هندوکش و پنجاب جزو قلمرو فرمانروایی او بود . اما چنانکه اشاره شد از اسکندر و آثار او در تاریخ‌های هند هیچگونه اثری نیست .

سردکتر جیوانجی مدی نامبرده عقیده دارد خصوصیات غیر هندی چند راگوپتا یونانی نبود بلکه ایرانی بود آشوکا نوه چند راگوپتا مرز کشور خود را تا آسام و بخشی از اوریسه رسانید .

دکتر اسپونر که عقیده دارد چند راگوپتا ایرانی و زرشتی بود همو باستناد نوشته‌های مهابهاراتا و نوشته‌های کهن سنسکرت سازندگان کاخ صدستون آشوکا را در پاتالی پوترا نزدیک شهر پتنه ایرانی میدانند که آن کاخ را همانند کاخ صدستون داریوش بزرگ در تخت جمشید ساخته‌اند اما کوچکتر .

۱ - Chandara Gupta (۳۲۴ تا ۳۰۰ پیش از میلاد) .

۲ - در مجموعه مطالعات آسیائی مقاله پاتالی پوترا بهی ۱۹۱۷ میلادی .

تمدن و فرهنگ ایران

پیش از این درباره بستگی‌های تمدن و فرهنگ ایران در هند و نفوذ مردم و زبان و دین فلات ایران در آن سرزمین مطالبی گفتم اکنون در دنباله آن سخنان نکاتی دیگر یادآور میشویم .

در تاریخ هند از نفوذ سکاها یا شاکاها در آن سرزمین بارها سخن رفته است و آثاری برجا مانده . اگر سیستان (سکستان)^۱ سرزمین اولیه سکاها بوده باشد آنان از شمال تاشمال قفقاز و جلگه اوکراین و از جنوب تاسرزمین هند در دوران گذشته رفت و آمد داشته‌اند .

درباره روابط ایران و هند نوشته‌اند داریوش بزرگ در سال ۵۱۲ پیش از میلاد بدان سرزمین لشکر کشید بگفته دکتر مدی^۲ پنج مدرک در دست است که نشان دهنده دوران فرمانروایی ایرانیان در هند پیش از روزگار پادشاهان خاندان موریای^۳ است :

۱ - نوشته‌های اوستائی .

۲ - سنگ نبشته‌های داریوش بزرگ .

۱ - اسکیت‌ها یا Scythians که به عقیده هرودوت سکاها هستند .

۲ - جیوانجی جمشیدجی مدی Dr Modi در مجموعه مقالات آسیائی Asiatic Papers

۳ - Maurians یا Maurya خاندان (۱۸۷-۳۲۳ - پ.م) .

ستونهای یاد بود و سر ستونها و تالارها و سنگ نبشته ها همه تقلیدی از ساختمانهای تخت جمشید است و اثر ساختمان ایرانی در آن دیده میشود ستونهای یادبود بخط خروشتی نگاشته شده است که وسیله دبیران ایرانی درهند رواج یافت .

بنابر نوشته مهابهاراتا کاخ آشوک را دیوهای بنام آسوره مایه^۱ ساخته اند ما میدانیم که داریوش بزرگ نیز ساختمان کاخ خود را به اهورمزدا و یاری او انجام داده است. هون تنگ^۲ جهانگرد چینی که در سده هفتم میلادی کاخ صد ستون آشوکا را دیده است در سال ۶۹۵ میلادی نوشته :

« کاخ چندراگپتا همانند کاخ پادشاهان کشور بسیار دور ساخته شده است » .

بنابر نوشته مهابهاراتا کاخ پادشاهی خاندان موریار پادشاهان بیگانه دانه وه^۳ ساخته اند و این واژه دانه وه تحریفی است از وه اژدنگاهوه فارسی زیرا زرتشتیان ایران خود را از نژاد آریاوه دنگاهوه^۴ نامیده اند.

در باره واژه موریاکه نام خاندان چندراگوپتااست دکتر اسپونر تعبیرات دانشمند هندی را نمی پذیرد وجیسول^۵ عقیده دارد واژه موریار از واژه مروه^۶ اوستائی و مرگو^۷ فارسی باستان و مرو فارسی دری گرفته شده است و دکتر اسپونر نیز عقیده دارد واژه مروه مشتق از مرغاب است که در نزدیکی

۱ -- آسوره مایه واژه ستسکریت است که همان آسوره مزده یا اهورامزدا باشد و دیو در اینجا بمعنی همان اهورا یا خداست .

۲ Hieun Thsang - ۳ Danovas - ۴ Aryava Danghave - ۵ Jaysavel - ۶ Mourwa - ۷ Margu

فارس و مرو دشت است و نام موریار از آن گرفته شده .

پروثو ، پارشو ، پارتها ، پهلوها ، پارتھین و پارسی ها

در مهابهاراتا وریگ ودا درباره پارتها و پارسیان سخنانی آمده که شایان توجه است .

در ریگ ودا از جور و ستم پارشوها (پارسیان) بمردم سخن رفته و از گرفتن هزارگاو و بز از پارشوها سخن گفته^۱ و بمردم آریائی ودا گفته است :

« ای مردم گروه پرتیوپارتی و پارشو (پارسی ها) دارایی شما را دیده و دست بغارت میزنند . »^۲

در ویشنوپورانا^۳ که نام نویسندگان هند را میشمارد از پاراسیکا (پارسی) نیز سخن گفته است .

در کتاب مودرا کشاسیه^۴ از پارسیانی که چندراگوپتانیای آشوکا را در برقراری خاندان موریار یاری کرده اند نیز بنام پاراسیکا (پارسیان) سخن میراند .

در کتاب مانو^۵ از بهروه یا پل لاوه یا پهلوه ها سخن رفته : گذشته از این کتاب آترودا^۶ آثار فرهنگ و تمدن مشترک ایران و هند را در بردارد . پرفسور لودویک واژه پرتیو و پارشو یا پارتو^۷ را درسنگریت به

۱ - Rig Veda I 1658. VIII, 646

۲ - Rig Veda VII I-83

۳ - Vishnu Purana 1958

۴ - Mudrrakshasha

۵ - Manu X 43-44 - ۶ Athar Veda

۷ - Parshu, Pruthu, Prithu, Parshva در ریگ ودا نام پارسیان چنین آمده است .



10007500106278
کتابخانه مرکزی دانشگاه



Central Library
Tehran University

پارتی ترجمه کرده است^۱ در سنگ نبشته بیستون نیز پارسه و پارشو بفارسی باستان آمده که برابر واژه سنسکریت پاراشوا و پرتیو است. درباره خاندان هند و پارتی و پهلوه‌ها در کتابها و آثار باستانی هند روایات بسیار آمده است سکه‌های بسیار از این خاندان و اشکانیان در هند پیدا شده که شایسته نیست تنها روی پیدا شدن سکه در سرزمینی برای آن سرزمین تاریخ ساخت.

دکتر جیوانجی مدی از خاندان پارتیهای ایرانی سخن میراند و آنان را پهره^۲ و یا پل لاوه یا پهلوه خاندان اشکانی پارتی میخواند این خاندان دیر- زمانی در هند پادشاهی داشته اند و قلمرو آنها تا میسور در هند جنوبی گسترش داشته^۳.

نوشته اند^۴ پل لاوه که در سده دوم میلادی در دکن فرمانروایی داشتند از اشکانیان بوده اند و پهلوه‌ها بوده اند که از میان شبه قاره هند سوی جنوب (دکن) به اندرا رفته و تشکیل سلطنت داده اند پایتخت آنان در کانچی پور نزدیک مدرس بوده^۵.

برخی از خاورشناسان خواسته اند پهلوه را بیگانه از ایران و ایرانی نشان دهند، دوران پهلوه را در هند از سده دوم تا چهارم میلادی بشمار میآورند و این همان زمان انتشار دین مہراست و برخی مہریان را با اشکانیان نیز اشتباه کرده اند.

بعقیده هدی والا^۶ آغاز دوران پهلوه در هند از سده دوم پیش از

۱ - در ایران کوده درباره واژه پارسه آمده که پارس و پهلوه هم ریشه و هم معنی هستند و نویسنده ایران باستان پهلوه را صورت تغییر یافته «پرتوه» دانسته.

۲ - Pahrava - ۳ Matrye Shastra

۴ - Wilfords' Asiatic Researches P. 60 - 91

۵ - بحیثی گارت جلد ۱۳ صفحه ۴۱۳ و ۴۱۴ نقل از:

History of India P.348-350

۶ - پرفسور شاپور شاه هرمز جی هدی والا مورخ پارسی.

میلاد است و بنظر درست تر می رسد و این درست همزمان آغاز اشکانیان میشود برخی از پهلوه‌ها بعدها تغییر کیش داده و با هندوها آمیختگی پیدا کرده اند.

پاین دره مهران در سده یکم میلادی زیر فرمانروائی اشکانیان بوده است در جنگهایی که اشکانیان در شرق ایران رو به هند آورده اند سکاها از سیستان با آنها یاری کرده اند و سکاها در هند مدت ها مانده و حکومت کرده اند و خاندانهای دیگری بوده اند که در مهران و بلوچستان و افغانستان و سیستان زیر فرمان اشکانیان حکومت داشته اند.

بعقیده هدی والا مورخ پارسی پهلوه‌ها در ۲۵۰ پیش از میلاد به هند رفته اند اما بعقیده پنڈیت بهگوان لال دانشمند سنسکریت پهلوه‌ها در حدود ۱۵۰۰ پیش از میلاد به هند آمده اند.

بعقیده دکتر بندهار کود دانشمند دیگر سنسکریت پهلوه‌ها و سکاها از سال ۱۶ تا ۱۳۳ میلادی در «اندره» در جنوب هند فرمانروایی داشته اند.

مهرداد یکم و مهرداد دوم اشکانی که هر دو پادشاه نام دینی داشته اند همه افغانستان و بلوچستان و مهران را تا تاکسیلا و پنجاب زیر سلطه خود داشته در مولتان پرستشگاه بزرگ مهر در زمان آنان (اشکانیان) ساخته شده است.

نوشته اند « بنظر میرسد پوشاک آئین و رسوم ویژه گروه پارچه^۲ افزارمندان کتیوار از اشکانیان یا پارسیان اقتباس شده باشد^۳ ».

در کاوشهایی که در شهر بهنپور (نزدیک کراچی) شده است سکه هایی از دوران اشکانی و ظرفهایی بسبک آندوران پیدا کرده اند.

۱ - Bombay Gazette دفتر یکم صفحه ۱۴۴.

۲ - Paraja

۳ - فرزاتکان زردشتی

در جنوب هندوستان سنگ نبشته‌های قابل توجهی بزربان پهلوی پیدا شده این کاوشها نیز نفوذ تمدن و فرهنگ اشکانی و ساسانی را در سرزمین هند نشان میدهند.^۱

بنابر نوشته پیکلی شمال هند دوباره در زیر استیلای ایرانیان درمیآید و رفت و آمد از هر دو طرف ادامه می‌یابد و بنابر نوشته صاحب تاریخ فرشت سینسار چند یکی از پادشاهان هند بگودرز اشکانی باج و خراج میداد و بگمان بریکس^۲ سنسار چند باید سندر و کوتیس یا چندراگوپتا باشد که در بالا اشاره شد بنیادگذار خاندان موریای بوده است.

فرمانروایان مین نگر^۳ از اشکانیان (پارتیان) بودند که با یکدیگر رقابت داشتند و همیشه پیکار داشتند گاه غالب و گاه مغلوب میشدند این اشکانیان از دره جیحون بدره سند (مهران) آمده بفرمانروایی پرداختند.^۴ برخی عقیده دارند اشکانیان هند که رقیب ساسانیان بودند از بازماندگان کارن پهلوه بوده‌اند که با کوشانیان برضد اردشیر بابکان متفق گشته‌اند.^۵

بعقیده جیمس تاد قلمرو پادشاهی پارتیان (اشکانیان) هند در سده دویم میلادی از سند (مهران) تا نریده گسترش داشته و میناگره (مین نگر) پایتخت آنان بوده است.^۶

کینینگام درباره یکی از فرمانروایان پهلوه نوشته است^۷:

۱ - A.C. Brinoll بنام سنگ نبشته‌های پهلوی در جنوب هند دیده شود که بسال ۱۸۷۴ میلادی در بنگلور چاپ شده.

۲ - Briggs

۳ - Ancient geography of India by Cunningham صفحه ۲۸۹ و ۲۹۲

۴ - J.A. Society 1866 VII 134. Bombay gazette Part. I. P. 549

۵ - Annals on anti puities of Rajastan I P. 179

۶ - در جغرافیای قدیم هند زیر صفحه ۳۱۹

Ancient Geography of India by Cunningham.

« در حدود سال ۷۱۵ میلادی گریشنا یکی از شاهزادگان پهلوه
« و فرمانروای آندیار دژ استواری در ایلاپور^۱ بساخت چنانکه
« طرح زیبای آن طبق سنگ نبشته خدایان را بشگفتی و امیدارد...
« بتی از شیوا آراسته با هلال در آن تقدیس شده از خواندن
« سنگ نبشته چنین عقیده پیدا کردم که ایلاپور همان شهر معروف
« سومنات پایتخت جزیره نمای گجرات باشد که به پتن سومنات
« شهرت داشته ».

این همان قلعه است که سعدی ادعا داشته بدان قلعه و صومعه رفته است

کینینگام درباره یکی دیگر از فرمانروایان پهلوه نوشته است:

« نفوذ ساسانیان در سند و راجپوتانه غربی بسیار بوده است

« زیرا ایرانیان و هندیان باهم تماس بسیار داشته‌اند ».^۲

اما در باره ساسانیان در بمبئی گزارت^۳ آمده است که گروهی از

ایرانیان در آغاز سده هفتم میلادی بهند رو آورده‌اند و بعقیده ویلفورد ناهبرده:

« سرکرده آنان پسر خسرو پرویز بود و خاندان مهاراجه او

دیپور از دودمان اوست. »

درباره روابط خاندان والابهی^۴ و رانا‌های میوارنیز در بمبئی گزارت

مطالبی آمده است که در این باره شایان توجه است:^۵

صاحب آئین اکبری در جلد اول کتاب خود ضمن شرح صوبه اجمیر

۱ - Elapur

۲ - در گزارشهای باستانشناسی جلد ۳ صفحه ۵ Archeological Reports

۳ - جلد ۱۳ صفحه ۲۴۸

۴ - Valabhi

۵ - جلد یکم بخش ۱ صفحه ۱۰۲

مینویسد: رانای^۱ میوار از قوم کهلوت بوده و خود را از نژاد انوشیروان عادل می‌شمارند و چتراپاتی شیواجی که پیش از این گفتیم بنیادگذار دولت مهاراشترا در هند بود که اورنگ زیب پادشاه نیرومند بابری نتوانست او را سرکوب کند از همان دودمان است که پدر او نیز از سرداران قطب‌شاهیان در دکن بود.

باید گفت در میان مردم جنوب هند مراهنای^۲ قوم بزرگی است در حدود سی میلیون و در تاریخ هند بخصوص در سده هجدهم میلادی اهمیت دارند که شیواجی پیشوای آنان و بازماندگان او در میان آنان فرمانروایی داشتند. در آغاز سده چهاردهم میلادی علاءالدین خلجی از دهلی باین استان تاخت و بخشی از این استان زیرنگین مسلمانان فارسی زبان در آمد. محمد تغلق شهر دولت آباد یکی از شهرهای این استان را بجای دهلی پایتخت قرار داد پیش از انگلیسیها شمال هند را آنان از دست مسلمانان بیرون آوردند و در نهضت استقلال هند پیشوایانی از این قوم بوده است.

بخشی که این قوم در آن حکومت داشته‌اند مهاراشترا نام دارد که بمبئی مرکز آنست مهاراشترا در اصل مهاخسترا است یعنی استان (ساتراپ) بزرگ که يك نامگذاری ایرانی است گشته خستر بزرگ.

همچنین در تاریخهای هند نوشته‌اند شاپور دوم ساسانی دوشهر در هند بنا کرد یکی رام پیروز و دیگری روشن پیروز. نام پیشاور نیز پور و شاپوره نامی است ایرانی.

و نوشته‌اند در سده هفتم میلادی شاخه‌ای از شاهزادگان ساسانی در نواحی کج^۳ کنیاوار گجرات فرمانروایی داشتند در آئین اکبری از شاهان و فرمانروایان و سرداران دیگر ایرانی که در هند فرمانروایی داشته‌اند سخن

۱ - رانا بزبان سنسکريت توپا است.

۲ - Maratha - ۳ - Cutch

رفته است که سخن‌مارا به تفصیل میکشاند. در سراسر هندوستان نیز سکه‌های بسیار از ساسانیان پیدا شده است که پشت آنها نقش آتشدان دیده میشود. زیرا بنابر نوشته‌های تاریخ‌های دوران اسلامی در هند اشکانیان و ساسانیان تا سال ۷۱۱ میلادی در سرزمین هند حکومت‌های پراکنده داشته‌اند اما در دوره بودائی جدید در دوران کنیشکا آئین بودائی بنام مهاییانا (چرخ بزرگ) داشتند در هند بیشتر فرهنگ زرتشتی و مهری و عرفان ایران رسوخ داشته و اما پسر او هویشکا عقاید آمیخته دینی داشته‌است و تمایل بآئین زرتشتی داشت سکه‌های او که پیدا شد يك روی سکه آتشکده نقش شده است اگرچه ما بنای تاریخ را بر سکه‌شناسی ننهادیم زیرا بیشتر سکه‌های پیدا شده در افغانستان و هندوستان و برخی نقاط آسیای میانه و ایران ساختگی و از نیرنگهای غربیان است.

دین در هندوستان

پیش ازین گفته شد از آنجا که تاریخ نشان میدهد از زمان هخامنشیان میان ایران و هند رابطه دیرین بوده است و از رفتن ایرانیان: سکاه، پهلوها، زرتشتیان، بودائیان، مهربان، مانسی و مسیحیان و مسلمانان ایرانی به هندوستان آثاری برجاست.

نفوذ ایرانیان درشئون مختلف فرهنگی و معماری در زمان خاندان موری در هند که پیش ازین بدان اشاره شد يك نمونه از این رابطه است. گفته شد دین آشوکا پادشاه نامدار موری بودائی بود بعقید دکتر اسپونر بودا نیز يك خردمند ایرانی و يك پارسی بود^۱.

پس از آن در زمان اشکانیان گروهی از پهلوها و سکاه و ایرانیان و مهربان بهند رفته اند چنانکه در آندیار آثارمهرابهائی پیدا شده است همچنین آثاری هست که پادشاهان گوپتا^۲ همزمان ساسانیان بدین مهر بوده اند. در این زمان از ایران دسته جاتی بهند رفته اند. در تاکسیلا که مانند پیشاور و لاهور و ملتان جزو ایران و مرکز فرهنگ ایرانی هخامنشی بوده سنگ-

۱ - در مجله آسیائی سلطنتی مقاله دکتر اسپونر ژانویه ۱۹۱۵

۲ - Guptas که در استان بهار شمال هند در سده چهارم میلادی فرمانروائی داشتند

نشته ای پیدا شد که بعقیده سرجان مارشال آنجا جزو قلمرو هخامنشی بوده در این مکان مهرابه جهان دیاله نیز یافت شده. پادشاهان گوپتا خود را بلقب قهرمان مهر^۱ ملقب میداشتند و ستون پولادینی از آن زمان بنام مهرولی^۲ در مسجد قبة الاسلام دهلی برجاست.

غارهای آجنتا و آلورا که از آن زمان پیادگار مانده مانند مهرابه های عظیمی است که در سنگ کنده شده است سکه هائی از زمان گوپتا پیدا شده و در دست است که روی آنها نقش مهر دیده میشود که بنشانه پیماننداری به شاهان حلقه پیمان میدهد در گذشته مهر پرستی تا حوالی مدرس راه یافته بود.

آثار دیگر از نفوذ ایرانیان در زمان ساسانیان در هند در خانواده های گپتا و روهن دیده میشود. پادشاهان خاندان گپتا به پیروی از ساسانیان بخود شاهنشاه میگفتند و بدینداری می پرداختند.

خاندان گپتا مانند ساسانیان دو پایتخت در هند داشتند یکی پاتلی پوترا (پتنا در استان بهار) در شمال هند و دیگری در اجین در بخش مرکزی هند. مانسی در زمان ساسانیان برای تبلیغ دین خود به هندوستان رفت و مسیحیت در زمان ساسانی تا جنوب هند به مدرس و حتی مالابار انتشار یافت سنگ نشته هائی بخط پهاوی در حوالی مدرس و پرستشگاهها پیدا شده است که نشان دهنده این آثار است برخی از رسوم دین مهرومانی در مذاهب هند راه یافته رسم دینی آبتنی در رود گنگ نیز يك رسم مهری است و نخوردن گوشت يك رسم مانوی است و مانند آن بسیار است.

زرتشتیان یا پارسیان

گذشته از مهاجرتهای بسیار که ایرانیان و زرتشتیان یا پارسیان زمان هخامنشیان از ایران به هند نموده‌اند و از دوهزار و پانصدسال پیش در هند زیسته‌اند. پس از برافتادن خاندان ساسانی مهاجرت ایرانیان زرتشتی به هند دسته‌جمعی بوده نخست دسته کوچکی از زرتشتیان در حدود سال ۱۲۵ یزدگردی از بخشهای شمالی ایران بسوی هندوستان مسافرت نمودند و بسال ۱۵۴ خورشیدی یزدگردی در شهر سنجان از شهرهای جنوب گجرات اقامت کردند و پس از دویت سال بتدریج شهرهای بیکانر، بروج، واریاو، انگلیس، نوساری و کمبایت و سورت و اودواده و شهرهای دیگر گجرات رفته در آنسرزمین بزندگی پرداختند. اما از آن استان خارج نشدند^۱ پیش از ورود بگجرات این دسته از زرتشتیان از سه‌هزار سال پیش در شمال هندوستان میزیستند که بتدریج تا حدود ۴۵۰ سال پیش نابود یا مستحیل گردیده‌اند. در باره تاریخ مهاجرت این دسته در سالهای ۷۱۶ یا ۷۵۵ و ۷۸۵ میلادی اختلاف نظر است.

در باره زمان مسافرت ایندسته کوچک اختلاف آراء موجود است اما سالی را که دکتر جیوانجی مدی از دانشمندان نامور پارسی پذیرفته است در

۱ - فرزانگان زرتشتی نوشته آقای رشید شومردان ص ۴۱ - ۴۳.

اینجا آمده. این دسته کوچک که شامل عارفان، ستاره شناسان و صاحب‌دلان بودند پیش‌بینی کرده بودند که تخمه دین بهی در هندوستان حفظ خواهد شد ازینرو دسته‌های کوچک دیگر نیز یکایک بهند رو آوردند. مسافرت زرتشتیان بگجرات، پس از ساسانیان فوری و دسته‌جمعی نبوده و چنانکه مشهور است روی گروش ایرانیان بدین اسلام و فشارهای دینی در دو سه سده آغاز اسلام در کار نبوده است بلکه فشارهای دینی در ایران از زمان غزنویان آغاز شد و بیشتر زرتشتیان از زمان مغول تا زمان ناصرالدین شاه قاجار در حدود ۶۵۰ سال رو بنابودی رفتند.

میان سالهای ۹۴۲ - ۹۹۷ میلادی بعضی از پارسیان مقیم گجرات به کمبایت رفته و در بازرگانی توفیق بسیار بدست آوردند. سپس پارسیان دیگر بآنها پیوستند و شهری پارسی‌نشین پدید آوردند. یکی از هندوان از گروه بانیه بسورت رهسپار گشته و در آنجا از بازرگانی مروارید ثروت هنگفتی بهمرسانید او جماعتی از او بایش راجپوت و ماهیگیران را اجیر نموده برای گرفتن انتقام از پارسیان شبانه برجایگاه آنان تاخت بسیاری از زرتشتیان را از دم شمشیر گذرانید و خانه‌هایشان را آتش زد آنان که جان سلامت بردند فرار را بر قرار اختیار نمودند و کسی از پارسیان در آن شهر برجای نماند.^۱

در اواخر سده ۱۱ میلادی در شهر واریاو^۲ لطمه دیگری بپارسیان خورد چنانکه بنابودی آنان انجامید.

باین معنی که قلمرو رتن پور زیر فرمانروایی گروه راجپوت قرار داشت. از زرتشتیان که گروه بسیاری بودند و بازرگانی و کشاورزی میپرداختند عمال دولت میخواستند مالیات گزافی بگیرند ولی پارسیان از پرداخت آن خودداری کردند. ازینرو سربازان راجپوت برای سرکوبی و دریافت مالیات

۱ - بهی گزت دفتر ۶ ص ۲۱۶

۲ - Wariav

پارسیان حمله کردند. پارسیان در دفاع خویش بسیاری از سربازان را از پای درآوردند فرمانده لشکر برای جبران اینبار پی فرصت میگشت تا آنکه روزی که مردان پارسی در مجلس جشنی بیرون شهر در مهمانی سرگرم شادمانی بودند ناگهان سربازان راجپوت بآنها تاختند و بسیاری از مردان را کشتند زنان پارسی بالباس مردانه در برابر آنها بمبارزه برخاستند و هنگامی که نزدیک بود شاهد پیروزی را در آغوش کشند ناگهان کلاه سردار آنها بیافتاد و گیسوان بلندش نمایان شد راجپوتان چون بانوان را مبارز خود دیدند قویدل گشتند دوباره حمله کردند و همگی را بخاک و خون غلطانیدند.

اینک بیاد شهیدان واریاو هر سال در خانه پارسیان سورت در روز ارد و ماه فروردین آئین دینی بجا آورده میشود و آفرینگان میخوانند. در گزارشی که دکتر اسپنر باستان شناس انگلیسی از کاوشهای پاتالی پوترا پایتخت آشوکا داده است نوشته شده است که نفوس بیشمار زرتشتیان و مغان در شمال هند از بهار تا پنجاب و پیشاور گسترش دارد.

استان گجرات در یک هزار و پانصد سال پیش بوسیله یک خاندان ایرانی بنام گورجره^۱ گشوده شده بود و زبان آنها در زبان محلی بنام پراکریت^۲ شاخه ای از زبان سنسکریت مستحیل گشت و آن زبان نیز با واژه های پارسی غنی تر شده و زبان گجراتی پدیدار گردید که امروز زبان استان گجرات است و پارسیان نیز آنرا بجای زبان مادری پذیرفته و آثار گرانبهای در ادب و فرهنگ و حتی ایران شناسی در این زبان از خود بیادگار گذاشته اند. پارسیان در زبان سنسکریت نیز اثرهایی نگاشته اند و آن از جمله ترجمه اوستا است.

شاعر نامدار گجراتی نیز یکنفر پارسی است بنام خبردار و مهماتما گاندی هنگام ورود به بمبئی پیوسته بدین اومیرفت و نخستین چاپخانه زبان گجراتی را یک تن پارسی بنام موبد فریدون مرزبان در هند پدید آورد.

پیش از تازش تیمور به هندوستان ایرانیان و زرتشتیان بسیار در شمال هند بودند بنابر نوشته شرف الدین علی یزدی در ظفرنامه تیموری امیر تیمور در حمله به هند هزاران زرتشتی را که باتفاق مسلمانان و هندوان از هند دفاع میکردند بکشت و نابود کرد.

ابوریحان بیرونی در تحقیق ماله هند مینویسد پیش از اسلام نواحی هند غربی بدین زرتشتی بودند.

سا از دویست و پنجاه سال پیش از تازش تیمور به هند و کشتار خونین باشندگان آن دیار آثاری از زندگانی زرتشتیان و پارسیان در اوج در دست داریم.

گفتیم مسافرت زرتشتیان به هند بتدریج صورت گرفته و بیشتر برای بازرگانی و جهانگردی بوده است بطور مثال موبد رستم مهربان پس از سالهای ۱۲۶۹ میلادی از ایران رهسپار هندوستان گردیده و در آنجا بکار نوشتن کتاب های دینی پرداخت و کتاب ویسپرد را در سال ۱۲۷۸ میلادی استنساخ نمود.

باید بخاطر داشت که تا سده ۱۵ میلادی زرتشتیان نواحی خراسان تک تک بگجرات رهسپار شده و پارسیان آنجا با پارسیان خراسان رفت و آمد داشته اند اما زرتشتیان یزد و کرمان از وجود پارسیان در هند برابر خبری که از نامه مورخ ۹۱۶ هجری قمری آنان برمیآید بیخبر بوده اند.

بگفته د کتر وست^۱ در نامه خود بمنوچهر جی بها لنجی کوتر: «... برابر

« اخباری که در دست است تا سده ۱۳ میلادی نفوس زرتشتیان

« در ایران فراوان بوده و همه در نهایت آرامش زندگی

« میکردند. در حالی که پارسیان و همدینان آنها در هندوستان

« و در غربت در تکاپوی زندگی میکوشیده‌اند. »^۱

مسافرت زرتشتیان بهند دسته‌جمعی و عنوان مهاجرت را نداشته است چنانکه خانواده ملافیروز دانشمند معروف پارسی و مؤلف چندین کتاب پیارسی منظوم از شهر سهرورد خراسان بهند مسافرت نمودند و در آن سرزمین اقامت گزیدند. بنظر میرسد در سده ۱۶ میلادی وقایعی پیش آمده که زرتشتیان خراسان بسوی یزد و کرمان کوچ نمودند. بنابراین پارسیان هند برای رفع اختلاف و حل مسائل دینی میان خود در سال ۸۵۶ خورشیدی چاپاری با نامه به یزد گسیل میدارند.

پس از برقراری مکاتبات میان زرتشتیان یزد و کرمان و زرتشتیان سورت و نوساری مسافرت افراد زرتشتیان ایران بقصد بازرگانی بهند آغاز میگردد و آنان در ضمن حامل نامه‌هائی بوده‌اند.

در سال ۱۰۵۱ هجری قمری دستور نوشیروان کرمانی بنا بدعوت جلال‌الدین اکبرشاه بهند و پایتخت او آگره رفت و در دربار ییاری میرجمال‌الدین آنجو نگارنده فرهنگ جهانگیری بنگارش و آژه‌های مصطلح زرتشتیان پرداخت و در سال ۱۰۵۵ هجری قمری بایران بازگشت و بمراکز پارسیان رفت وی در مولتان نامه‌ای بدستور قیام‌الدین پدم بهروچی می‌نویسد.^۲ یکی دیگر از بزرگان زرتشتی ایران که بدعوت اکبرشاه بهند رفت دستور آذرکیوان صاحب‌دل و سروشاور «قطب‌الاقطاب» از مردم اصفهان بود که از عرفای بزرگ و پیر و مکتب خسروانی بود که شیخ اشراق در حکمت‌الاشراق اشاره کرده است او بهنگام ورود بهند پتنه کنونی را که عظیم‌آباد نام داشت محل اقامت خویش قرار داد و با آگره پایتخت نزدیک نگردید ولی رساله‌ای نوشته بدربار فرستاد که بگفته صاحب دبستان‌المذاهب:

۱ - فرزانهان زرتشتی ص ۸ - ۹

۲ - فرزانهان زرتشتی ص ۶ - ۳۵۵

« نامه‌ها با ذکر کیوان که سرکرده یزدانان و آبادیان بود نبشتند و او را بهند طلبیدند. آذرکیوان از آمدن عذر خواست و نامه‌ای از تصانیف خود فرستاد در ستایش واجب‌الوجود و عقول و نفوس سموات و کواکب و ناصر و در نصایح پادشاه مشتمل بر چهارده جزو اول هر سطر آن پارسی بحث‌داری بود و اگر تصحیف آنرا میخواندند عربی میشد، چون قلب میکردند ترکی بود. چون تصحیف آن میخواندند هندی میگشت نواب علامی شیخ ابوالفضل اعتقادی تمام با ذکر کیوان داشت. »

دستور آذر کیوان در هند بارشاد مردم پرداخت و بجز زرتشتیان گروهی انبوه از مسلمان، هندوان و نصارا و مریدان او بودند که بمقامات عالیہ عرفان رسیده بارشاد پرداختند مولانا شبلی نعمانی مورخ دانشمند هندی عصر حاضر مینویسد:

« بسیاری از دانشمندان و فضیلاي اسلام در زمره شاگردان و موبدان آذرکیوان داخل گشته و بشاگردی او مباحثات میکردند و چون آذرکیوان موحد و صوفی مشرب و عالی‌مقام بود مراتب سلوک را نزد او پایان رساندند. »

موجب شگفتی نیست اگر گفته شود میرزا ابوالقاسم فندرسکی و میر محمدباقر داماد و شیخ بهاء‌الدین عاملی از صحبت آذرکیوان کسب فیض نموده‌اند بگفته صاحب دبستان‌المذاهب میر ابوالقاسم فندرسکی بهند رفت و در مصاحبت آذرکیوان بود و خوردن گوشت را ترك نمود.

یکی از پیشوایان پارسی هند که بنا بدعوت اکبرشاه برای شرکت در مباحثات عبادتخانه از نوساری بدربار رفت دستور مهرجی‌رانا^۱ بود که نفوذ کلام و اثرات اوستا و آموزشهای زرتشت پیامبر ایران را بشاه گوشزد نمود.

چنانکه برپادشاه مؤثر افتاد و مراسم چندی را از زرتشتیان پذیرفت و آتشکده‌ای در کاخ خود بنا نهاد و تقویم و جشنهای زرتشتیان را از جمله نوروز، مهرگان، آذرگان، فرودینگان، دیگان، تیرگان و غیره را در کشور خود رسمی نمود و تقویم عربی و تعطیلات اسلامی را منسوخ کرد^۱ و این آئین تا زمان پادشاهی شاهجهان باقی بود و اکبر شاه زمین‌های بسیار بعنوان تیول بدستور مهرجی رانا ارزانی داشت. اما اورنگ زیب این رسوم را بهم زد.

وقتی اورنگ زیب پرداخت جزیه را دوباره بر هندوان واجب کرد رستم جی مانگ از بزرگان پارسی در نوساری جزیه تنگدستان و بینوایان را از کیسه خود پرداخت.

دسته کوچک پارسیان که پس از ساسانیان بنا به پیش‌بینی برای حفظ دین بهند رهسپار شده و در سنجان اقامت گزیدند و کم‌کم بوسیله مسافرت افراد شماره آنها روبه فزونی گذاشت در سال ۸۶۹ خورشیدی بگفته دستور بهمن کیقباد سنجانا صاحب قصه سنجان هنگامی که سپاه سلطان محمود بایقرا^۲ پادشاه گجرات بسرداری الف‌خان بر ارتش فرمانروای سنجان حمله نمود دو شادوش هندوان بدفاع ایستادند و یک هزار و چهار صد نفر جوان پارسی بسرکردگی اردشیر برابر ارتش اسلام ایستادگی نمودند. هندوان هزیمت یافتند و گروه پارسیان را تنها گذاشتند. اردشیر با ۲۰۰ تن از جانبازان خود در میدان پیکار حمله می‌کرد تا پارسیان شهر با زن و فرزندان و آتش مقدس که پس از ورود بهند تقدیس نموده و بیاد پادشاه ایران بنام «ایران‌شاه» نامور ساخته بودند خود را بمامنی رسانند.

۱ - تقویم پارسی ایران تا سقوط حیدرآباد دکن در سال ۱۹۴۸ در حکومت نظام رواج داشت.

۲ - Baigra

کلیه سربازان پارسی در میدان رزم جان باختند، سنجان غارت شد بار و بینه پارسیان و خانه وزندگی آنان و کتابهای دینی هر چه داشتند نابود گردید. بازماندگان و آتش مقدس در پناه کوه بهاروت و غار آن در هشت میلی سنجان سلامت ماندند. آتش مقدس چندی در بانسده^۱ و سپس مدت سیصد سال در نوساری نگهداری شد و سرانجام به شهر اودوده برده شد و اینک در آن شهر همچنان فروزان است.

بگفته‌خان بهادر پاتل صاحب پارسی پراکش «حمله بر سنجان شالوده دینی پارسیان را متلاشی کرد و بسیاری از کتابهای دینی خود را از دست دادند و اوستا و آثار پهلوی را بتدریج از یاد بردند. موبدان شهرهای مختلف در بسیاری از سنن و مسایل دینی بایکدیگر اختلاف نظر پیدا کردند و چون از حل آن عاجز ماندند به برادران دینی خود که در ایران بودند متوسل گردیدند و چاپارهای ویژه با پرسشهای دینی بسیار به‌زرد فرستادند. موبدان ایران پاسخ پرسشها و کتابهای خطی دینی را برای آنها باز فرستادند.

زرتشتیان در ایران نیز وضع خوبی نداشتند چنانکه زرتشتیان ایران در نامه خود بپارسیان سورت و نوساری در آبان ۸۵۷ خورشیدی از نابسامانی‌های خود در ایران چنین یادآور میشوند:

«بدانند در روزگاری که گذشته است از کیومرث تا امروز هیچ روزگار سخت‌تر و دشوارتر از این هزاره نبوده است نه از دوره ضحاک تازی و نه افراسیاب و نه تورجاد و نه اسکندر رومی که دادار اورمزد میگوید که این کسان گران‌گناه تراند و از هزاره سر که اورمزد گفته است که ۸۵۷ سال گذشته است این پیش‌ترین روزگار بتر نبوده است.»

یکی از زرتشتیان برجسته که دانشمندان اوستا و پهلوی و ایران‌شناسی

باید مرهون کوشش های او باشند مویده جاماسب حکیم کرمانی معروف به ولایتی است که سال ۱۱۵۵ خورشیدی بپندرسورت رفت بنابر نوشته صاحب پارسی پراکش خان بهادر بهرامجی پاتل کوششهای او در رفع اختلاف های جماعت پارسی که بواسطه تعصب های نادانان کار بجدال انجامیده بود بسیار سودمند افتاد او از بازرگانی گذشته میدانست علت اصلی اختلافها، جهالت عوام و نادانی پیشوایان از رسوم و سنت های دینی است. بنابراین برای اصلاح اینکار سه مویده باهوش را از شهرهای مختلف پارسی نشین گجرات، برای آموزش برگزید و در تربیت آنان کوشش نمود.

دستور داراب پور هیرید کوماننا^۱ ساکن سورت، دستور جاماسب آسا ساکن نوساری و دستور دیگری از بروج بااحتمال قوی دستور فریدون پور دستور کامدین از شاگردان او بودند که اوستا و تفسیر پهلوی آنرا ازو یاد گرفتند. انکیل دوپرون فرانسوی از دستور داراب شاگرد دستور جاماسب ولایتی اوستا و پهلوی آموخت و باروپا برگشت و بترجمه اوستا پرداخت و از آن پس ایران شناسی با ترجمه اوستا و متن های پهلوی در اروپا رواج یافت.

کتابهای دینی اوستائی، پهلوی، پازند و فارسی موجود میان زرتشتیان ایران پیش از مسافرت دستور جاماسب بهند وسیله چاپارهایی پیارسیان نوساری و سورت فرستاده شده بود. مگر کتاب پهلوی دینکرد که آنرا نیز بهدین ملا بهرام ستاره شناس سال ۱۲۶۲ خورشیدی باخود به هندوستان برد. همین کتابهاست که بعدها مورد استفاده ایران شناسان قرار گرفت.

بنابر آنچه گذشت شمار پارسیان هند بر اثر پیشامدهای ناگوار گذشته از آنکه کاهش یافت آنها بسیاری از وظائف دینی خود را هم فراموش کردند و کتابهای دینی را از دست دادند سپس زرتشتیان ایران مسائل دینی و اوستا و

پهلوی را بآنها یاد دادند و کتابهای دینی موجود میان خود را برای آنها فرستادند. بعدها بر اثر فشار و متم بسیار که از دوره سلطنت صفوی تا اواخر سلسله قاجار بر آنها وارد آمد کلیه کتابهای دینی و قسمت مهمی از نفوس خود را از دست دادند و از علم و ادب و خواندن و نوشتن بی بهره گردیدند^۱ و تا مدت زمانی حق آموختن نداشتند. چنانکه اگر نخستین دسته کوچک پارسیان پس از انقراض ساسانیان بهند مسافرت ننموده بودند این بخش از کتابهای اوستا و پهلوی امروز هم در دست ما نبود و شاید شماره اندک زرتشتیان نیز بر جا نیماند. بنا بر این پیش بینی نخستین دسته کوچک زرتشتیان که برای نگهداری دین به هند مسافرت نموده بودند بحقیقت پیوست. صاحب دبستان المذاهب در گفتاری در باره پارسیان و زرتشتیان بسیار که در سراسر شمال هند از پته تا آگرا و لاهور و کشمیر تا کاشغر هستند سخن گفته و نام برخی از آنان را میآورد.

روانشاد مانکجی الیمجی هاتریا^۲ سال ۱۸۵۳ میلادی از سوی انجمن پارسیان بمبئی برای رسیدگی بکارها و یآوری و بهسازی همدینان خویش در ایران واقدام در رفع بارسنگین و روانکش جزیه رهسپار ایران گردید و بحال بدبختی زرتشتیان اندکی سرو صورت داد و پس از سی سال کوشش خستگی ناپذیر او مالیات جزیه ملغی گردید و بادریافت فرمان دولتی و فتوای مجتهدان وقت دبستانهایی برای آموزش و تربیت جوانان زرتشتی در تهران، یزد و کرمان برپا شد. خدمات مانکجی در ایران نسبت به زرتشتیان و فرهنگ آنان بسیار مهم بود و براستی او نجات دهنده زرتشتیان بشمار است^۳.

بر اثر راستی و درستکاری و کوشش در داد و ستد و داد و دهش پارسیان

۱ - فرزنانگان زرتشتی ص ۱۵-۱۷ دیده شود.

۲ - Manekji Hateria

۳ - فرزنانگان زرتشتی ص ۶۱۷.

در هندوستان شهرت جهانی یافتند و زیر پرچم پادشاهان هندو و اسلام و پرتغال و انگلیس همیشه از اتباع و فادار بوده و بدولت و میهن خویش خدمت میکرده اند. شیواجی پیشوای مراته در حدود ۳۰۰ سال پیش بشهر سورت حمله برد و آنرا غارت کرد. رستم جی مانک از بزرگان زمان با پرداخت مبلغ گزافی به شیواجی اموال پارسیان را از چپاول نجات داد و با مساعی خویش جزیره پارسیان را لغو کرد و چه بسا که جزیره هندوان شهر خویش را نیز از جیب پرفتوت خویش به مسلمانان میپرداخت.

دولت انگلستان جزیره بمبئی را حدود ۳۰۰ سال پیش با جاره شرکت هند شرقی داده بود. در آن اوان افسری از سوی آنها باداره امور جزیره میپرداخت بیشتر مردم آن ماهیگیر بودند و شماره اندکی از پارسیان نیز بآن جزیره رفته بودند و با شرکت بداد و ستد میپرداختند.

گروهی از دزدان دریائی بنام قبیله سیده^۱ بآن جزیره حمله برده سربازان شرکت هند شرقی^۲ را شکست دادند و آنان راه فرار پیش گرفتند پس از چندی یکی از ساکنان پارسی بمبئی بنام رستم جی پتل که جوانی دلاور بود دسته ای از ماهیگیران محل را گردآوری کرده بر سر مهاجمان ریخته و آنها را از بمبئی بیرون کرد و قضیه را با گاهی شرکت رسانید و تا آمدن افسری از سوی آنها که دو سال طول کشید فرمانروای آندیار بود.

پارسیان گذشته از کشاورزی و بازرگانی پیشاهنگ صنایع هندوستان نیز بوده اند. لاجی وادیا^۳ از کشتی سازان بنام هند بود. در حدود ۲۵۰ سال پیش در بمبئی بکشتی سازی پرداخت کشتیهای او از کشتیهای ساخت انگلستان نیز پردوام تر بود. حتی شرکت هند شرقی نیز سفارش ساختن کشتیهای جنگی خود را باو میداد فرزندان او نیز کار و پیشه پدر را دنبال نمودند و امروز خیره بزرگی از وادیا

Sidhi - ۱ East India Company - ۲ Lawjee Wadia - ۳

در بمبئی هست. سرجمشید جی جی باهای^۱ در ۱۵۰ سال پیش با کشتیهای خود بازرگانی چین پرداخت و ثروت هنگفتی بدست آورد. نخستین بیمارستان هند را که اینک دانشکده پزشکی است در بمبئی بنیاد نهاد. بعلاوه خیریه های بسیار و دبستان ها و دبیرستان بی شمار و آتشکده های در بمبئی و روستا کهای پارسی نشین گجرات بنامود. ساختمانهای با کرایه لارزان برای بینوایان پارسی و بودجه ای برای چاپ و انتشار کتابهای دینی مزدیستی بر قرار ساخت. ویکتوریا ملکه انگلستان او را بقلب بارون مفتخر ساخت و وی نخستین هندیست که باین افتخار سرافراز گردید. عموم مردم هند نامش را با احترام یاد میکنند. خیریه های او بی رعایت دین و مذهب و ملیت همه مردم جهان تعلق دارد.

پارسیان در صنایع هند بویژه بافندگی پیشاهنگ بوده اند سردین شاه پتیت^۲ صد و ده سال پیش بزرگترین کارخانه ریسندگی و بافندگی را در بمبئی دایر ساخت. ناصرالدین شاه قاجار نیز از ایران برای وی که ریاست انجمن بهسازی زرتشتیان ایران را عهده داشت نشانی فرستاد. پارسیان سهم بزرگی در آبادانی جزیره بمبئی دارند تنها یک روز ۷۰ نفر هنگام عبور از دریا بآن سوی بمبئی در دریا غرق شدند. بانوی سرجمشید جی با فروش کلیه جواهرات و پول پس انداز خود و دارائی خویش پلی بر روی دریا بساخت و جزیره بمبئی را با خشکی وصل کرد این پل همچنان بر قرار است اما بیست سال پیش شهرداری بمبئی آنرا پهن تر نمود. شوهر او نیز بانوی خویش در ساختن پل کمک کرد چون جواهرات او کفاف هزینه ساختمان پل را نمیداد.

پیشوای صنعت ذوب آهن و کارخانجات تولید برق بوسیله نیروی آب در هندوستان جمشید جی نوشیروانجی تاتا میباشد. در تأسیس کارخانه ذوب آهن

J. J. Bhay - ۱ Petit - ۲

میان طرفداران دولت وقت با رقیبان انگلیسی او اختلاف پیش آمد و اینکار با اشکالات و موانع بسیار روبرو شد ولی وی بر همه فایق آمد و امروز این کارخانه یکی از بزرگترین کارخانه‌های ذوب آهن جهان است. کارخانه بافندگی وی در ناگپور نیز بزرگترین کارخانه‌هاست. تاتا در کلیه صنایع هند سرمایه‌گذاری کرده و رهبری و پیشوایی دارد. شرکت هواپیمایی ایران‌دیا را که اکنون ملی شده تاتا بنیاد نهاد و اینک نیز اداره امور آن با شرکت تاتا می‌باشد.

پارسیان در هند نخستین مردمی می‌باشند که هنگام تسلط انگلیسی‌ها بر آن قاره به تحصیل زبان انگلیسی پرداختند و نخستین مردمی بودند که در تأسیس آموزشگاه‌ها بویژه آموزشگاه دختران فعالیت نشان دادند. داداباهای-نوروزجی^۱ که در مجلس انگلستان و هم خارج برای آزادی هند فعالیت میکرد نخستین استاد هندی دانشگاه بمبئی است؛ و باتفاق نوروزجی^۲ فریدون‌جی و سهراب‌جی شاپورجی در آموزش دختران کوشش بسیار کرد و دختران پارسی نخستین دوشیزگانی در هند می‌باشند که با آموزشگاه‌ها روی آوردند و زنان هندی را در فراگرفتن دانش تشویق کردند.

در زمینه پهلوی و اوستا و ایران‌شناسی نام استادان پارسی حتی امروز نیز شهرتی بسزا دارد. چون تهمورس انگلیساریا و پسرش بهرام‌گور، مهرجی رانا، دستور سنجانا خورشید جی کاما^۳، سهراب بلسارا^۴، هیربد بهمن‌جی دهابر^۵ کنگا نگارنده فرهنگ اوستا دکتر جیوانجی مدی و شهریار جی بارو-چاو. پورداوود هنگام ورود بهند برای ترجمه اوستا از دهابر، بلسارا و

۱ - Dadabhoy Norouzji

۲ - واژه جی پسوندیست بمعنای آقا و مستر.

۳ - Cama ۴ - Bulsara ۵ - Dhabar

انگلیساریا بهره برداری بسیار نموده، وی در پیشرفت کار خویش مرهون مهربانی‌های روانشادان دینشاه ایرانی و سلیسیترو پشتون مارکار می‌باشد.

داداباهای نوروزجی از سوی حزب لیبرال انگلستان عضویت مجلس آن کشور برگزیده شد. مردم هند وی را پدر بزرگ هند لقب داده‌اند. زمانی که ریاست کنگره هند را داشت کوشش در تحصیل آزادی کامل شعار مردم هند شد منوچهر جی بهاونگر^۱ پارسی دیگریست که از سوی حزب محافظه کار^۲ و شاپور جی سکلت‌واله^۳ از طرف حزب کارگر عضو مجلس انگلستان گردیدند باید بخاطر داشت که طبق قانون هندیان حق عضویت در مجلس انگلستان را نداشتند اما پارسیان نامبرده از جانب حزبهای انگلستان بنماینده‌گی آنها انتخاب گردیدند.

دینشاه ملا نخستین و آخرین تبعه هند است که عضویت دیوان تمیز انگلستان انتخاب گردید. کتابهای قانونی که او تألیف نموده است در دانشگاه‌های هند تدریس میشود.

خیریه‌های هنگفت سر دینشاه پتیت، سر کاومجی جهانگیر، سر جمشید جی جی‌باهای، وادیا، و تاتا بعلاوه خیریه‌های خصوصی برای استفاده عموم مردم جهان می‌باشد و ویژه زرتشتیان نیست ۷۵ درصد از سود کارخانه‌های تاتا و خاندان او در راه کارهای خیر بمصرف میرسد. خیریه سرداراب تاتا سهم کلانی برای پیدا کردن درمان سرطان اختصاص داده و یک بیمارستان مجهز در بمبئی برپا داشته است.

پس از استقلال هند بسال ۱۹۴۷ میلادی پارسیان بواسطه استعداد و لیاقت ذاتی خود مصدر کارهای مهم دولتی شده‌اند. چنانکه سر هومی مدی^۴

۱ - Bhawangar ۲ - Conservative ۳ - Saklatwala
۴ - Sir Homi Modi

استاندار بزرگترین استان بنام اوترپرادیش^۱ بود اسپي انجینر^۲ فرمانده کل نیروهای هند شد و برادرش منوچهر سمت معاونت همان مقام را داشت و اینک بناننشسته شده است ریاست کل ستاد ارتش هند نیز با جنرال سام مانکشاہ است.

در زمینه علم و صنایع جدید نام دکتر هومی بهابها^۳ را باید برد که یک شخصیت جهانی است. صنعت اتم را در هند وی ایجاد کرد و در خدمت کارهای عام المنفعه گماشت. بدبختانه در حادثه هواپیما در کنفرانس جهانی اتم درگذشت و دیگری دکتر کارخانه والاس و دیگر دستور دکتر دهالا^۴ که در پاکستان و هند نام بلندی دارد.

سرپرور شاه مهتا^۵ از وکیلان مشهور و شخصیت برجسته دیگریست در کارهای کشوری هند. شهرداری بمبئی نخستین شهرداری هندوستان در نتیجه مساعی وی در بمبئی ایجاد گشت. تندیس او اینک در برابر دروازه ساختمان شهرداری در میان شهر بمبئی برپاست. وی در کارهای قانونی کشور هند با استانداران و حتی نایب السلطنه هند همواره در جدال و پیکار بود و بسیاری از محرومیهای هندوان را از میان برد.

کتابخانه‌های مهم شهر بمبئی را پارسیان برپا داشته‌اند مانند کتابخانه پتیت، کتابخانه ملا فیروز، کتابخانه کاما و کتابخانه‌های کوچک دیگر. بسیاری از ساختمانهای امور خیریه را پارسیان بدولت هند اهدا کرده‌اند چون ساختمان موزه، دانشگاه، کاوسجی هال و آموزشگاههای دیگر.

در آغاز سده هجدهم تعداد نفوس زرتشتیان در ایران یکمیلیون بود تا زمان ناصرالدین شاه به هفت هزار رسیدند اما اکنون جمعیت پارسیان در هند

۱ - Uttra Pradish - ۲ Aspi Engineer - ۳ Bhabha - ۴ Dhalla - ۵ Mehta

حدود صد هزار نفر میباشد که ۸۵ هزار نفر آن در بمبئی اقامت دارند. مراکز مهم دیگر پارسی در هندوستان عبارتست از بل سر، احمد آباد، نوساری، اودواده، سنجان، بنگلور، سورت، بروچ، باروده، ناگپور، کلکته، دهلی، سکندر آباد، مدرس، لکهنو و الله آباد. در کلیه بخشهای هند اگر شده یک نفر هم پارسی باشد بطور نمونه وجود دارد. پارسیان در شهرهای هند، پرستگاه ویژه برای خود ساخته‌اند.^۱

جمعیت زرتشتیان در نقاط دیگر جهان عبارتست از: در ایران ۲۲ هزار پاکستان ۸ هزار، کانادا پنج هزار، اروپا سه هزار و دیگر جاها و افریقا در حدود پنج هزار است.

آتشکده‌های بیشماری بنام آدریان در هند اینک فروزان است و شماره‌های آن در بمبئی و سورت در کتاب پرستگاه زرتشتیان آمد است در هندوستان هشت آتش و وهرام موجود است که از پرستشگاههای بزرگ زرتشتیان میباشد یکی آتش وهرام که بیاد شاهنشاه ایران بنام ایرانشاه نامور است در شهر اودواده است و یکی در شهر توساری و دو دیگر در شهر سورت و چهارتا در شهر بمبئی. در ایران يك آتش وهرام در یزد میباشد که قدیمترین آتشکده زرتشتیان است.

پارسیان در شهر بمبئی ساختمانهای زیادی بنام باغ ویژه خودشان برپا کرده‌اند که برای سکونت با هزینه کم در اختیار زرتشتیان بینوا گذاشته میشود از آنهاست نوروز باغ، خسرو باغ، رستم باغ، زربائی باغ، خره گت کولونی^۲ و باغهای دیگر.

۱ - پرستگاه زرتشتیان نوشته آقای رشید شهردان دیده شود.
۲ - Kharegat Colony

غارهای بودائی که در دل کوه کنده شده در هند بسیار است. یکی از آن غارها نزدیکی شهر کوهستانی لوناوله^۱ واقع است که گفته شد قسمتی از آن بوسیله یکنفر ایرانی حدود یکهزار سال پیش درست شده است.^۲

۱ - Lonavala

۳ - در تنظیم این گفتار دانشمند پارسی رشید شهمردان صاحب فرزائگان زرتشتی که از اهل صفا و عرفان نیز هستند و در استان مهاراشترا و راجستان و دکن در هند و شیراز و اصفهان و تهران بامن همراه بودند یاریم نمودند.

تصوف و عرفان در هند

گذشته از آمیختگی تعالیم اوستائی و مزدیسنی در عقاید ودائی و برهمنی هند آثار دینی مهرومانی نیز در بسیاری از ادیان و مذاهب هند رسوخ کرده است. تصوف اسلامی که با عقاید مهری نزدیک است از جهانی با ویدانت مخالف است. از سده اول هجری اسلام به هند راه یافت آثاری در دست است که از سده دوم هجری عده ای از مترجمان و قراء قرآن بهند راه یافته اند که ابو حفص بن صبیح الاسدی البصری یکی از تابعین و محدثان سده دوم از راه بلوچستان در سال ۱۶۵ هجری به هند رفت.

تأیید از سال ۳۴۹ و رفتن غزنویان بسرزمین هند اسلام در آن سرزمین گسترشی نداشت از آن زمان گذشته از گسترش دین اسلام تصوف و عرفان اسلامی ایرانی نیز در آن سرزمین گسترش یافت.

تعالیم اسلامی نیز وسیله ایرانیان در هند انتشار پیدا کرد تصوف و عرفان در هند و پاکستان رشد کرده است و اندیشه های وحدت وجود و فنا فی الله و ریاضات و تجرد و ترك دنیا همراه توحید و عدل و مساوات از تعالیم اسلامی و فلسفه های دیگر در تصوف هند راه یافت که گذشته از تعالیم مهرومانی

و بودا و پارامولکها یا برامکه که متهولیان نوبهار بلخ بودند در تصوف هند اثر گذاشته اند.

هنوز در بیشتر مدارس پاکستان و هند فقه اسلامی و عرفان و تصوف بزبان فارسی تدریس میشود در سده چهارم هجری حسین بن منصور حلاج بیضاوی از راه دریا بهند رفت و از راه پنجاب و کشمیر بعراق بازگشت. ابومعشر بلخی و ابوریحان بیرونی نیز از دانشمندانی بودند که به هند رفتند. در سده پنجم هجری امیر نورالدین از پیشوایان اولیه فرقه اسماعیلیه (بهره) باگروهی از پیروان خویش به گجرات رفت او از پیشوایان بنام بهره یا بوهره است که بهندی بمعنی بازرگان است که چون بصورت بازرگانانی به آن دیار رفتند باین نام معروف شدند آنها با اسماعیلیه از یک منشأ هستند ولی پیرو محمدالمهدی بن عبدالله از احفاد اسماعیل بن جعفر صادق (ع) می باشند. چون غزنویان بهند رفتند لاهور مرکز حکومت غزنوی شد ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری (۴۰۰ - ۴۶۹ هجری) معروف به داتا گنج بخش در زمان غزنویان از ایران به لاهور رفت او صاحب کشف المحجوب در طبقات صوفیه و دیوان شعر فارسی است و آرامگاهش در لاهور زیارتگاه اهل عرفان است از آن زمان تاکنون در هند و پاکستان زبان تصوف و عرفان زبان فارسی شد. در اواخر سده ششم هجری نیز گروهی از مشایخ صوفیان از ایران رهسپار دیار هند شدند و بدربار سلطان شهاب الدین غوری رو آوردند خواجه معین الدین چشتی از چشت سیستان در سال ۵۸۰ هجری از لاهور باجمیر رفت و بارشاد پرداخت.

معین الدین ۹۷ سال عمر کرد و در ۶۳۳ هجری درگذشت و سرسلسله فرقه چشتیه است مزار او در اجمیر زیارتگاه بزرگ صوفیان است. عثمان مروندی از متصوفان بزرگ از مرند بهند رفت و بنام لال شهباز قلندر معروف شد و در مرکز علمی آن زمان در سیوهن اقامت کرد و در

۱۲۵ سالگی در ۶۵۰ هجری درگذشت شعر صوفیانه می سرود و آرامگاه او زیارتگاه است.

شیخ بهاء الدین زکریا مولنانی (۵۴۱ - ۶۵۶ هجری) از شیوخ سهروردیه به ملتان رفت و سلسله سهروردیه را در هند تشکیل داد و این فرقه در زمان او رواج یافت - کنوزالغواید از تقریرات اوست آرامگاهش در ملتان زیارتگاه است.

خواجه قطب الدین بختیار کاکی که زادگاه او اوش از توابع اندجان - وراود بود بهند رفت مدتی در مولتان بود و در سال ۶۳۴ هجری در دهلی درگذشت او از پیروان معین الدین چشتی بود و مریدی داشت بنام خواجه فرید الدین گنج شکر که در ۹۳ سالگی در ۶۳۴ هجری درگذشت و صاحب تالیفاتی است و او مریدی داشت بنام شمس الدین ترک که گویند قرآن بسیار خوش میخواند شیخ فرید الدین گنج شکر (۵۸۳ - ۶۸۷ ه) خواهرزاده ای داشت بنام شیخ علاء الدین صابر که او را خلیفه دانسته و شمس الدین نیز از مریدان علی احمد صابر بود شیخ جمال الدین گیلی قزوینی (محدث) نیز در سده هفتم هجری به هند رفت او از مبلغان اسماعیلیه بود. نظام الدین اولیا نیز از پیروان فرید الدین گنج شکر بود فرقه نقشبندیه وسیله خواجه باقی بالله و شیخ احمد دربندی رواج یافت.

میر سید علی همدانی ملقب به علی ثانی معروف بامیر کبیر (۷۸۶ - ۷۱۳ ه) در اواخر سده هشتم هجری با گروهی از علویان همدان به کشمیر رفت و خانقاهی برپا داشت که بنام خانقاه معلی معروف شد.

بسیاری از عارفان و صوفیان بزرگ دیگر هستند مانند رفیع الدین شیرازی، حکیم ابوالفتح گیلانی شیخ جلال الدین تبریزی - سید اشرف جهانگیر سمنانی، میر فتح الله شیرازی، قاضی نور الله شوشتری (شهید) ملا شاه بدخشی سید علی شیرازی معروف به مکی مدنی، حکیم فتح الله شیرازی، شیخ محمد علی

۱ - تاریخ فیروزشاهی در باره زندگانی آنان دیده شود.

حزین اصفهانی و بسیاری از عرفا و شعرای عارف و متصوف که بهند رفته‌اند و بسیاری از عرفا و متصوفه درهند تربیت یافتگان آنان هستند خواجه نظام‌الدین اولیا معروف به محبوب الهی که از پیروان معین‌الدین چشتی بود و مرشد خسرو دهلوی بود نظام‌الدین چهار صد خلیفه داشت و صابر يك مرید و معروفست صابر گفته موقعیکه شمس من طلوع کند ستارگان تو همه افول میکنند نظام‌الدین اولیا پیشوای فرقه‌چشتیه نظامی بود که هنوز سلسله او برجاست و صابر پیشوای سلسله چشتیه صابری ، فرید الدین گنج شکر مراد صابر و نظام‌الدین اولیا بود و مرید خواجه بختیار کاکی نخستین خلیفه معین‌الدین چشتی بود آرامگاه فرید الدین در شکر گنج است و آرامگاه صابر در کلیار شمالی هند .

آرامگاه آنها در دهلی زیارتگاه است. از عارفان و صوفیان دیگر شیخ شرف‌الدین سیدجلال الدین بخاری بوعلی قلندر از معاصران جلال‌الدین خلجی بود و خواجه نظام‌الدین اولیا محمد بدایونی صاحب مثنوی کتر الاسرار و خواجه نصیر الدین محمود معروف بشاه چراغ و سید محمد گیسو دراز بنده نواز که در دهلی بسال ۷۲۱ بدینا آمد و در گاهرگه دکن در گذشت .

با آنچه که بطور اجمال از عرفا و متصوفان بزرگ درهند و پاکستان نام برده شد گفته شد زبان تصوف درهند فارسی بوده و بسیاری از پیشوایان به فارسی شعر سروده و مثنوی‌های عارفانه و صوفیانه‌ای برجا گذاشته‌اند یا کتابهایی برشته تحریر آورده‌اند.

بیشتر سلسله‌های صوفیه در هند از سلسله قادریه ، چشتیه و نقشبندیه و سهروردیه منشعب میشود بقرار زیر : اگرچه دو سلسله چشتی و نقشبندی به سلسله مجددیه پیوستند .

سلسله‌های تصوف در هند

نام سلسله	نام سر سلسله	جای مزار	سال ولادت هجری
قادریه	حضرت شیخ عبدالقادر گیلانی	بغداد	۵۶۱
چشتیه	» خواجه معین‌الدین چشتی سیستانی	اجمیر	۵۳۳
نقشبندیه	» پیر محمد	قصر عارفان	۷۹۹
سهروردیه	» شیخ شهاب‌الدین سهروردی	بغداد	۶۰۲
رفاعیه	» سید احمد الکبیر رفاعی - (خواهرزاده شیخ عبدالقادر گیلانی)	بغداد	۵۷۶
الوانیه	حضرت شیخ الوان	جده	۱۴۹
ادهمیه	» شیخ ابراهیم ادهم بلخی	جبل بسطام	
بسطامیه	» بایزید بسطامی	بغداد	۲۱۶
سقطیه	» شیخ میری سقطی	خوارزم	۳۹۵
کباریه	» » نجم‌الدین کبری	مکه	۶۱۷
شاذلیه	» » ابوالحسن شاه ذلی	قونیه	۶۵۶
مولویه	» مولانا جلال‌الدین رومی	تنتا صره	۶۷۲
حدادیه	» ابوالفتان احمد	دمشق	۶۷۵
سعدیه	» سعدالدین	گیرشور	۷۳۶

نام سلسله	نام سر سلسله	جای مزار	سال وفات هجری
بختاویه	حضرت شیخ حاجی بخت شاه	قیصریه	۸۰۰
خلوتیه	» » عمر خلوتی	کوفه	۸۳۳
زینیه	» » زین الدین	ایدر بانو پل	۸۷۰
هاییه	» » عبدالغنی	انگوره	۸۷۶
اشراقیه	» » حاجی بهرام	چیزنی	۸۹۹
اشرفیه	» » اشرف رومی	حاب	۹۰۲
بکریه	» » ابوبکر رفاعی	قسططنطیه	۹۳۶
سلانیه	» » سینی هلاوی	قسططنطیه	۹۳۶
گلشنیه	» » ابراهیم گلشنی	قاهره	۹۴۰
اگست باشیه	» » شمس الدین	گلشنیه	۹۵۱
امنیه	» » امام سنن	قسططنطیه	۹۵۹
جلوتیه	» » پیر افتادی	بروسه	۹۸۸
شمسیه	» » شمس الدین	مدینه	۱۰۱۰
سنن امیه	» » حلیم سنن	الوال	۱۰۷۹
نیازیه	» » محمد نیاز	مقصور	۱۱۰۰
مرادیه	» » مراد شامی	قسططنطیه	۱۱۳۲
نوالدینیه	» » نور الدین	قسططنطیه	۱۱۴۶
جمالیه	» » جمال الدین	قسططنطیه	۱۱۶۴
مجددیه	» » احمد فاروقی معروف بمجدد	سرهند	۹۵۰
باقیه	الف ثانی حضرت شیخ خواجه باقی بالله فانی فی الله	دهلی	۹۶۴
اسباقیه	» » حسن الدین	مدینه	۱۰۱۰

مشایخ سلسله نقشبندیه مجددیه

در نیمه دوم سده ششم هجری طریقه نقشبندیه وسیله خواجه بهاء الدین محمد بن بخاری معروف به محمد بخاری نقشبند متوفی در دوشنبه سوم ربیع الاول ۷۹۱ هجری در ورارود رواج یافت .

اکنون شجره نقشبندیه بترتیب :

حضرت محمد مصطفی (ص) - ابوبکر صدیق - سلمان فارسی - امام قاسم بن محمد بن ابوبکر - امام جعفر صادق - بایزید بسطامی - خواجه ابوالحسن خرقانی - خواجه ابوالقاسم گرگانی - خواجه ابوعلی فارمری - خواجه ابو یوسف همدانی - خواجه عبدالخالق غجدوانی - خواجه عارف ربوگری - خواجه محمود انجیر فغنوی - خواجه عزیزان علی رائینی - خواجه محمد باباسماسی - سید امیر کلال - خواجه بهاء الدین نقشبندیه - خواجه علاء الدین عطار - خواجه یعقوب چرخ - خواجه عبدالله احرار - خواجه مولانا محمد زاهد - مولانا محمد درویش - خواجه مکی محمد امکنگی - خواجه باقی بالله مجدد الف ثانی - شیخ احمد سرهندی - خواجه محمد معصوم - شیخ سیف الدین - حافظ محمد حسن - سید نور محمد بدایونی - مرزا مظهر جانجانان شهید - شاه عبدالله معروف بغلام علی شاه (سلسله نقشبندیه ایران از اوست) شاه سعدالله - محمد نعیم مسکین شاه - خواجه محمد حسین - شاه عبدالله پتن در عصر حاضر .

مشایخ سلسله قادریه

حضرت محمد مصطفی (ص) - علی کرم الله وجهه - امام حسن ع - امام حسین ع - امام زین العابدین ع - امام محمد باقر ع - امام جعفر صادق ع - امام موسی کاظم ع - امام علی بن موسی الرضا ع - معروف کرخی - سری سقطی - جنید بغدادی ابوبکر شبلی - عبدالعزیز تمیمی - عبدالواحد بن عبدالعزیز تمیمی - ابوالفرج طرطوسی - ابوالحسن هنکاری - ابوسعید مبارک مخزومی - محبوب سبحانی شیخ عبدالقادر جیلانی - سید عبدالرزاق - شرف الدین قتال - سید عبدالوهاب سید بهاء الدین - سید عقیل - سید شمس الدین صحرائی - سید گدا رحمن اول سید ابوالفضل - شمس الدین عارف - سید گدا رحمن ثانی - سید شاه فضیل سید شاه کمال کیتھلی - شاه سکندر - مجدد الف ثانی در سنه ۱۰۳۴ ه بود .

مشایخ سلسله چشتیه صابری

محمد مصطفی ص - علی کریم الله - خواجه حسن بصری - خواجه عبدالواحد بن زید - خواجه فضیل بن عیاض - خواجه سلطان ابراهیم ادهم - خواجه حذیفه المرعشی - خواجه هیبره البصری - خواجه ابواسحق چشتی - خواجه ابواحمد ابدال چشتی - خواجه ابومحمد چشتی - خواجه ابویوسف چشتی - خواجه قطب الدین مودود چشتی - حاجی شریف زندنی - خواجه عثمان هارونی - معین الدین چشتی - خواجه بختیار کاکی - فرید الدین گنجشکر (از اینجا سلسله دوشعبه میشود شعبه صابری و شعبه نظامی) حضرت مخدوم صابر - شمس الدین ترک پالی پتی - شیخ جلال الدین پالی پتی - شیخ عبدالحق رود هلوی - شیخ محمد عارف - شیخ عبدالقدوس گنگوهی - شیخ رکن الدین - شیخ عبدالاحد - مجدد الف ثانی ...

این سلسله ها از هند است مجدد الف ثانی از دو سلسله اجازت داشت صورت مشایخ این سلسله ها از اینجا بعد فرق میکند و باز شعبه شعبه میشود . از صورت سلسله های تصوف خواهید دید که از این سه سلسله منشعب شده اند . اکنون شش فرقه معروف :

۱ - فرقه چشتی که بدو سلسله چشتیه نظامی و چشتیه صابری تقسیم میشود ذکرشان لسانی است .

۲ - فرقه نقشبندی که در ایران امروز معروف است و ذکرشان قلبی و بادل است .

۳ - قادری (قادریه یا غوثیه)^۱ که ذکرشان انفاسی است .

۴ - سهروردی که ذکرشان سمعی است .

۵ - کبروی که ذکرشان سری است .

۶ - رفاعیه که ذکرشان لسانی است .

بطور کلی ذکر صوفیه : لسانی ، سمعی ، قلبی ، سری ، روحی یا انفاسی است .

برخی از مذاهب و فرقه‌های دیگر در هند پیدا شده که براساس تصوف ایرانی و اسلامی بوده است مانند طریقه مذهب فلسفی بهکتی^۲ که براساس یگانه پرستی و احترام به فرقه‌ها و مذاهب است بویژه باسلام که وسیله کبیر یکی از مسلمانان درست شده براساس برابری و برادری است . مذهب دیگر مذهب سیک است که پیشوای آنان گرونانک^۳ در سال ۱۵۳۳ میلادی درگذشت کتاب دینی آنها گرانث صاحب است آنان خرافات را از آئین هند و بیرون ریخته و تعصب را کنار گذاشته و خداشناسی و مساوات را برگزیده‌اند و گرانث صاحب به اسلام احترام میگذارد آنان پیشوایانی دارند و عقایدی از اسلام و آئین هندو انتخاب کرده‌اند . پیش از این گفته شد که سیکها پنج اصل را رعایت می‌کنند .

گرونانک را پسانترسیک نامیده‌اند . مذاهب دیگر مانند عقاید دادو ،

۱ - جون شیخ عبدالقادر گیلانی را غوث اعظم میخوانند .

۲ - Bhakti - ۳ - Grux Nanak

رام داس ، میترا بای و چینایا میدانیم که اکبر شاه با مطالعه در مذاهب مذهبی الهی درست کرد و جزیه را از هندوان برانداخت .

مقدمات نفوذ اروپائیان در هند

پس از واسکودوگامای پرتغالی که در سال ۱۴۹۸ میلادی به بندر کالیکوت هندوستان قدم گذاشت از آن پس کشورهای استعماری یکی پس از دیگری روبه هند نهادند . در سال ۱۶۰۹ میلادی یک افسر انگلیسی بنام هاو کینس^۱ نمایندگی از طرف یک شرکت انگلیسی بدربار جهانگیر رفت و از پادشاه خواست بکمپانی هند شرقی اجازه دهد دفتر بازرگانی و نمایندگی در بندر سورت بگشاید ولی با مخالفت بازرگانان پرتغالی و سورتی روبرو شد اما در سال ۱۶۱۳ پس از شکست نیروی دریائی پرتغالیها از انگلیسیها شاید بتوصیه و سفارش شاه عباس کبیر جهانگیر اجازه داد انگلیسیها کارخانه و تعمیرگاه کشتی و دفتر بازرگانی در بندر سورت ایجاد کنند . پس از این موفقیت پای انگلیسیها به هند باز شد و سفیر مبادله گشت .

در زمان حکومت بابریان پس از جهانگیر اسلام پیشرفت شایان کرد و میتوان گفت کشور هند و پاکستان زیر لوای اسلام و زبان و فرهنگ فارسی وحدتی یافت ولی باید گفت اورنگ زیب آخرین پادشاه مقتدر و باکفایت اسلامی هند بود و پادشاهان دیگر پس از وی رو بضعف نهاده راجه‌های هند و سیکها (گروها) فرصت یافته در سراسر هند حکومت‌های خانخانی برپا کردند و هر یک برای خود دربار و سپاهیان درست کردند و با حکومت مرکزی بنای مخالفت گذاشته دم از استقلال زدند .

دولت های استعماری پرتغال و هلند و فرانسه و انگلیس از این

وضع آشفته و خانخانی و ضعف حکومت مرکزی استفاده کرده برای گسترش نفوذ خود از راه تجارت و سیاست با یکدیگر از در رقابت درآمدند و راجگان را تطمیع و تهدید نموده و با مسلمانان که مبارزین راه استقلال هند بودند درگیری پیدا کردند در این کشمکش میان استعمارگران کم کم کمپانی انگلیسی هند شرقی بر حریفان پیروز شد و با ایجاد نفاق و اختلاف میان راجه‌ها که آنان را بر ضد همدیگر برمی‌انگیختند نفوذ خود را گسترش داد.

مبارزات مسلمانان با استعمارگران هند

مسلمانان پیدارتر بوده و از سازش با انگلیسیها یا مهاجمان غربی امتناع داشتند؛ در باره عقاید دینی هندوان دیدیم که آنها از جنگ پرهیز داشته و در راه حفظ استقلال هند نیز مسلمانان بودند که مقاومت سخت نمودند. مبارزه انگلیسیها نه تنها با امیران مخالف و مبارز بود که در راه بیرون راندن استعمارگران از هند جانفشانی میکردند و نقش اول را در این مبارزه داشتند بلکه مبارزه انگلیسیها نیز پس از استقرار بیشتر متوجه مسلمانان و برانداختن آثار اسلامی و زبان فارسی و نابودی آثار دوران درخشان حکومت اسلامی هند شد. در جنگهای استقلال که افغانها با انگلیسیها درگیری داشتند بر انگلیسیها پیروز شدند یک نمونه از دشمنی انگلیسیها با مسلمانان در آنزمان آن بود که سرهبری رالینسن پس از جنگ با افغان و شکست انگلیس درهای آرامگاه محمود غزنوی را بعنوان آنکه درهای بتخانه سومنات است واز هند بوده برای خوشامد هندوان باخود بهندوستان برد^۱

در جریان مبارزات مسلمانان با انگلیسیها سیکها بیشتر با مسلمانان درگیری داشتند و گاه هندوها با آنها همدست شده و آلت اجرای مقاصد

۱ - تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس نوشته محمود محمود جلد دوم

انگلیسیها میشدند. در جریان مبارزات مسلمانان با استعمارگران بارها مسلمانان بجهاد عمومی متوسل گشتند و مجاهدان را بر علیه مهاجمان تجهیز کردند اما انگلیسیها با وسایل گوناگون میان مسلمانان تفرقه می افکندند و برخی عالم نمایان را تحریک کردند که علیه عدم لزوم جهاد فتوی دهند تا اثر فتوای عالم بزرگ شاه عبدالعزیز دهلوی را که در سال ۱۸۵۴ میلادی برای جهاد علیه انگلیسیها فتوی داده بود خنثی نمایند برخی از این فتواها بوسیله علمای اسلامی در حجاز و عراق صادر شد و گاه مذاهب شیعی و شافعی و حنفی و مالکی بجهاد فتوی داده اند. بار دیگر در سال ۱۸۷۵ میلادی علمای هند فتوای دیگری بجهاد دادند.

انگلیسیها از جهاد مسلمانان بیمناک بودند و برای تفرقه و تشتت میان علمای اسلام در انجام این فرایض وسایل مختلف برانگیختند و از هرگونه تحریک و اغوا و اتهام به وهابی گری و تبعید و کشت و کشتار دریغ نورزیدند و حتی در نابودی و تصاحب موقوفات مدارس دینی و دارالعلمهای مسلمین و قطع وظایف و عواید آنها اقدام کردند.

از آغاز سده نوزدهم تا اواخر سال ۱۸۵۹ انقلابهایی میان سپاهیان هند بر علیه استعمار انگلیس ادامه داشت اما بارها بارسیدن نیروهای کمکی سپاهیان انگلیس تقویت شدند انگلیسیها که اول از راه دریا وارد بمبئی شده بودند در آنجا که نایب السالطه هند وارد شده در کنار دریا دروازه بزرگی ساخته اند که هنوز بیادگار برپاست.

در طی حکومت انگلستان در هند بارها مسلمانان شورش کردند! يك شورش بزرگ در سال ۱۸۵۷ میلادی بود که راجکان و سپاهیان هند برای بدست آوردن استقلال جنبشی بزرگ کردند در این مبارزات بسیاری از مسلمانان شربت شهادت نوشیدند و بدست انگلیسیها و گاه هندوان از آنها کشتارها شد. بهادر شاه آخرین پادشاه تیموری در دهلی مغلوب شد در این مبارزات حتی

زنان دلاوری مانند بی بی سلطان دلاوریها و مبارزات بسیار کردند پس از این واقعه هندوستان رسماً جزو قلمرو انگلستان اعلام شد و ملکه ویکتوریا بعنوان امپراتریس هند نامیده شد.

داستان مبارزه های مسلمانان با استعمارگران انگلیس و انجمن های سیاسی مسلمانان مانند جستیس امیر علی که يك سازمان سیاسی مسلمان بود در هند نیازمند کتابی جداگانه است.

برخی از کتابها در این زمینه بزبان های اردو و فارسی و عربی و غیره نوشته شده است^۱.

پس از این مقدمات و مقاومتهایی که گفته شد در سال ۱۷۵۷ میلادی سراج الدوله که از نژاد ایرانی بود علیه لرد کلاپود در بنگال جنگید ولی سراج الدوله شکست خورد و شکست او ضربه سختی برای مسلمانان بود و موجب شد انگلیسیها پایگاههایی در بنگال بدست آورند و از آنجا بسراسر هند دست درازی کنند.

در سال ۱۷۹۵ هجری حیدر علی امیر مسلمان دیگر از اختلاف انگلیس و فرانسه بهره برداری کرد و بر علیه استعمار برخاست فرزند او تپو سلطان مرد دلیر نامداری بود که در سال ۱۷۹۹ دلیرانه در برابر انگلیسیها ایستادگی میکرد و در بسیاری از جنگها پیروزی با او بود تا انگلیسیها براه های مکارانه دست زدند و در این جریان نظام حیدر آباد هند بیاری انگلیسیها درآمد و سیکها در پنجاب از آنان پشتیبانی کردند و جاتها و مرهتی ها نیز از استعمار جانبداری کرده اعتماد الدوله گرفتار شده او را آتش زدند پس از شکست تپو سلطان آخرین مرد بزرگ و مقاوم و کشته شدن او در سال ۱۷۹۹ جنرال انگلیسی میگوید «تمام هند از آن ماست» پس از این وقایع سید احمد عرفان بریاوی

۱ - تاریخ الاسلام فی الهند از عبدالمنعم و کتاب المسلمون فی الهند از ابوالحسن الندوی و کفاح المسلمین فی تحریر الهند از عبدالمنعم التحریر دیده شود.

در نزدیک دهلی بجهاد برخاست جنگ آزادی را برپا داشت. در بنگال و پنجاب جنگ با سیکها در گرفت و نهضت آزادی شکست خورد و در سال ۱۸۳۱ با پیروان خود کشته شد.

آخرین جنگ در سال ۱۸۵۷ صد سال بعد از سراج الدوله (دوران غدر) نهضت استقلال طلبی پیش میآید و آخرین فرمانروای بابریان بهادرشاه ظفر که مرد فاضلی بود و بفارسی هم شعر میگفت به پادشاهی گزیده میشود و یاغگیری در سراسر هند آغاز میشود انگلیسیها با کشتار مسلمانان و نیرنگ پیروز میشوند در این جنگ مردم را دسته دسته در شهرها بدار میآویختند و از این زمان مسلمانان رو به فقر و تهیدستی و بی سوادی رفتند زیرا مدارس را که در آن انگلیسی میآموختند مسلمانان تحریم کردند و در نتیجه دامن زدن انگلیسیها باختلافات هندوها و مسلمانان دامنه دشمنی و مخالفت آنان بالا گرفت کینه و عداوت هندوان را نسبت بمسلمانان انگلیسیها حتی در کتابها و نوشته های خود برمیانگیختند.

مقدمات تشکیل کنگره^۱

گروهی از دانشجویان هندو و مسلمان که برای تحصیل بانگلستان مسافرت کرده بودند احساس کردند که آن آزادی و دموکراسی که انگلیسیها ادعا میکنند برای خود میخواهند نه برای مردم شرق ازینرو برای بدست آوردن و رفع اختناق مطبوعات جنبش دیگری در سراسر هند پدید آمد و جمعیت های آزادیخواه در شهرهای بزرگ بمبئی و کلکته و مدرس تشکیل شد و تظاهرات بزرگی برپا گشت در نتیجه این جنبش برای فرونشاندن طغیان مردم فرماندار کل انگلیسی موافقت کرد جمعیتی از مردم تشکیل گردد و خواسته های آنان را بگوش فرماندار کل برساند ازینرو پس از پایان آخرین جنگ مقدمات تشکیل کنگره ملی هند فراهم شد و کنگره ملی هند در آغاز تشکیل همچون دریچه

اطمینانی بود که باموافقت لرد دو فرین فرماندار کل انگلیسی برای تسکین میلیون ها مردم هند درست شده بود و بدولت انگلستان وفاداری کامل داشت.

نخستین بار اعضای کنگره از میان هندوان در سال ۱۸۸۵ میلادی با هفتاد تن در بمبئی تشکیل شد و مسلمانان در آن شرکتی نداشتند ولی بتدریج این اندیشه پیش آمد که برای آنکه کنگره جنبه ملی پیدا کند شرکت مسلمانان در آن لازم است. ولی گروهی با شرکت مسلمانان در کنگره مخالف بودند.

جلسات اولیه کنگره بریاست داداباهایی نوروژی زرتشتی از پارسیان هند و اجمل خان پدر جواهر لال نهرو و سید رحمت الله از مسلمانان و مستر بونارچی انگلیسی تشکیل شد در این زمان بواسطه یأس و نومیدی که از مبارزات پیاپی بمسلمانان دست داده بود مسلمانان از شرکت در کنگره امتناع داشتند ولی چون دیدند دولت و فرماندار کل بنظرات اصلاح طلبان کنگره توجه دارند مسلمانان نیز بکنگره پیوستند.

باید گفت داداباهای نوروژی یکی از پیشقدمان آزادی هند بود که به پدر بزرگ هند معروف شد و پیش از گاندی از مبارزان راه استقلال بود در سال ۱۸۷۵ میلادی او رئیس کنگره بود و خود مختاری هند را در کنگره عنوان کرد و در مجلس عوام انگلیس نیز نماینده بود. سه نفر از پارسیان هند بنمایندگی در مجلس عوام انتخاب شده بودند که هر سه برای آزادی هند اقدام میکردند داداباهایی نوروژی یکی از آنان بود و دیگران بهاونه گری و سکلت والا ایرانی الاصل بودند.

هنگامی که داداباهایی در گذشت کیلومترها مردم هند از جنازه او مشایعت می کردند و جشن صد سالگی او را پس از مرگ سه روز با شکوه تمام برپا داشتند و کنگره بزرگی برای این کار تشکیل شد که گاندی رئیس آن بود.

پارسیان در هند نفوذ و احترام بسیار داشته و از پیشقدمان آزادی هند

بودند چنانکه محمدعلی جناح پیشوای بزرگ مسلمانان نیز از تربیت یافتگان سر پیروز شاه مهتا بود که به شاه بی تاج بمبئی لقب یافت و او بود که اساس شهرداری بمبئی را نیز گذاشت.

در کنگره هند مردان بزرگی چون سر اندرانات بنرجی، لاج پترای (تیلک)، گاندی، چترنجی داس، راجا کوپالا جاری، مولانا محمدعلی، مولانا شوکت علی، محمدعلی جناح، مولانا ابوالکلام آزاد، موتی لال نهرو و پسر او جواهر لال نهرو، راجندرا پراشاد شرکت داشتند.

پس از تشکیل کنگره هند مسلمانان نیز به تشکیل جمعیت‌هایی اقدام کردند از جمله جستیس امیرعلی (قاضی بزرگ) سازمان سیاسی مسلمانان را تشکیل داد و در برابر انگلیسیها پیوسته هندوان را در برابر مسلمانان تقویت میکردند و مسلمانان از هر چه رنگ انگلیسی داشت پرهیز میکردند حتی از رفتن مدرسه و خواندن زبان انگلیسی. در این زمان سر سید احمدخان که مرد روشنفکری بود و به خواخواهی سیاست انگلستان در هند معروف بود مسلمانان را بر رفتن مدرسه و آموختن زبان انگلیسی تشویق مینمود او دانشگاه معروف علیگر را که در بیداری نهضت مسلمانان اثر بسیار داشت تأسیس کرد و گرچه با وی مخالفت‌ها شد و او را بخیان متهم کردند ولی او همچنان مشوق مسلمانان بود که در فرا گرفتن زبان و فرهنگ از هندوان بازمانند و راه مبارزه را آشنایی با زبان و فرهنگ انگلیسی میدانست.

در سال ۱۹۰۵ میلادی لرد کرزن استان بنگال را بدو بخش مسلمان نشین و هندو تقسیم کرد و گرچه در آغاز با این نظر مسلمانان مخالف بودند ولی از این جدائی آزادی بیشتری یافته و خود مقدمه استقلال و جدائی هندو و مسلمان شد.

در این زمان انجمن خلافت مسلمانان برهبری محمدعلی و شوکت علی در بمبئی تشکیل شد و بنماینده‌گی مسلمانان با کنگره گفتگو میکردند.

در سال ۱۹۰۶ نایب السلطنه هند موافقت کرد که مسلمانان در انتخابات هند جداگانه شرکت نموده نمایندگان خود را در انتخابات عمومی انتخاب نمایند و این يك مرحله پیروزی برای مسلمانان بود.

در سال ۱۹۰۶ گروهی از مسلمانان در داکا گرد آمده بکوشش نواب سلیم پور و قار الملک و محسن الملک و جمع دیگری شالده جمعیت مسلم ليك^۱ را ریخته بزودی این جمعیت رسمی گشت و مصد رخد ماتی شد؛ در این زمان بسیاری از مسلمانان از کنگره کناره گیری کرده بجمعیت مسلم ليك پیوستند محمد علی جناح در این زمان از پیروان اتحاد هندو و مسلم بود و ازینرو ویرا پیامبر اتحاد هندو و مسلم نام داده بودند.

هنگامی که جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ آغاز شد و مردم هند برهبری دکترانی بزن^۲ و محمد علی جناح انجمن آزادیخواهان را تشکیل دادند و کشمکش های هند و پاکستان را از طریق داوری اصلاح می کردند گاندی با آنها همکاری نداشت و او در اندیشه نافرمانی بود.

محمد علی جناح که بقائد اعظم معروف شد در سال ۱۹۳۷ میلادی به ریاست سازمان مسلمانان مسلم ليك تعیین شد محمدعلی جناح از خوجه‌ها و شیعی بود.

در نتیجه فعالیت و توسعه نفوذ جمعیت مسلم ليك جمعیت العلمای هند نیز تشکیل شد و هدف اصلی آن مخالفت با مسلم ليك و برانگیختن مسلمانان علیه آن جمعیت بود. جمعیت دیگر بنام کنفرانس شیعه‌ها طرفدار کنگره بود و جمعیت خاکساران که نفوذ بسیار داشتند و با بیلچه‌هایی مجهز بودند بر علیه جمعیت مسلم ليك شدند و جمعیت مجلس احرار نیز هواخواه کنگره بود اما با مخالفت همه جمعیت‌ها مسلم ليك در میان مردم و مسلمانان هند بقدری نفوذ یافت که رو به پیشرفت میرفت.

جمعیت هندو مها سبایا بزرگترین انجمن هند نیز مخالف جمعیت مسلم لیک بود و انگلیسیها هم بیشتر طرفدار کنگره هند بودند .

در زمان ژرژ پنجم قرار شد ولیعهد انگلیس (پرنس آفولز) بدعوت فرماندار کل نایب السلطه هند به هندوستان بیاید کنگره مسلمان انجمن خلافت تصمیم گرفتند که از او استقبال نکنند . پارسیان هند روی قوانین دینی خود با این امر مخالف بودند و عقیده داشتند که از پادشاه و خاندان او باید تجلیل کرد جدالی میان هندوان و مسلمانان با پارسیان در گرفت و چند تن از پارسیها را کشتند و خواستند آتشکده های آنان را خراب کنند با و ناگری یکی از پارسیان که در مجلس عوام انگلیس بود پارسیان را بیدفاع خوانده و درخواست کرد بآنها اسلحه بدهند تا از خود دفاع کنند به پارسیان تعدادی اسلحه داده شد و آنها روی بام آتشکده ها سنگر کرده از خراب کردن آتشکده ها و کشتار پارسیان جلوگیری کردند و در نتیجه میان آنان صلح برقرار شد .

مبارزات کنگرس هند وقتی نتیجه بخش شد که گاندی پیشوای بزرگ با آنان همراه شد و پیشوایی و رهبری نهضت ملی استقلال طلبی را بعهده گرفت .

گاندی از سال ۱۹۱۵ که از آفریقا به هند بازگشت دیگر زندگانی خود را وقف مبارزه با استعمار کرد روش گاندی در مبارزه ملایمت و مدارا بود که از سال ۱۹۲۱ آغاز کرد و هرچه استعمارگران بر فشار خود میافزودند بیشتر مردم بگرد گاندی گرد میآمدند گاندی هندیان را به عدم همکاری با دولت دعوت می کرد چنان که حکومت انگلیس از رفتار گاندی و پیروان آن بستوه آمد .

پس از این واقعه گاندی رهبر بزرگ هندوان در زمان نخست وزیری

۱ - Non Violence عدم شرت .

سهروردی سفری به بنگال رفت در آنجا اختلافهایی میان مسلمانان و هندوان بود و هر دو گروه برای استقلال و آزادی میکوشیدند . برای نخستین بار در سال ۱۹۲۲ از جانب گاندی فرمان نافرمانی صادر شد گاندی روزه گرفت در این زمان هندوان و مسلمانان يك پیمان گشتند و نهضت نافرمانی در سراسر هند گسترش یافت گاندی را در این میان گرفته زندانی کردند این مبارزات استقلال طلبانه را مبارزات طلائی گفته اند . اگرچه محمد علی جناح نخست به نهضت نگر وید و در اینکار سودی نمیدید و تاگور هم در این عقیده با جناح همراه بود ولی در نتیجه درایت گاندی میان هندوان و مسلمانان تفاهم و اتفاق برقرار شد گاندی خطاب به هندوان که با مسلمانان کینه و دشمنی داشتند گفت اینهمه مسلمان که از عربستان به هند نیامده اند اینها همه برادران شما هندو ها هستند که امروز مسلمان شده اند ازینرو میان هندو و مسلمانان تفاهم و برادری و برابری برقرار شد محمد علی جناح نیز به نهضت نافرمانی پیوست سران دیگر مسلمان لیاقت علیخان، سردار عبدالرب نشتر مولانا حسرت موهانی به پیشوایی مسلمانان برخاستند در سال ۱۹۲۷ هیثاتی بنام «کمسیون پادشاهی بریاست سرجان سیمون بهند فرستاده شد تا درباره شایستگی هند برای استقلال تحقیق نماید ولی از طرف مردم هند استقبالی از آنها نشد . در سال ۱۹۲۹ اقبال لاهوری بریاست مسلم لیک هندوستان برگزیده شد .

در این سال دولت انگلیس حاضر شد بملت هند مانند دیگر کشورهای مشترک المنافع استقلال دهد برای این کار رهبران هند بلند دعوت شدند تا با دولت انگلیس مقدمات کار را فراهم نمایند در لندن کنفرانس میز گرد اول تشکیل شد اما نتیجه ای بدست نیامد در سال ۱۹۳۰ مقاومت منفی شدت یافت و نافرمانی سراسر هند را فرا گرفت در نتیجه گاندی و سران دیگر انقلاب بزنندگان افتادند در سال ۱۹۳۱ کنفرانس میز گرد دوم تشکیل شد و در سال ۱۹۳۲ کنفرانس میز گرد سوم در این کنفرانس دولت انگلیس بصراحت آزادی هند را اعلام

نمود در سال ۱۹۳۵ قانون استقلال استان‌های هند از مجلس انگلیس گذشت و در سال ۱۹۳۷ دولت‌های ایالتی و مجلس هراستان تشکیل شد و انتخابات بعمل آمد.

در سال ۱۹۴۰ در مجله مسلم لیگ نامی از پاکستان و پاکستان برده شد میتوان گفت در پیدایش این کلمه فارسی اقبال لاهوری شاعر بزرگ پاکستان سهم بزرگی داشته است همچنین باید گفت تیلاک رهبر برهمنان هند نیز در تقسیم هند و پاکستان نقش مؤثر داشت او مسلمانان و هندوان را بلزوم تجزیه معتقد میساخت. سراحمدخان هم در بیداری مسلمانان و برابری آنها با هندوان و پیشرفت فرهنگ و آشنائی سیاست کوشش بسیار کرد در سال ۱۹۴۰ میلادی مسلمانان هندوستان در لاهور بتقسیم هندوستان بدو کشور مسلمان و هندو نشین عقیده پیدا کردند تا راجند رئیس انجمن نیز در این نهضت و جنبش سهمی داشت. در سال ۱۹۴۲ در هند قیام بزرگی بنام ترک هند^۱ برپا شد که بر علیه انگلستان نافرمانی بزرگی سراسر هند را فرا گرفت بطوریکه سراسر افراد کریپس را مجلس انگلیس برای گفتگو با استقلال طلبان بهند فرستاد نهضت ترک هند نتیجه‌ای نداد و نماینده انگلیس هم با هواپیما سقوط کرد.

هنگامی که گفتگو از تقسیم هند بمیان آمد جنگ و جدال با سیکها نیز آغاز شد که تفصیل دیگری دارد. در اوت ۱۹۴۶ در کلکته میان مسلمانان و هندوها کشتار بزرگی در گرفت که بیش از چهار هزار مسلمان و هندو کشته شدند. در این زمان بموجب قانون اساسی شورای ایده نولوژی اسلامی نیز تشکیل شد تا قانونی مطابق باموازین دینی اسلام برای پاکستان تهیه نماید. برای اینکار لرد ویول دعوتی از نمایندگان کنگرس و حزب مسلم لیگ نمود تا مقدمات استقلال را فراهم سازند جلسه بریاست ابوالکلام آزاد که رئیس کنگره بود برپا شد. پس از هفت سال مجاهدات مسلمانان و هندوان

Quit India - ۱

جنبش استقلال خواهی به ثمر رسید و قرار شد مسلمانان و هندوان از هم تفکیک شوند تا سرزمینهای آنان مشخص گردد. در این تفکیک بیشتر ارتش و پلیس به هندوان پیوستند زیرا انگلیسیها برای انتخاب افراد ارتش به هندیها بیشتر اعتماد داشتند تا به مسلمانان و برای انتخاب پلیس به سیکها و جاتها بیشتر عقیده داشتند تا به مسلمانان ازینرو در شورشها و اغتشاشهایی که در بهار آن سال در کلکته و دهلی و علیگر و بهار پیش آمد پلیس و ارتش به پشتیبانی هندوان در کشمکشها مداخله کرد و گروهی از مسلمانان کشته شدند در این زمان هند و پاکستان یا هندو و مسلمان برای تشکیل حکومت مستقل از یکدیگر جدا و آماده تشکیل دولتهای جداگانه میشدند در این زمان لرد مونت باتن آخرین نایب السلطنه هند بود.

استقلال پاکستان و هند

باری پس از هفت سال مبارزه و مجاهده در ۱۶ مه ۱۹۴۶ اعلامیه‌ای منتشر شد که دولت فدرال هند بوجود خواهد آمد و در ۱۴ اوت ۱۹۴۷ میلادی پس از نود سال طرح قانونی استقلال پاکستان و هند در مجلس انگلستان بتصویب رسید و بحکومت دویست ساله انگلیسی در سرزمین هند پایان داده شد. دولت جمهوری اسلامی پاکستان بر رهبری محمدعلی جناح قائد اعظم در بخش سند و بلوچستان و بنگال شرقی تشکیل شد و نخست پایتخت آن کراچی و سپس راولپندی شد و اکنون به اسلام آباد منتقل میشود.

دولت جمهوری هندوستان نیز روز ۱۵ اوت همان سال اعلام استقلال نمود.

نهیضت هندوان بر رهبری گاندی و جواهر لال نهرو و دکتر راجندر پراساد و ابوالکلام آزاد و پاتل و غیره بود که همه در آن زمان از سران کنگره بودند نام دولت جدید بهارت گذاشته شد.

۱ - چنانکه گفته شد نام هند از قدیم بهارت بوده و نام هند وسیله مسلمانان در سده چهارم باین سرزمین داده شد در متون کتبهای جغرافیای قدیم مانند حدود العالم معجم البلدان یا قوت حموی، آثار البلاد و اخبار العباد زکریای قزوینی و حتی لسترنج در جغرافیای سرزمینهای خلافت هندوهند راجدا دانسته اند و این نظر درست نیست که نام هند از سند ساخته شده باشد.

تعداد مسلمانان در هند و پاکستان و بنگال بیش از یکصد و نود میلیون است.

پیشوایان نهضت مسلمانان مولانا محمدعلی قائد اعظم، محمدعلی جناح، و ایقت علی خان و علامه اقبال لاهوری بودند که مولانا محمدعلی پیش از استقلال پاکستان در سال ۱۹۳۱ درگذشت و دکتر محمد اقبال در سال ۱۹۴۸ بدرو زنگی گفت. باین ترتیب شبه قاهره هند بدو کشور جمهوری هندوستان و کشور جمهوری اسلامی پاکستان تقسیم شد تعیین مرزهای دو کشور نیز بآسانی انجام نشد و پس از تقسیم گروهی از دوسو کوچ کردند و در راه برخورد هائی داشتند. در کشور جمهوری هند در حدود شصت میلیون مسلمان است و کشور جمهوری پاکستان از دو بخش پاکستان شرقی و غربی تشکیل شد. پاکستان شرقی از بخشی از بنگال درست شد که زبان آنها بنگالی و زبان پاکستان غربی اردو، بلوچ و پشتواست در سال ۱۹۷۱ پس از انتخابات عمومی نهضتی تجزیه طلب در پاکستان شرقی بر رهبری شیخ مجیب الرحمن پدید آمد که دولت پاکستان این نهضت را سرکوب کرد در نتیجه نه میلیون و نیم مردم ناراضی از خانه و شهرهای خود بریده به هندوستان پناه بردند وجود همین پناهندگان موجب اختلاف شدید میان هند و پاکستان شد و منجر به جنگ در دو جبهه شرقی و غربی گشت و پس از چهارده روز جنگ و خرابی ارتش پاکستان شرقی بدون قید و شرط تسلیم گشت و مقدمات تشکیل حکومت خودمختار بنگلادش فراهم شده و یک سلسله اختلافهای دیگر مانند استرداد اسیران جنگ و شناسائی بنگلادش و تجزیه پاکستان پدید آمد و پس از مدتی پاکستان بنگلادش را برسمیت شناخت و امروز دولت ایران با پاکستان و هندوستان و بنگلادش رابطه برادرانه ای دارد.

پایان

در سفری که به هند و پاکستان رفتم
بیاد سخنسرایان بزرگ و نامدار
آن دیار چند مثنوی و سرایه و قطعه،
سرودم که در پایان نمونه ای از آن
سخنان یاد میشود :

در صدمین سالگرد غالب بر مزار غالب شیرین سخن در دهلی نو سروده شده

هر دم که بیاد سفر هند افتادم
آنکو بدری شعر سرودی و باردو
او خواست صفاهان زید و هند بسربرد
آنکس که نمر دست و بود زنده جاوید
زنده است بکشمیر و کراچی و به لاهور
او شهره بدلی بود و کابل و قفقاز
او باز پسین شاعر شیرین سخنی بود
او بلبل شیرین سخنی بود بهر حال
شاداب هم از شعر ترا و چمن و گل
افراشت بگلزار ادب خیمه و خرگاه
بس رنگ بار دوی بر آورد چه خوش رنگ
یکتا بگلستان ادب گفته غالب

آن غالب شیرین سخن افتاد بیادم
آنکو که ستایشگرش ایرانی و هندو
در خاک نجف میرد در دهلی نو مرد
چون او نتوان نغمه سرایی بجهان دید
مشهور به نبریز و بخارا و به میسور
اوزنده به تهران و صفاهان و بشیراز
او بلبل خوش نغمه بهر انجمنی بود
او طوطی شکر شکنی بود به بنگال
شکر شکن از شعر خوشش طوطی و بلبل
آری که با تلیم سخن بود شهنشاه
بس نقش بگفتار دری هشت چوارژنگ
طرحی دگر افکند ز نو هیکل و قالب

در عرس امیر خسرو دهلوی در شب هفدهم شوال بر مزارش در دهلی نو در حضور جمع سروده شد :

سخن گو عندلیب خوشنوائی
یکی فرزانه استاد سخن سنج
نظام تازه ای در نظم افکند
بنظم آورد بس درهای شهوار
نظامی را بدیل از سحر گفتار
نظامی را بهین پیرو بگفتار
ز مهتا عارفان نیک رفتار
بگلزار ادب خسرو بدلی
ز شعرش در طرب لاهور و کشمیر
سخن را بر سخنهای نیازی
به پیش تربتش بر پا ستادم
شبانگه بر مزارش گل فشاند
بعرش تا سحرگاه دل بیستم
شدم در محفل ثانی نظامی
همان سجاده بشین نظامی
شبانگه در سماعش قال کردم
از آن منطق دلم بس حکمت آموخت
سماعش از زمین تا آسمانست
ز ساز محفلش مدهوش گشتم

بگلزار ادب دستا سرانی
ز مدر منظومه ها آگند چون گنج
سخنهایش بسی شیرین تر از قند
سخنهایش ستایش را سزاوار
سخنهایش چو گوهرهای شهوار
نظام الدین دانا را مددکار
ز شیرین شاعران نثر گفتار
بشعر افکند طرحی نو بدلی
ز عرفانش معین الدین باجمیر
مرا بر تربتش روی نمازی
بدلی بر مزارش گل نهادم
به محفل زو ثنای تازه خواندم
ز اندوه و غم جانگاه رستم
که بودی بن حسن چشتی نامی
که خلعتی رو بدو دارد تمامی
بشب در بزم یاران حال کردم
نمیرد آن چراغی کو بر افروخت
نوای ساز او در گوش جانست
سخنگو بودم و خاموش گشتم
دهلی نو « یکتا »

فیضی دکنی

فیضی فیاضی آن نیکو سخنور یاد باد
بود فیضی شاعری خوشگوی در بزم سخن
گفته فیضی کتاب فضل را عنوان بود
خانه ای بگذشت در سکری ز سنگ زرنگار
دفتر رنگین و پرفرشی ز گفتار دری
فیضی از گوهر چو عمان دفتری آکنده داشت
گفته های نغز فیضی فیض بخش خاص و عام

آگرا - فتحپور سکری ۱۳۴۷

« یکتا »

در باره بازگشت پارسیان هند
به میهن سروده شده است:

به پارسیان هند

دیدم از مام وطن دور هزاران فرزند
همه خوش گوهر و دهگان و همه پاك نژاد
جمله را دل بهواداری میهن بگرو
ره شناسان همه را مهر وطن راهنمای
شد بسی سال که آنان همه مهجور شدند
یک زمان رنجه شدند اگر از میهن خویش
گریکی رنجه شد از مادر خود روزی چند
گر ز آسیب زمان چند که از مام صبور
با همه دوری و رنجوری و عجران و مجن
مهر هر پارسی آغشته بجان و دل ماست
ای خوش آن دم که چو یکتا بوطن باز آیند

همه در آرزوی دیدن میهن در بند
همه ایرانی والا گوهر و نیک نهاد
همه در بمبئی و کلکته و دهلی نو
همه دین آور و در دین بهی نغمه سرای
همه از خانه و کاشانه خود دور شدند
ببینی امروز بر اعش همه بیتاب و ویریش
چون تواند که ز دل بسته خود دل بر کند
شدی ای زاده آزاده ایرانی دور
بهرت آغوش گشادست همی مام وطن
بلکه در خون و رگ و ریشه و آب و گل ماست
زنگ اندوه ز آینه دل بزدایند

« یکتا »

فهرست

نفوذ فرهنگ و تمدن ایران و اسلام در سرزمین هند و پاکستان

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۳
موقعیت جغرافیائی هند و پاکستان	۶
آئین هندو	۷
کیش وداها و بیدها	۸
نام هند	۸
نژادها	۹
نفوس هند و پاکستان	۱۰
زبانهای هند	۱۰
دین در سرزمین هند و پاکستان	۱۸
کیش هندو	۲۱
نظام طبقاتی	۲۲
ظهور آئین بودا	۲۵
هند باستان	۳۱
سرزمین آریائیه	۳۲
تمدن دره سند	۳۳
دیگر تمدنهای هند	۳۶
بستگی تمدن و فرهنگ ایران در هند	۳۶
تاریخ هند باستان	۴۳
سرودهای دینی وداها و مباحث دینی	۴۵
اسلام در سرزمین هند و پاکستان	۵۵
حکومت‌های اسلامی در هند	۵۸

عنوان	صفحه
خانواده مماليك	۶۰
» خالجيان	۶۰
» تغلقيان	۶۰
» بهمنی	۶۱
» سادات	۶۱
» لوديان	۶۱
قطب شاهيان	۶۱
خانواده بابريان	۶۲
آثار حکومت‌های اسلامی در هند	۷۱
کتابخانه‌های هند و پاکستان	۸۰
در هندوستان	۸۱
زبان و ادبیات فارسی	۸۳
برخی شاعران فارسی‌گوی هند و پاکستان	۸۴
يك نمونه از گفته‌های آتشین اقبال لاهوری	۸۶
تذکرده‌های فارسی در هند و پاکستان	۸۸
فرهنگها و کتابهای لغت فارسی در هند و پاکستان	۹۱
رسوم و آداب ایرانی در هند و پاکستان	۹۳
تاریخ در دوران اسلامی	۹۴
تمدن و فرهنگ ایران	۹۶
پرتو ، پارشو ، پارتها ، پهلوها	۹۹
دین در هندوستان	۱۰۶
زرتشتیان یا پارسیان	۱۰۸
تصوف و عرفان در هند	۱۲۵
سلسله‌های تصوف در هند	۱۲۹
مشایخ سلسله نقشبندیه مجددیه	۱۳۱
مشایخ سلسله قادریه	۱۳۲
مشایخ سلسله چشتیه صابری	۱۳۲
مقدمات نفوذ اروپائیان در هند	۱۳۵
مبارزات مسلمانان با استعمارگران	۱۳۷
مقدمات تشکیل کنگره	۱۴۰
استقلال هند	۱۴۸
در صدمین سالگرد غالب	۱۵۰
در عرس خسرو دهلوی	۱۵۱
فیضی دکنی	۱۵۲
به پارسیان هند	۱۵۳

چند اثر چاپ شده نویسنده : این کتاب

تاریخ‌شناسی - نقدی بر تاریخ و تاریخ‌نگاری - در تاریخ‌شناسی و شناسایی تاریخ ایران و جهان - از انتشارات کاخ چاپ بها : ۲۰۰ ریال

تاریخ تمدن و فرهنگ پیدایش فرهنگ و تمدن و فرهنگ و تمدن شرق و غرب از انتشارات گوتنبرگ بها : ۱۲۰ ریال

نویز دازی در تاریخ شعر و نقد شعر و سخن‌سنجی و آفرینش هنری و ساختمان شعر در اروپا و کشورهای عرب و همجواری از انتشارات وحید بها : ۲۵۰ ریال

تاریخ شطرنج روش‌های شطرنج و اصطلاحات آن با ۹۴ گراور از انتشارات ابن‌سینا بها : ۱۰۰ ریال

تاریخ دارائی ایران شامل تاریخ مالیه و سازمانهای وابسته و بودجه‌های سنواتی و درآمدهای عمومی چاپ سوم از انتشارات دهخدا بها : ۵۰۰ ریال

کار و زندگی کتابیست اجتماعی در مباحث کار و زندگی چاپ چهارم ناشر کتاب‌فروشی علی‌اکبر علمی بها : ۱۵۰ ریال

شناسایی راه و روش علم و فلسفه در عرفان و تصوف و شناسایی و تقسیم‌بندی علوم در ایران و یونان ناشر کتاب‌فروشی گوتنبرگ چاپ دوم بها : ۵۰ ریال

تزیان اثر تحقیقی در باره صبی‌ها و آئین مهر و مانسی و مسیح از انتشارات ابن‌سینا بها : ۶۰ ریال

دوست و دوستی کتابیست اجتماعی ناشر کتاب‌فروشی مروج

بها : ۶۰ ریال

فائزینامه دارای بیست فائزی ناشر کتاب‌فروشی برادران علمی

بها : ۳۰ ریال

تاریخچه فرد و اصطلاحات و اقسام آن - فرد در ادبیات از انتشارات ابن‌سینا

بها : ۵۰ ریال

علم مغناطیس و تاریخچه آن - هیپنوتیسم چاپ سوم ، ناشر کتاب‌فروشی علی‌اکبر علمی

بها : ۳۰ ریال

فرهنگ مصوریکتائی فرانسه بفرسی چاپ دوم ، ناشر انتشارات ابن‌سینا

بها : ۲۵۰ ریال

حافظ یکتائی با مقدمه تحقیقی و متن انتقادی، ناشر کتاب‌فروشی علی‌اکبر علمی

بها : ۱۵۰ ریال

برگزیده شاهنامه سخنان برگزیده فردوسی ناشر وزارت آموزش و پرورش سازمان

بها : ۲۰ ریال

فرهنگ یکتائی جیبی فرانسه بفرسی از انتشارات امیرکبیر

بها : ۵۰ ریال

میمن و میمن پرستی ترجمه از پل میکل ناشر کتاب‌فروشی علی‌اکبر علمی

بها : ۱۰ ریال

نبردهای من با مقدمه مارشال فوش ترجمه از فرانسه ناشر کتاب‌فروشی دانش

بها : ۱۲۰ ریال

صفحه	سطر	نادرست	درست
۲۱	۱۰	اندر	ایندرا
۲۱	۱۳	در اوستا	اوستا
۲۱	۱۶	هند	هندو
۲۲	زیر صفحه		Valyshas
۲۳	۱۷	شاخه‌هایی	شاخه‌ها
۲۳	۱۸	براهمن	برهمن
۲۴	۹	انیتکا	امیدکار
۲۴	۱۶	ودانگ	ویدانت
۲۴	زیر صفحه		Vedant
۲۵	سطر ۱۸ و ۱۹ زائد است		Bouddha
۲۵	زیر صفحه		
۲۸	۱۰	پولکنی	پولی‌کسین
۲۸	زیر صفحه		Polikesin
۲۹	۵	گروگرته	گروگرنت
۲۹	۱۵		از کشتن و خوردن گوشت
۲۹	۱۹	شده	شده‌اند
۳۱	۷	تاریخی همیشه	تاریخ
۳۳	۱۵	شمال	در شمال
۳۳	۲۱	هند	سند
۳۴	۶ زیر صفحه		Valley
۳۴	» »		John
۳۴	» »	و هیلر	ویلر
۳۵	۴	آخر سطر اضافه شود	و آنها را بخط سندی دانسته‌اند
۳۵	۱۲	کاشا	کاشها
۳۸	زیر صفحه		The Early History of
۴۱	۱	کاهست	کاست
۴۸	۱۹		رگه‌وومسه
۴۸	زیر صفحه		Vamse
۴۹	۲	بهوشیه	بهوشیه
۴۹	۸	مدارا	مدرا
۴۹	زیر صفحه		Mudra Rakshasha
۵۳	۴ زیر صفحه		Ajanta
۵۸	زیر صفحه		Culture
۶۰	۹	الشمس	الشمس

صفحه	سطر	نادرست	درست
۴	۳	بیستگی	پیوند و بستگی
۴	۱۸	زبلك	زبان
۷	۱۹	خاور شناسان	محققان مذاهب
۸	۹	و کهن	و از کهن
۸	۱۰	آن با	با
۸	۱۹	یعنی	و اری ورت یعنی
۹	۲	دیش	دش
۹	۱۱	روشنتر	روشن
۹	۱۵	نژاد	نژاد شبه
۹	۲۰	رنگ	رنگ هستند
۹	زیر صفحه		Pradesha
۱۰	۵	پنج	هفت
۱۰	زیر صفحه		Greerson
۱۵	۲		سجزی ، فیضی فیاضی
۱۶	۱۰	پنده‌گان	پندگان
۱۶	۱۸	پیردازند	پیردازد
۱۷	۳	تحمیل	تحمیلی
۱۷	۵	شد	شد
۱۸	۸	پس	پیش
۱۸	۱۲	اوستاد	اوستا
۱۹	۱۱	وداها	ودا
۱۹	۱۲ زیر صفحه	اشلوک	شلوک
۱۹	۱۳	ها	هر
۲۰	۲۱	اندر	ایندرا
۲۱	۷	ایندرا	ایندرا را

صفحه	سطر	فادرست	درست
۶۵	۱۴	ون.سی	ون.سی
۶۶	۶ زیر صفحه	astola	as told
۷۱	۱۲	التمشی	التمش
۷۳	۹	۱۹۷۳	۱۸۷۴
۷۸	۲۹	سنجری	سجری
۸۱	۱۲	دوهزار	یکهزار
۸۱	۱۹	برزنامه و نسخه اصلی دینکرد به پهلوی	
۸۱	۲۰	(اصلی دینکرد به پهلوی و) زائد است	
۸۴	۲۳	ابوعبد عبدالله	ابوعبدالله
۸۹	زیر صفحه	Gupamovy	
۹۶	۱	ایران در	ایران و
۹۸	۱۳	وهاز دنگهاوه	واژه دنگهاوه
۹۸	۱۶	جیسول	جیسوال
۹۸	۳ زیر صفحه	Danavas	
۹۸	۴ زیر صفحه	Jaysval	
۱۰۰	۷	پهره	پهره
۱۰۲	۴	پیکلی	پایکولی
۱۰۲	۶ زیر صفحه	Quities	
۱۰۴	۲۱	کچ	کچ
۱۰۸	۷	انگلیس	انگلیس
۱۱۳	۱	یزدانان	یزدانیان
۱۱۶	۵	بازرگان	تجارب
۱۱۷	۱۳	ایمچی	ایمچی
۱۲۰	۸	شد	شد
۱۲۶	۱	متمولیان	متمولیان
۱۲۷	۳	سهروردیه	سهروردی
۱۲۷	۱۶	در بندی	سرهندی
۱۲۸	۲	که از پیروان معین الدین چشتی بود	
۱۳۰	۶	اشرافیه	اشرافیه
۱۳۱	۱۳	ثانی - شیخ	ثانی شیخ
۱۳۲	۸	پالی پتی	پانی پتی
۱۳۲	۱۱	دو	پنج
۱۳۲	۷	سری	بصری
۱۳۳	۹	سری و روحی یا	بصری و
۱۳۳	۱۴	درست	تقویت
۱۳۳	زیر صفحه	Guru	
۱۳۳	۱۹	جمعیت	جمعیت و تجزیه هند
۱۳۴	زیر صفحه	شرت	شدت

